



شماره هفتم - مهر ۱۳۹۳

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ خانی

همکاران این شماره:

شرمین نادری، المیرا حصارکی، چیافوادی
شهرزاده ممتی، فرید دانشفر، ملیکا حسن پور
پریسا محسنی زاده، سحر قاسم نژاد

با سپاس از: دکتر سیداصغر ابن الرسول

طراح جلد: سهیل نوری

گرافیک و صفحه آرایی: مجید مرادی

ویراستار: شیدا محمدطاهر

امور دفتری: وحیده بهزادی

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در
قالب مقالات، مصاحبه ها و گزارش ها، لزوماً
به معنای تایید محتوای تمامی آن ها از سوی
ماهنامه نیست.

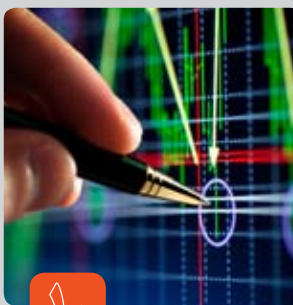
فهرست

مجله اقتصاد و مدیریت

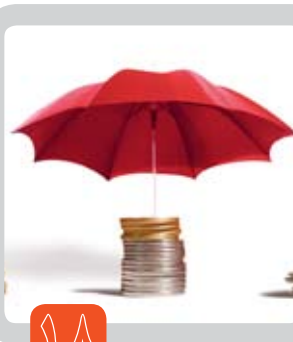
۲. منزل اول کوچه هفت پیچ.....
۳. تجارت گستران خوارزمی؛ ایده های نو برای بازارهای آشنا.....
۵. الگوهای ارزیابی عملکرد.....
۷. فرایند اجرایی استقرار مدیریت ریسک.....
۱۰. اگر تولید تقویت می شد.....
۱۲. بورس ما می تواند به رونق واقعی برسد.....
۱۴. بانک ها می توانند به مسیر حمایت از تولید بازگردند.....
۱۸. تسهیلات بانکی برای بنگاه ها کدام مهم تر است: نرخ ارزان یا دسترسی آسان؟.....
۲۰. چگونه بانک های ما بنگاه دار شدند؟.....
۲۱. اهمیت سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز ایران.....

مجله فرهنگ و خانواده

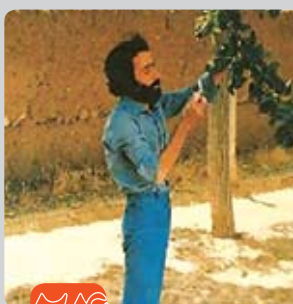
۲۲. قصه های فصل برگ ریزان.....
۲۴. آدم چه دیر می فهمد.....
۲۶. ایده های ارزان و شیک.....
۲۸. داستان بی پناه.....
۳۰. درس هایی از آموزگار بشریت.....
۳۱. چه بد رفتی و چه خوب برگشتی!.....
۳۲. پیشنهادی برای ماه مهر.....
۳۲. جدول کلمات متقاطع.....



۱۰



۱۸



۲۶



۳۲

دعوت از خوانندگان گرامی برای ارسال خاطرات و تجارب زندگی

ماهنامه «وخارزم» در نظر دارد یکی از صفحات خود را در هر شماره به درج
گوشتی از خاطرات و تجارب تلخ و شیرین خوانندگان گرامی اختصاص
دهد.

در این راستا از تمامی خوانندگان ارجمند، اعم از مدیران، کارشناسان و
کارکنان گروه سرمایه گذاری خوارزمی (شامل ستاد و شرکت های وابسته) و
خانواده های ارجمند آنان دعوت می شود در صورت تمایل، این گونه خاطرات
- به ویژه از تجارب حرفه ای و شغلی - خود را که می تواند برای دیگران جالب
توجه و مفید واقع شود، به صورت فشرده تنظیم و با رعایت نکات ذیل برای
درج در ماهنامه «وخارزم» ارسال فرمایند:

نام و نام خانوادگی، سطح تحصیلات، نشانی دقیق پستی، پست الکترونیک
و تلفن تماس نویسنده در آن قید شود.

حجم مطالب از سه صفحه ۸۴ (هر صفحه حدود ۳۰۰ کلمه) تجاوز نکند و
تایپ آن تحت برنامه word انجام شود.

ماهنامه در ویرایش، تلخیص و تنظیم مطالب رسیده آزاد است.

مطالب ارسالی در صورت تایید یا عدم تایید مسترد نمی شود.

نشانی پستی ماهنامه «وخارزم»: تهران، خیابان ملاصدرا، انتهای خیابان
شیراز جنوبی، تقاطع برزیل غربی، شماره ۲۵، طبقه دوم، ماهنامه وخارزم
(بخش خاطرات)

نشانی الکترونیک: vakharazm@khig.ir

منزل اول کوچه هفت پیچ

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

شرکت توسعه فناوری اطلاعات خوارزمی در فرابورس و عرضه سهام آن با نماد پرافتخار مفاخر که اکنون با بیش از یکصد میلیارد تومان ارزش بازار می‌رود که به‌عنوان یکی از هلدینگ فناوری تخصصی گروه خوارزمی، جایگاه ویژه‌ای را در بازار سرمایه و بازار فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور برای خود و سهام‌داران رقم زد. گسترش سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان نمونه دیگری است که با وجود رکود سنگین حاکم بر این بخش، شرکت توسعه ساختمان خوارزمی با تداوم پیشرفت در پروژه‌های منحصربه‌فرد خود، فروش بخش تکمیل‌شده آن و شروع پروژه‌های جدید، گام‌های خود در این بخش از سرمایه‌گذاری را تحکیم بخشید. چندین برنامه به ثمر نرسیده از جمله توسعه بخش نفت و گاز و پتروشیمی، گسترش تجارت بین‌الملل و تملک معادن موردنظر را نیز می‌توان برشمرد که باوجود تلاش‌ها، مطالعات و مذاکرات مختلف با متولیان امر، به دلیل شرایط خاص اقتصاد یا مناسب نبودن زمان ورود به بخش جدید هدف‌گذاری شده، گمان می‌رود که در سال مالی بعد به ثمردهی بنشینند.

میزان تحقق شعار ثروت‌آفرینی پایدار را می‌توان با افزایش بیش از ۵۰ درصدی دارایی‌های شرکت اصلی و بیش از سه برابر شدن دارایی‌های گروه در ترازنامه پایان سال مالی سنجد و با در نظر گرفتن این‌که در سال گذشته بنا بر آمار رسمی، هم حجم اقتصاد کشور کوچک‌تر شد و هم ارزش بازار اوراق بهادار کاهش یافت، می‌توان به خود بالید و خداوند منان را برای این موفقیت بزرگ سپاس گفت. در این مسیر، با توجه به انتظارات سهام‌داران شرکت، که بیش از نیمی از آن را سهام‌داران حقیقی تشکیل داده و این امر مسئولیت مدیران را سنگین‌تر می‌نماید، تلاش شرکت برای دستیابی به سود مطلوبی که بخش مناسبی از آن قابل تقسیم باشد، به ثمر رسید و صورت سود و زیان شرکت اصلی و گروه نیز با حداقل ۵۰ درصد افزایش سود تهیه شد. باید توجه داشت که دستیابی به سود رضایت‌بخش در زمانی که شرکت‌ها در مسیر توسعه بوده و نیاز مبرمی به نقدینگی داشته و از طرف دیگر به دلیل بلندمدت بودن سرمایه‌گذاری‌ها، بازده کوتاه‌مدت نیز نمی‌تواند بالا باشد، امر بسیار دشواری است که جز با تلاش بی‌وقفه و توکل به ذات اقدس الهی امکان‌پذیر نیست. و دقیقاً به دلیل همین موفقیت‌ها بود که بر خلاف روند شاخص بورس، بازده سهام شرکت از زمان برگزاری مجمع عمومی عادی سالانه در سال گذشته، به‌مراتب بالاتر از نرخ بازده بدون ریسک و سود بانکی بوده است و یکی از نقد شونده‌ترین و فعال‌ترین نمادهای بازار سرمایه به شمار می‌رود.

هر چه در ۱۲ ماه گذشته به دست آمده، اکنون به تاریخ پیوسته است و هنر آن است که به جای ماندن در گذشته، برای آینده برنامه‌ریزی شود. سال پیش رو دومین سال اجرای برنامه راهبردی است و کارهای قابل انجام زیادی در فهرست قرار دارد. پروژه تجاری‌سازی نیروگاه منتظر قائم، فعال شدن هلدینگ معادن، تحقق برنامه‌های بین‌المللی و توسعه‌ای مفاخر، تحکیم موقعیت در صنعت بانکداری، پذیرش توسعه ساختمان خوارزمی در بورس، افزایش بهره‌وری بنگاه‌های گروه و بهبود کیفیت سود آن‌ها و از همه مهم‌تر، ارتقای نقش گروه در بازار سرمایه مهم‌ترین سرفصل‌های برنامه عملیاتی گروه در سالی است که اکنون یک فصل از آن در حال گذر است. گذر از این کوچه هفت پیچ جز با برداشتن گام‌هایی مصمم با پشتیبانی آگاهانه سهام‌داران و ذی‌نفعان راهبردی گروه، خیال باطل بستن و امید بیهوده داشتن است. باشد که به فضل آفریدگار و با پشت‌گرمی سهام‌داران، کارکنان و یکپایه اعضای گروه، سال پربار دیگری برای گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی رقم زده شود و سرانجامی جز رستگاری در پیش رو نباشد.

تا چند هفته دیگر کاروان برنامه راهبردی «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» به نخستین منزل از منازل هفت‌گانه خود می‌رسد و شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی می‌رود که عملکرد یک ساله خود را در مجمع عمومی عادی به داوری بگذارد. اگرچه هر مجمعی برای مدیران اجرایی، از آن جهت که باید گزارش کارکرد بدهند و ارزیابی داوران را به نظاره بنشینند، اهمیت ویژه‌ای دارد، اما برای مدیران خوارزمی این اهمیت دوچندان است، از آن نظر که سال نخست اجرای برنامه راهبردی هفت ساله است؛ سالی که افشاندن دانه‌ها در خاک بود و برداشتن گام‌های دشوار و بلند آغاز راه، اگرچه باد موافق نمی‌وزید و مسیر چندان هموار نمی‌نمود.

وقتی به پشت سر و راه طی شده نگریسته می‌شود، قضاوت بسیار دشوار می‌نماید، زیرا به زعم بسیاری از اقتصاددانان ۱۲ ماه گذشته، از دوره‌های نادر اقتصاد ایران از زمان پیدایش آمار و تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی است. انتظار شدید و بیش از واقع بهبود سریع در شاخص‌های اقتصاد کلان در اثر استقرار دولت جدید، گره زدن نادرست رفع تمامی دشواری‌ها و عدم تعادل‌های اقتصادی به نتایج مذاکرات هسته‌ای و انتظار شتاب‌زده رفع تمامی محدودیت‌ها و تحریم‌ها در چند ماه و حتی به زعم برخی در چند هفته از یک سو و سیطره بی‌چون‌وچرای رکود تورمی و ارادهٔ راسخ دولت بر برقراری انضباط مالی و پولی از سوی دیگر سرنوشت ویژه‌ای را برای اقتصاد کشور رقم زد که مهم‌ترین نمود آن در دماسنج اقتصاد که همان شاخص بورس و اوراق بهادار است، به‌راحتی قابل مشاهده است. اگرچه از دیدگاه بسیاری از کنش‌گران، تحلیل‌گران و صاحب‌نظران، اقتصاد ایران در سال‌های پیش رو دوران به‌مراتب بهتر و امیدوارکننده‌ای را طی خواهد کرد و از این رو انتظار می‌رود شاخص بورس نیز به این امیدواری واکنش مناسبی را نشان دهد، اما باید توجه داشت که جراحی دردناک و در عین حال حیاتی و ضروری این اقتصاد، شامل حال خود شاخص هم می‌شود و از این روی است که کاهش شدید بیش از ۱۵ هزار واحدی شاخص که به معنی افت به‌مراتب بیش از ۲۰ درصدی ارزش بازار است، در عین دردناک بودن، ناگزیر می‌نماید.

در چنین شرایطی که بازار اوراق بهادار بیش از ۲۰ درصد کوچک‌تر شد، گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی، نه تنها سیاست انفعال پیش نگرفت، بلکه با رصد کردن اوضاع و تحلیل شرایط پیش رو به استفاده از فرصت‌های نهفته پرداخت تا تحقق شعار ثروت‌آفرینی پایدار را تضمین کند. در یک سال گذشته که شرایط بازار اوراق بهادار اجازه حرکت‌های متهورانه برای جابه‌جایی هر سهامی را نمی‌داد، گام‌های مهمی در جهت اصلاح سبد سرمایه‌گذاری برداشته شد تا ترکیب سهام به همان شرایطی که در اهداف عملیاتی برنامه هفت ساله پیش‌بینی شده است، نزدیک‌تر شود. در این راستا، وزن سهام برخی شرکت‌ها در سبد سرمایه‌گذاری کاهش یافته و وجوه حاصل از آن صرف افزایش وزن دیگر سهام‌های بورسی شد که از اهمیت و توجیه اقتصادی بیشتری برای گروه برخوردار بودند. افزایش سرمایه برای تحقق اهداف تعیین و تصویب‌شده گام مهم دیگری بود که با تمام فراز و نشیب‌ها و البته همیاری بی‌شائبه سهام‌داران گرامی عملی شد و وجوه حاصل از آن پیش از آن‌که به‌تمامی دریافت شود، به تملک نیروگاه بزرگ منتظر قائم تخصیص یافت تا سرعت ارتقای سرمایه‌گذاری‌ها با کندی مواجه نشود. تملک بخشی از سهام آهن و فولاد گل‌گهر که یکی از مجتمع‌های عظیم فولاد در آینده نزدیک خواهد بود و به دلیل دسترسی آسان به مواد اولیه و قرار گرفتن در زنجیره ارزش گل‌گهر، مزیت رقابتی چشم‌گیری را در بازار این فلز استراتژیک خواهد داشت، نقطه شروع فعالیت‌های گروه در بخش معدن بود که هم‌زمان با تشکیل شرکت توسعه معادن صدرجهان تحقق یافت. در همین زمره است پذیرش



آشنایی با شرکت تجارت گستران خوارزمی

تجارت گستران خوارزمی؛ ایده‌های نو برای بازارهای آشنا

گردآوری و تدوین: پریسا محسنی‌زاده



شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با توجه به وجود برخی نیازهای جدی در زمینه تجارت، طراحی و ترویج ابزارهای مورد نیاز برای بازار کالاهای پورسی، کمک به ایجاد پایداری در بازار کالاهای اساسی استراتژیک و به منظور کسب بازدهی در این بازارها اقدام به تاسیس «شرکت تجارت گستران خوارزمی» کرده است. این شرکت از جمله شرکت‌های فعال در حوزه بازرگانی است، که در اواخر سال ۱۳۸۵ به ثبت رسیده و فعالیت رسمی خود را از خردادماه ۱۳۸۶ آغاز کرده است. تجارت گستران خوارزمی هم‌اکنون با سرمایه‌های معادل ۱۵۰،۰۰۰ میلیون ریال در حال فعالیت است. حضور فعال در بازارهای پربازده و سودآور، دسترسی مستقیم به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، توانایی در شناخت نیازمندی‌ها و فرصت‌های تجاری و بازرگانی، از ویژگی‌های شاخص این شرکت محسوب می‌شوند.

در آخرین رتبه‌بندی صورت‌گرفته در خصوص برترین شرکت‌های ایران از لحاظ نسبت میزان فروش بر درآمد، شرکت تجارت گستران خوارزمی در سال ۱۳۹۱ در جایگاه ۱۱ام در میان ۵۰۰ شرکت برتر کشور قرار داشته و در سال ۱۳۹۲ موفق به دریافت تندیس برترین شرکت در مسابقه ملی بهره‌وری (در گروه بازرگانی) شده است. موضوع فعالیت این شرکت، انجام هرگونه امور تجاری، بازرگانی، صادرات و واردات همه کالاهای مجاز و توزیع و فروش کالاهای خدمات مجاز در داخل و خارج از کشور است.

بنیانه ماموریت شرکت

شرکت تجارت گستران خوارزمی، با اتکا به تجربیات غنی پیشین و با رویکرد کسب اطلاعات جدید و به‌روز از بازار و تحلیل آن‌ها، به امور بازرگانی، اعم از واردات و صادرات کالاهای مجاز (از قبیل کاغذ، شمش فولاد، غلات، روغن‌های خوراکی، قیر و...) پرداخته و با توزیع و فروش کالاهای خدمات با کیفیت به مشتریان در بازارهای داخل و خارج از کشور، برای ذی‌نفعان ارزش‌آفرینی می‌کند. این شرکت با فراهم کردن فضای کاری مطلوب و پویا برای کارکنان، برای رشد و سودآوری سازمانی تلاش می‌کند.

چشم‌انداز شرکت

شرکت تجارت گستران خوارزمی می‌خواهد در سال ۱۴۰۰ یکی از برترین شرکت‌های بازرگانی در کشور و به‌عنوان یکی از ۱۰۰ شرکت برتر کشور شناخته شود.

ارزش‌های محوری شرکت

یادگیری
تشریک مساعی
مشتري‌مداری
افزایش کارایی و اثربخشی

اهداف کلان شرکت

شرکت تجارت گستران خوارزمی در برنامه‌ریزی‌های اولیه خود و از ابتدای شکل‌گیری، اهداف کلانی را برای خود تعیین کرده و با مدد الهی و کمک‌های بی‌دریغ سهام‌داران خود، گام‌های موثری نیز در رسیدن به اهداف تعیین‌شده برداشته است. از جمله این اهداف، قرار گرفتن در بین بزرگ‌ترین واردکنندگان و تامین‌کنندگان کاغذ کشور و نیز مطرح شدن به‌عنوان یکی از سودآورترین شرکت‌های مجموعه سرمایه‌گذاری خوارزمی است. لازم به ذکر است، افزایش سهم از بازار کاغذ، واردات انواع غلات و فلزات و همچنین

توسعه رقابت و افزایش سودآوری، نیازمند تقویت بنیه مالی و سرمایه است و تحقق این امر، منوط به سودآور کردن فعالیت‌ها و افزایش بازدهی مجموع امکانات مورد استفاده در بلندمدت خواهد بود، که در عین حال تا حدود زیادی در افزایش عایدی هر سهم نیز تجلی می‌یابد. این شرکت در نظر دارد با حرکت در راستای سیاست‌های گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی، با هدف توسعه همه‌جانبه گام بردارد.

بر این اساس شرکت دو هدف کلان زیر را در برنامه‌ریزی استراتژیک خود مدنظر قرار داده است:

در حوزه مالی؛ افزایش ثروت سهام‌داران
در حوزه ساختاری؛ تعهد به بهبود مستمر در انجام همه فرایندها و فعالیت‌ها.

به این ترتیب، اولویت‌های استراتژیک شرکت به شرح زیر خواهد بود:

اولویت ۱: شناسایی و یافتن روش‌های تامین منابع مالی جهت نیل به اهداف تجاری.

اولویت ۲: شناسایی و توسعه بازارهای جدید صادرات و واردات (قیر، کود شیمیایی، پتروشیمی، بورس کالا و...)
اولویت ۳: توسعه بازار و تنوع همگون (غلات، روغن خوراکی، کاغذ، فلزات و...)
اولویت ۴: افزایش اثربخشی نیروی انسانی
اولویت ۵: اصلاح ساختار سازمانی و فرایندها
اولویت ۶: بهبود رضایت‌مندی مشتریان

حوزه‌های فعالیت شرکت

عمده فعالیت شرکت در سالهای گذشته معطوف به بازار کاغذ بوده است. در این خصوص شرکت به واردات و توزیع انواع اقلام کاغذ و مقوا پرداخته است که عبارت‌اند از:
کاغذ روزنامه، تحریر، گلاس، فتوکپی، کاربن لس
مقوای پشت طوسی، پشت سفید، کارتی
زینک چاپ و...
در کنار فعالیت در بازار کاغذ، شرکت در سالیان گذشته

در کنار فعالیت در بازار کاغذ، شرکت در سالیان گذشته به واردات برخی اقلام غلات هم‌چون جو و ذرت دامی نیز پرداخته است. در زمینه فلزات نیز، واردات شمش فولادی توسط شرکت صورت پذیرفته است



به واردات برخی اقلام غلات هم‌چون جو و ذرت دامی نیز پرداخته است. در زمینه فلزات نیز، واردات شمش فولادی توسط شرکت صورت پذیرفته است.
با توجه به وضعیت اقتصادی کشور و رکود دیرپای حاکم بر بسیاری از عرصه‌های بازار، شرکت در نظر دارد با گسترش سبد کالایی خود، از ریسک‌های مترتب بکاهد.
در این رابطه شرکت در نظر دارد علاوه بر بازار کاغذ، در سه حوزه زیر فعالیت‌های خود را گسترش دهد:
واردات غلات و روغن‌های خوراکی (واردات کنجاله سویا، جو و ذرت دامی، روغن سویا و آفتاب‌گردان، ورود موقت گندم، تبدیل به آرد و صادرات آن)

صادرات قیر (خرید قیر از شرکت‌های داخلی یا بورس کالا، و صادرات آن به سایر کشورها هم‌چون کشورهای جنوب شرق آسیا و...)
واردات فلزات (واردات انواع محصولات فولادی مانند کلاف فولادی، واردات فلزات رنگی، تیرآهن، میل‌گرد، انواع ورق و...)
همانطور که گفته شد، دو استراتژی عمده شرکت به شرح زیر شناسایی شده است:
الف) توسعه بازار و تنوع همگون
ب) شناسایی و توسعه بازارهای جدید صادرات و واردات.
درخصوص استراتژی اول، شرکت تجربه و توان بسیار

مناسبی را در زمینه واردات و توزیع انواع کالاهای اساسی، به‌ویژه غلات داراست. از سوی دیگر شرکت این بازار را به‌عنوان بازاری وسیع و حجیم شناسایی کرده که دارای مزیت‌های بالایی در زمینه نقدینگی و فروش سریع بوده و به‌طور معمول از حاشیه سود مناسبی نیز برخوردار است. در این رابطه، نگاهی به آمار میانگین واردات سه سال اخیر ایران در جدول پیش رو، می‌تواند نمایان‌گر حجم این بازار باشد (ارقام به صورت تقریبی است).
با توجه به توسعه خشک‌سالی، بارش کم و توسعه کم‌آبی در کشور، به نظر می‌رسد در سال‌های آتی شاهد افزایش حجم واردات این اقلام در کشور باشیم. بنابراین حوزه‌های مذکور می‌تواند برای توسعه فعالیت شرکت مورد توجه قرار گیرد.
هم‌چنین در خصوص تنوع همگون می‌توان به توسعه اقلام وارداتی گروه کاغذ اشاره کرد. برای مثال، شرکت در حال بررسی واردات کاغذ کرافت است و در حال شناسایی بازار این کالا است.

در حال حاضر شرکت به رصد بازار فلزات پرداخته و فعالیت در این حوزه، به‌خصوص فلزات رنگی و کلاف فولادی را در بلندمدت مورد توجه قرار خواهد داد. البته گسترش فعالیت شرکت در این زمینه منوط به بهبود شرایط بازار فلزات خواهد بود. اما تا امروز با توجه به رکود این بازار، توسعه فعالیت چندان مدنظر نیست. با این حال، با تغییر شرایط و در صورت خارج شدن بازار عمران و ساختمان از رکود حاکم بر آن، میتوان به سودآوری فعالیت شرکت در زمینه فولاد و انواع محصولات فولادی، تیرآهن، میلگرد، کلاف فولادی، انواع ورق و... نیز امیدوار بود.

با توجه به استراتژی دوم، شرکت تجارت گستران خوارزمی در نظر دارد بازارهای صادراتی را مورد توجه قرار دهد. واردات موقت گندم به کشور، برون‌سپاری به منظور تبدیل آن به آرد و صادرات آرد خوراکی، یکی از حوزه‌های مورد توجه شرکت خواهد بود. (لازم به ذکر است شرکت، پیشتر این بازار صادراتی را تجربه کرده است.) هم‌چنین شرکت، صادرات قیر به کشورهای حوزه آسیای جنوب شرقی به‌خصوص چین و... را در دست بررسی دارد. در این خصوص با شرکت‌های تولیدکننده داخلی مذاکراتی صورت گرفته و از سوی دیگر، خرید از بورس کالا نیز مورد مطالعه قرار دارد. شرکت در نظر دارد با بهره‌گیری از مشاورت‌های تخصصی وارد این حوزه کاری جدید شود.

با توجه به رشد حجم سرمایه‌گذاری در بورس کالای ایران، شرکت تجارت گستران خوارزمی نسبت به شناسایی کارگزار مناسب و اخذ کد معاملاتی، اقدام کرده و در نظر دارد از این فرصت، به منظور توسعه شبکه فروش اقلام وارداتی خود استفاده کند. هم‌چنین در صورت مناسبتر بودن قیمت و شرایط خرید قیر از بورس کالا، شرکت در نظر دارد از این مجرا فعالیت خود را انجام دهد.



در دنیای توسعه‌یافته امروز، عنصر رقابت از حالت سنتی خود خارج شده است. بنابراین موفقیت در عصر کنونی نیازمند بهره‌گیری از ابزارهایی است که مسیر پیشرفت کسب‌وکار را روشن سازد. خوشبختانه، در مسیر دست‌یابی به اهداف کلان گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی و سیر به سوی مقاصد مورد نظر، شرکت تجارت گستران خوارزمی نیز سعی داشته با اتخاذ تدابیر نوین، آینده‌ای روشن‌تر را برای خود تصویر کند. از جمله این تدابیر می‌توان به برنامه‌ریزی استراتژیک، اصلاح ساختارها، استقرار مدیریت ریسک و... اشاره کرد.

محصول کشاورزی - فله	میانگین واردات ۹۰-۹۲ (ارقام به هزار تن)
جو	۱,۰۰۰
ذرت	۴,۰۰۰
کنجاله سویا	۲,۰۰۰
روغن خام سویا	۵۵۰
روغن خام آفتاب‌گردان	۲۱۲
روغن پالم	۵۳۸

آمار میانگین واردات کشور در سال‌های ۹۲-۱۳۹۰

الگوهای ارزیابی عملکرد

دکتر سید اصغر ابن‌الرسول

برای این‌که مدیریت کنیم، باید بتوانیم که اندازه بگیریم، بنابراین برای نیل به این مقصود بحث ارزیابی عملکرد مطرح می‌شود. در این مقاله با طرح دیدگاه‌های ارزیابی عملکرد، ضرورت و اهمیت آن برای بهبود مستمر سازمان‌ها و مدیریت عملکرد مورد توجه قرار می‌گیرد، سپس فهرستی از الگوها و مدل‌های ارزیابی عملکرد ارائه و تلاش می‌شود مبانی ارزیابی عملکرد و ۱۰ اشتباه رایج ارزش‌یابی به‌عنوان یک نمونه از ارزیابی عملکرد مطرح شود.

ارزیابی عملکرد، مدیریت عملکرد، شاخص، کارت امتیازی متوازن، ساختار

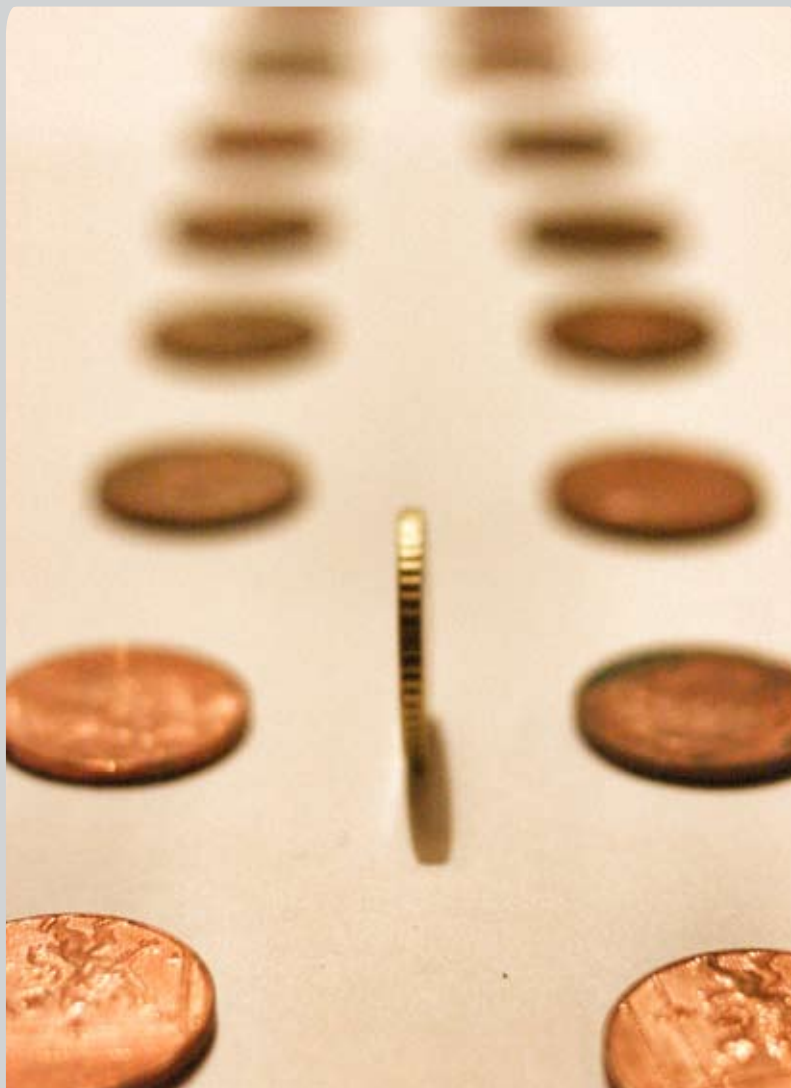
نظام ارزیابی به صورت گسترده چه در سطح فردی و چه در سطح سازمانی از سال ۱۸۰۰ میلادی در اسکاتلند توسط رابرت اون در صنعت نساجی مطرح شد. فرایند ارزیابی عملکرد در سال‌های اخیر نسبت به گذشته آن به‌مراتب راه تکامل و پیشرفت را پیموده است. درواقع هم‌گام و هم‌سو با توسعه و تکامل اندیشه‌های مدیریت در قالب مکاتب مدیریت، فرایند، ماهیت و کارآمدی آن نیز توسعه پیدا کرده است.

مباحث ارزیابی عملکرد را می‌توان از زوایای متفاوتی مورد بررسی قرار داد. دو دیدگاه اساسی سنتی و نو در این باره وجود دارد. دیدگاه سنتی، قضاوت و یادآوری عملکرد و کنترل ارزیابی‌شونده را هدف قرار داده و سبک دستوری دارد. دیدگاه نو، آموزش، رشد و توسعه ظرفیت‌های ارزیابی‌شونده، بهبود و بهسازی افراد و سازمان و عملکرد آن، ارائه خدمات مشاوره‌ای و مشارکت عمومی ذی‌نفعان، ایجاد انگیزش و مسئولیت‌پذیری برای بهبود کیفیت و بهینه‌سازی فعالیت‌ها و عملیات را هدف قرار داده و مبنای آن را شناسایی نقاط ضعف و قوت و تعالی سازمانی تشکیل می‌دهد.

سطح ارزیابی عملکرد اگر تنها شامل افراد باشد، با عنوان ارزش‌یابی شایستگی کارکنان با معیارهای مختلف در سازمان‌ها انجام می‌شود.

تعریف:

– ارزیابی عملکرد عبارت است از اندازه‌گیری عملکرد از طریق مقایسه وضع موجود با وضع مطلوب یا ایده‌آل براساس شاخص‌های از پیش تعیین‌شده که خود دارای ویژگی‌های معین باشد.



ضرورت و اهمیت ارزیابی عملکرد:

بدون شناسایی چالش‌های پیش روی سازمان و اخذ بازخورد و اطلاع از میزان اجرای سیاست‌های تدوین‌شده و شناسایی مواردی که به بهبود جدی نیاز دارند، بهبود مستمر عملکرد میسر نخواهد شد. این امر بدون اندازه‌گیری و ارزیابی امکان‌پذیر نیست.

انواع ارزیابی عملکرد عبارت است از:

- ارزیابی قبل از عمل
- ارزیابی هم‌گام با عمل
- ارزیابی بعد از عمل

ارزیابی قبل از عمل:

- قبل از تهیه برنامه انجام می‌شود.
- برای اطمینان از آماده بودن موارد لازم قبل از اجرای برنامه صورت می‌گیرد.
- ارزیابی هم‌گام با عمل: موقع اجرای یک برنامه مدیر ارشد باید لحظه به لحظه همه اجزای سازمان و برنامه‌های آن‌ها را کنترل کند تا آن‌ها با هم و هماهنگ عمل کنند و احیاناً اگر یک جزء عقب است، او را کمک کنند.
- ارزیابی بعد از عمل: پس از اجرا یا تکمیل برنامه انجام می‌گیرد تا از فرایند اجراشده درس‌های لازم برای آینده

گرفته شود.

- تهیه امکان‌سنجی برای یک طرح، کنترل قبل از عمل است.

- کار یک راننده موقع رانندگی کنترل حین عمل است.

- ارزیابی هزینه _ فایده از یک طرح اجرا شده، کنترل بعد از عمل است.

- ارزیابی کارایی

ارزیابی کارایی، در پاسخ به سوال ذیل تعریف می‌شود:

- منابع در ارائه ستاده‌ها و خدمات به‌طور بهینه مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟

- ارزیابی اثربخشی

ارزیابی اثربخشی بر این دلالت دارد که به چه میزان اهداف از قبل تعیین شده محقق شده‌اند.

فرایند ارزیابی عملکرد:

در فرایند ارزیابی عملکرد هر الگویی که انتخاب شود، رعایت توالی فعالیت‌های ذیل ضروری است:

۱- تعیین زمینه یا جنبه‌های سنجش:

مثلا در مورد سنجش یک قطعه اول مشخص می‌کنیم که: ۱- ابعاد قطعه ۲- اجزای تشکیل‌دهنده قطعه) مثلا ۹۰ درصد آهن، ۲ درصد تیتانیوم و... چگونه است.

۲- تعیین معیارها در هر جنبه: مثلا در مورد قطعه از جنبه ابعاد معیارهای طول، عرض، ارتفاع و... انتخاب می‌شود.

۳- تعیین شاخص برای هر معیار: مثلا اندازه ۲۰ سانتی‌متر برای معیار طول قطعه یا ۲۰ سانتی‌متر با بازه ۰.۰۱

۴- تعیین واحد سنجش: با توجه به شاخص تعیین شده باید واحد سنجش تعیین شود. مثلا چون تا ۰.۰۱ سانتی‌متر باید اندازه‌گیری شود، واحد اندازه‌گیری ۰.۱ میلی‌متر خواهد بود.

۵- تعیین ابزار اندازه‌گیری: برای مثال فوق، کولیس و برای رضایت مشتری، پرسش‌نامه انتخاب می‌شود.

۶- اجرای سنجش: اندازه‌گیری مربوط با رعایت موارد فوق انجام می‌شود.

۷- مشخص کردن انحراف و علل انحراف: مقدار اندازه‌گیری شده با استاندارد مقایسه شده و اگر انحرافی مشاهده شد، بررسی و ریشه‌یابی می‌شود.

۸- تعیین برنامه اصلاح و اجرای آن: اگر ماشین یا انسان یا مواد مشکل دارد، اصلاحات لازم انجام می‌شود.

معیارهای ارزیابی عملکرد باید مخصوص، معین و مشخص باشد و قابلیت اندازه‌گیری و دستیابی واقع‌گرایانه در دوره ارزیابی معین را داشته باشد.

تعیین وزن شاخص‌ها و اهمیت آن‌ها:

می‌توان با استفاده از روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی (Hierarchy Process (AHP معیارها را وزن داد.

الگوهای متداول سیستم ارزیابی عملکرد:

الگوهای ارزیابی عملکرد الگوهای متفاوتی هستند، اما مهم‌ترین این الگوها عبارت‌اند از:

۱- تعیین اثربخشی و کارایی سازمان

۲- الگوی ارزیابی کارایی جمعی سازمان یا مدل تحلیل پوششی داده‌ها

۱۰- الگوی اعتبارسنجی

۱۳- الگوی کارت امتیاز متوازن

۱۶- الگوی ترکیبی

تعیین اثربخشی سازمان:

در تعیین اثربخشی باید در یک روش منظم میزان تحقق اهداف با کم و کیف آن مشخص شود.

تعیین کارایی سازمان:

کارایی فیزیکی یا مهندسی: کاهش هزینه‌های تولید و افزایش سطح بهره‌وری صنعت.

کارایی تجاری و مالی: حاصل سرمایه‌گذاری روی زمین، ساختمان و ماشین‌آلات.

کارایی اجتماعی یا انسانی: بهره‌وری نیروی انسانی در سازمان.

روش ارزیابی کارایی جمعی سازمان یا مدل تحلیل پوششی داده‌ها:

DEA از مجموعه واحدهای تصمیم‌گیرنده، تعدادی را به‌عنوان کارا معرفی و به کمک آن‌ها مرز کارایی را مشخص می‌کند. آن‌گاه این مرز را ملاک ارزیابی واحدهای دیگر قرار می‌دهد.

ممکن است هیچ الگویی به‌طور کامل با شرایط خاص سازمان شما سازگاری نداشته باشد، اما تلفیقی از روش‌های گوناگون که منطبق با شرایط محیطی، دیدگاه‌ها و تفکرات مدیران ارشد و شرایط داخلی سازمان باشد، کارآمدترین شیوه از کار درآید

الگوی اعتبارسنجی:

فرایندی است که از طریق آن، سازمان به واسطه صلاحیت‌های تشکیل‌دهنده‌اش، به وسیله نهادی بیرونی معتبر شناخته شده و کیفیت عملکرد آن گواهی می‌شود، مثل گواهی ایزو ۹۰۰۰.

الگوی کارت امتیاز متوازن (BSC):

BSC یک چهارچوب مفهومی جهت تدوین مجموعه‌ای از شاخص‌های عملکرد در راستای اهداف استراتژیک است. این الگو توسط کاپلان ارائه شده و در اولین گام آن می‌بایست استراتژی سازمان مشخص شود. سپس اهداف استراتژیک تدوین و با عنایت به اهداف استراتژیک سازمان عوامل حیاتی موفقیت مشخص و سپس معیارهای استراتژیک تبیین و در نهایت برنامه اقدام تدوین می‌شود. BSC یکی از موفق‌ترین الگوهای مورد استفاده در زمینه ارزیابی عملکرد است.

الگوی ترکیبی با مدل تصمیم‌گیری متوالی:

ممکن است هیچ الگویی به‌طور کامل با شرایط خاص

سازمان شما سازگاری نداشته باشد، اما تلفیقی از روش‌های گوناگون که منطبق با شرایط محیطی، دیدگاه‌ها و تفکرات مدیران ارشد و شرایط داخلی سازمان باشد، کارآمدترین شیوه از کار درآید.

مبانی هشت‌گانه ارزیابی عملکرد:

در این قسمت به تشریح اصول هشت‌گانه ارزیابی عملکرد می‌پردازیم.

برای اثربخشی اندازه‌گیری و معیارهای به‌کاررفته در آن‌ها، ضروری است که هشت اصل زیر را به کار گیرید:

(۱) از مجموعه شاخص‌های متوازن استفاده کنید.

(۲) مطمئن شوید آن چیزهایی را که برای کاربران و ذی‌نفعان خدمات اهمیت دارد، مورد سنجش قرار دهید.

(۳) کارکنان را در تعریف شاخص‌ها سهیم کنید.

(۴) معیارهای ادراکی و شاخص‌های عملکردی را مدنظر قرار دهید.

(۵) ترکیبی از معیارهای نتیجه‌ای و فرایندی را به کار ببرید.

(۶) هزینه‌های ارزیابی عملکرد را در نظر داشته باشید (هزینه کنترل باید از نتیجه کنترل کمتر باشد).

(۷) سیستم‌های انتقال بازخورد و معیارهایی را برای اصلاح استراتژی تعریف کنید.

(۸) سیستم‌های ارزیابی عملکرد باید مبتنی بر بهبود مستمر باشد نه بر مبنای فرهنگ سرزنش و تخطئه.



انتظارات روزافزون برای پاسخ‌گو بودن بیشتر به ذی‌نفعان ضرورت اندازه‌گیری عملکرد مؤسسات و شرکت‌ها را دوچندان کرده است.

باید اندازه‌گیری عملکرد از هماهنگی لازم برخوردار بوده و در طراحی معیارها یک نگاه سیستمی حاکم باشد.

استفاده از ابزارهایی از قبیل کارت امتیازدهی متوازن باعث بهبود پاسخ‌گویی سازمان به تحولات خواهد بود.

منابع:

جهاد دانشگاهی، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مدیریت عملکرد ۱۳۸۱

طبرسا غلامعلی، رویکرد نوین شاخص‌سازی در فرایند ارزیابی عملکرد دستگاهی دولتی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۱

(ارزیابی عملکرد و بهبود مستمر سازمان)

تدبیر ۱۴۹، مقاله «ارزیابی عملکرد در پروژه‌های فناوری اطلاعات»، دکتر ابن‌الرسول اصغر، نصراله خانی

نجمی منوچهر، حسین سیروس، مدل سرامدی EFQM از ایده تا عمل، انتشارات روناس تهران

دکتر سید جوادین سید رضا، صفری حسین دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تهران، حسینی فرشید دانشجوی کارشناسی ارشد، مقاله «بررسی استانداردهای ارزیابی عملکرد نیروی انسانی با استفاده از مدل کارت اعتباری متوازن»

خوشوقتی رامین، ارزیابی عملکرد کارکنان، از اینترنت SISCO (راهکار مدیریت)

اکبری علیرضا، مدیریت عملکرد (مقاله) از اینترنت

بلاتکار، آکاتر مایکل، مترجم پروانه کامران، مدیریت بر اساس ارزش‌ها، نشر آنگاه، ۱۳۸۲

ارشدی خمسه علی، مقاله «روش‌ها و شیوه‌های مدیریت عملکرد و ارزیابی آن»

فرایند اجرایی استقرار مدیریت ریسک

تهیه و تدوین:
مدیریت ریسک شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی



رویه‌های اندازه‌گیری عوامل ریسک

بررسی موضوع ریسک عمدتاً معطوف به عوامل بازدارنده و خطرات آتی موجود بر سر راه فعالیت بنگاه اقتصادی می‌گردد، بنابراین لازم است این عوامل تا حد ممکن شناسایی و میزان احتمال رخداد آن‌ها و شدت درجه تأثیر آن‌ها بر عملیات تجاری بنگاه اقتصادی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. اما از آنجا که شرایط گذشته می‌تواند در آینده نیز تحقق یابد و استفاده از اطلاعات جاری و گذشته می‌تواند مدیریت بنگاه‌های تجاری را در ارزیابی و پیش‌بینی آینده تا حدود زیادی یاری کند، بنابراین بررسی و اندازه‌گیری عوامل ریسک در شرایط جاری و گذشته نیز می‌تواند کمک کننده باشد.

در شماره‌های گذشته ماهنامه «خوارزم» با مباحثی مانند مدیریت ریسک و اهمیت استقرار سازوکار آن در شرکت‌ها به‌طور مشخص گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی و شرکت‌های تابعه آن - سخن گفته شد و سپس متن کامل منشور کمیته ریسک که به شرکت‌های زیرمجموعه گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی منعکس شده است، به نظر خوانندگان گرامی رسید. اینک در این شماره و در ادامه آن مباحث، نکاتی مهم در زمینه دستورالعمل کنترل و ممیزی عوامل ریسک و فرایند استقرار مدیریت ریسک در شرکت‌ها مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

واحد مدیریت ریسک در یک هلدینگ (نظیر گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی) در ارتباط با بررسی و ارزیابی و کنترل عوامل ریسک، دو وظیفه مهم و جداگانه را باید انجام دهد:
وظیفه اول: بررسی و شناسایی عوامل ریسک گروه به عنوان شرکت مادر و سرمایه‌گذار در شرکت‌های تابعه است که باید به صورت جداگانه صورت پذیرد. این وظیفه عمدتاً در بخش بررسی ریسک‌های سبد سرمایه‌گذاری (پورتفولیو) انجام می‌گیرد.

وظیفه دوم: بررسی و شناسایی عوامل و شاخص‌های کنترل نتایج عملیات جاری شرکت‌های تابعه و تطبیق مسیر و روند حرکت آن‌ها با خط مشی و برنامه کلی گروه است که انجام آن مستلزم تعیین شاخص‌های اندازه‌گیری معین و اندازه‌گیری دوره‌ای و منظم آن‌ها در جهت حصول اطمینان از قرار داشتن مسیر حرکت این

شرکت‌ها در راستای مورد نظر گروه است.

مبانی تعیین شاخص‌های کلیدی ریسک (Key Risk Indicators)

دریافت موارد پیش‌بینی و شناسایی عوامل ریسک از شرکت‌ها ارائه پیشنهاد از طرف واحد مدیریت ریسک (KRI هر شرکت) تایید پیشنهاد مدیریت ریسک توسط کمیته ریسک ارائه نتایج ارزیابی نسبت‌های فوق در اطلاعات دریافتی از شرکت‌ها تعیین حدمطلوب برای هر یک از عوامل ریسک جاری (میانگین شرکت‌های مربوط در بورس) تعیین وضعیت بحرانی عوامل ریسک در هر شرکت استفاده از KRI جهت تمرکز بر عوامل ریسک مشخص و تعیین رویه پی‌گیری وضعیت آن KRI می‌توانند به‌عنوان وسایل اندازه‌گیری معین جهت تعیین انحرافات عوامل مورد استفاده قرار گیرند. (مانند درجه اندازه‌گیری تب یک بیمار) کارشناس واحد مدیریت ریسک با استفاده از KRI می‌تواند شدت و ضعف وضعیت عوامل ریسک در شرکت‌ها را اندازه‌گیری و بررسی کند. KRI به‌عنوان معیارها و شاخص‌های وضعیت سلامت شرکت‌ها محسوب می‌شوند.

نمودار جایگاه مدیریت ریسک و ارتباط آن با سایر فرایندهای کنترل



معطوف به رخداد‌های آتی و کوشش در کاهش یا به حداقل رساندن زیان‌های احتمالی پیش رو در کسب و کار یک سازمان یا بنگاه اقتصادی است، بنابراین درجه‌بندی ریسک از نظر احتمال وقوع (Likelihood) و شدت تاثیر آن بر عملکرد بنگاه (Impact) دارای اهمیت قابل ملاحظه است. براساس ادبیات متداول و متعارف ریسک، نحوه درجه‌بندی احتمال وقوع و شدت تاثیر عوامل ریسک آتی، براساس جدول شماره ۱۵ صورت می‌پذیرد:

درجه‌بندی	شدت تاثیر: سطح و میزان زیان ناشی از تحقیق ریسک	احتمال وقوع: احتمال تحقق خطرات ناشی از ریسک
خیلی زیاد	تهدید کامل در عدم تحقق اهداف	به احتمال قریب به یقین احتمال وقوع خطر وجود دارد
زیاد	تاثیر قابل ملاحظه در زمان، هزینه و کیفیت	احتمالا خطر به وقوع می‌پیوندد
متوسط	دارای تاثیر نسی بر زمان، هزینه و کیفیت محصولات و خدمات	یک احتمال که ممکن است تحقق یابد
کم	دارای تاثیر ناچیز بر زمان و هزینه و کیفیت محصولات	بعضی مواقع ممکن است تحقق یابد (به ندرت ممکن است تحقق یابد)
خیل کم	دارای تاثیرات قابل ملاحظه	فاقد احتمال وقوع

جدول شماره ۱۵

احتمال وقوع یک عامل خطر یا ریسک را می‌توان از منظر زمان وقوع آن به صورت ذیل نیز پیش‌بینی کرد:

تحقق فوری - همین حالا

کمتر از ۶ ماه

بین ۶ ماه تا ۱۲ ماه

بین ۱۲ ماه تا ۲۴ ماه

بین ۲۴ ماه تا ۳۶ ماه

بیش از ۳۶ ماه

نحوه شناسایی و ارزیابی عوامل ریسک

طبق اصول و ضوابط تشریح شده در ادبیات و تئوری مدیریت ریسک و همچنین عطف به مندرجات نظامنامه مدیریت ریسک شرکت، شناسایی عوامل ریسک و میزان احتمال وقوع و درجه تأثیر آن‌ها، در ابتدا توسط مدیران اجرایی در شرکت‌ها (در شرایط وجود شرکت‌های زیرمجموعه در سبد سرمایه‌گذاری) یا مدیران ارشد یک بنگاه تجاری، شناسایی و اعلام می‌شود تا به این ترتیب بتوان موقعیت یا وزن عوامل کلیدی ریسک را ارزیابی کرد. برای تحقق این هدف می‌توان از دو فرم (مطابق الگوی فرم‌های شماره‌های ۲ و ۱) که به این منظور طراحی و تنظیم شده است، استفاده کرد.

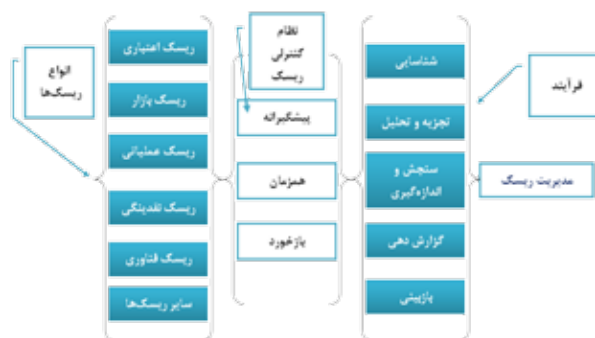
نام شرکت					مدیریت ریسک					مدیر عامل شرکت														
فرم شناسایی و ارزیابی عوامل ریسک					نوع ریسک :					تاریخ تکمیل :														
ردیف					شرح					اصطلاح واضح														
۵					۴					۳					۲					۱				

فرم الگوی شماره ۱

با عنایت به فرایند مشروح فوق و توجه به این موضوع که ریسک به زبان بسیار ساده یعنی «عدم اطمینان» از آینده و رخدادهایی که در آینده به وقوع می‌پیوندد، به‌روشنی پیداست که مدیریت ریسک «روشی سیستماتیک و دربرگیرنده مجموعه‌ای از فعالیت‌ها است که سعی در شناسایی، تجزیه و تحلیل، اندازه‌گیری و سنجش و گزارش نتایج به مدیران و سایر بازبینی ریسک‌های مربوط به کسب‌وکار است.»

هم‌چنین لازم به تأکید است که هدف اصلی مدیریت ریسک به حداقل رساندن ریسک‌ها و ایجاد تعادل بین ریسک و بازدهی سرمایه است و مدیریت ریسک به‌عنوان یک واحد مستقل، بازوی نظارتی مدیریت ارشد در هر نوع سازمانی محسوب می‌گردد.

در فرایند استقرار مدیریت ریسک باید توجه داشت که مدیریت ریسک عملی پیش‌گیرانه است که سعی می‌کند حداکثر ریسک‌ها را قبل از اجرای فرایندها، سیاست‌ها و ارائه خدمات و محصولات شناسایی کند، بنابراین استقرار آن از فرایند ارائه‌شده در نمودار ذیل تبعیت می‌کند.



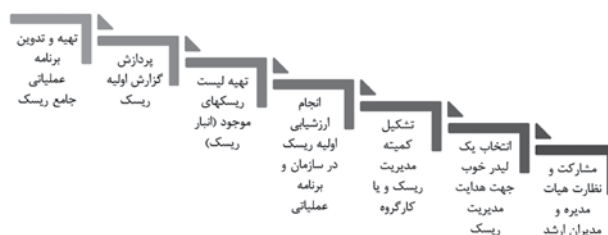
مدیریت ریسک – کلید موفقیت

از آن جا که مدیریت ریسک، مدیریت عدم اطمینان‌هاست و هدف اساسی آن به حداقل رساندن خطرات و زیان‌های احتمالی پیش رو در کسب‌وکار روزانه است، بنابراین حمایت و پشتیبانی هیئت مدیره و مدیران ارشد اجرایی، عوامل اصلی موفقیت یا عدم موفقیت مدیریت ریسک در سازمان‌ها محسوب می‌شود. این مدیریت، مستقل از بدنهٔ اجرایی است و بازرسی مشاورتی و نظارتی مدیریت ارشد، در هر سازمانی بر عهده دارد. بنابراین با عنایت به رسالت‌های مذکور، کلید موفقیت مدیریت ریسک در گروه، طبق نظام‌نامه (مشور) تصویری هیئت مدیره به صورت عوامل مشروح در یک تفاهم‌نامه و در چهار چوب الگوی ارائه شده در نمودار شماره یک قابل ترسیم است:



مدیریت ریسک - هفت مرحله اساسی

شماره ۲ پیش‌بینی و موردی، گیری جهت اجرای هر مرحله قرار دارد:



نمودار شماره ۲۵

درجه‌بندی ریسک از دیدگاه احتمال وقوع و شدت تاثیر آن

همان‌گونه که قبلاً نیز در این مقوله گفته شد، مدیریت ریسک و اهداف آن عمدتاً

یکی از مراحل مهم و اثربخش مدیریت ریسک، موضوع گزاریشگری نتایج ارزیابی عوامل ریسک به مدیران جهت انجام تصمیم‌گیری‌های لازم و به‌موقع است. بر این اساس، گزاریشگری عوامل ریسک به صورت مندرج در جدول شماره ۲ صورت می‌گیرد.

سطح ریسک	نوع گزارش و سطح مدیریتی مربوط
موارد بحرانی ریسک	- گزارش اطلاعاتی به هیئت مدیره و بالاترین مقام اجرایی شرکت - انجام اقدام فوری مورد نیاز است
موارد ریسک بالا	- اطلاع رسانی به مدیریت عامل - تیم یا واحد مدیریت استراتژیک، جلب توجه جهت مدیریت به موقع ریسک ضروری است - تهیه و ارائه گزارش به هیئت مدیره در صورت لزوم
موارد ریسک متوسط	- مدیریت کاهش و تداوم نظارت بر روند ریسک - اطلاع رسانی به سطوح مدیریتی استراتژیک و اجرایی
موارد ریسک پایین	- پذیرش و کنترل ریسک - مدیریت ریسک از طریق دستورالعملهای جاری در خلال اجرای برنامه

جدول شماره ۲

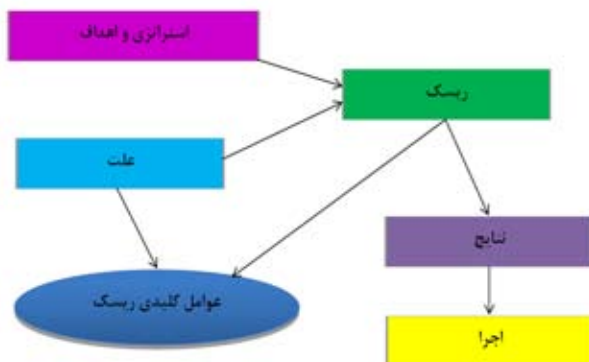
جدول نقشهٔ ریسک (Risk map)

پس از درجه‌بندی عوامل ریسک و استقرار آن در جدول ماتریسی ارزش‌گذاری یا تعیین ضریب عوامل ریسک (حاصل ضرب درجه و وقوع در میزان تاثیر) جدول ذیل به‌عنوان نقشه وضعیت ارزیابی عوامل ریسک قابل استخراج است:



عوامل کلیدی ریسک و ارتباط آن با اهداف استراتژیک، اجرایی و ریسک
(Key Risk Indicators(KRIs

عوامل کلیدی ریسک لازم است با اهداف استراتژیک و همچنین اهداف اجرایی به صورت شفاف و قابل درک مرتبط شوند تا موجب تحصیل استنباط درست از محرک‌های ریسک شود. در این ارتباط نمودار ارائه‌شده در نمودار شماره ۳ بیان‌گر نحوه ارتباط مذکور است.



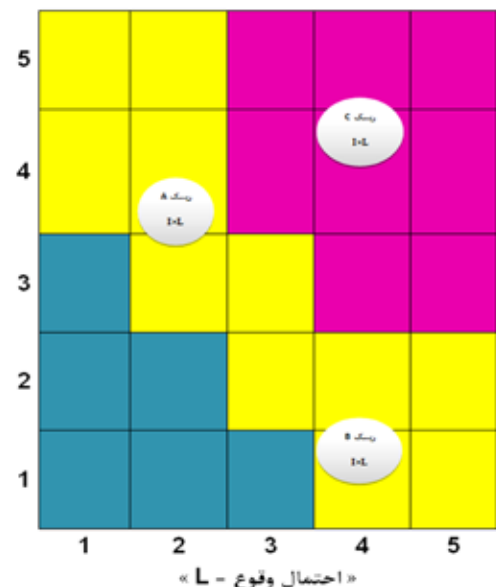
نمودار شماره ۳- ارتباطات عوامل کلیدی ریسک

[illegible]

فرم الگوی شماره ۲

درجه بندی عوامل ریسک

با ترکیب احتمال وقوع و شدت تاثیر عوامل ریسک، می‌توان به جدول ماتریسی ترکیبی عوامل ریسک دست یافت:



جدول ماتریسی ارزیابی عوامل ریسک

مورد استفاده جدول ماتریسی ارزیابی عوامل ریسک که بیان‌گر وضعیت ترکیبی درجه تاثیر (Impact) و میزان احتمال وقوع (Likelihood) عوامل ریسک است، به این صورت است که پس از برآورد عوامل مذکور توسط صاحبان ریسک (Risk owners) یا مدیران شرکت‌ها و تایید و تصویب نهایی آن توسط کمیته ریسک (به‌عنوان نماینده مدیریت ارشد شرکت)، درجه امتیاز به‌دست‌آمده از حاصل ضرب دو عامل مذکور، در جدول قرار داده می‌شود و پس از درج نتیجه ارزیابی همه عوامل، این جدول به‌عنوان نقشه ریسک شرکت (Risk map) محسوب می‌شود.

نگاهی گذرا به نوسان شاخص بورس

اگر تولید تقویت می‌شد...

سحر قاسم‌نژاد



و این امر در ادامه بر حاشیه سود و طرح‌های توسعه‌ای آن‌ها اثر می‌گذارد و از ارزش سهامشان می‌کاهد. شاید تا حد زیادی این فضا در بورس طبیعی باشد، اما این پرسش برای کارشناسان وجود دارد که اگر قرار باشد بورس نقش مهمی در جریان تامین مالی اقتصادی ایفا کند، در این فضا و قبل از بهبود نتیجه مذاکرات و رونق شاخص‌های اقتصادی، می‌توان امیدوار به این ایفای نقش بود؟

البته دولت به نظر می‌رسد عزم خود را جزم کرده تا رونق ازدست‌رفته را به بازار سرمایه برگرداند و دست‌کم نقش این بازار را در تامین مالی شرکت‌ها افزایش دهند تا شاید از بار سنگینی که بانک‌ها به دوش می‌کشند هم کمتر شود. اما واقعیت این است که بازار سرمایه و به‌طور اخص بورس اوراق بهادار

بر هم زدنی بسیاری از آن‌چه را رشته بود، پنبه‌شده دید. این شرایط هم نه بانو شدن سال تغییر کرد نه با آغاز فصل مجامع و نه حتی از راه رسیدن گزارش‌های سه‌ماهه. این در حالی است که با پایان یافتن فصل تابستان احتمالا رکود بهار و تابستانی به رخوت سنتی بهاره گره بخورد. در تحلیل شرایط فعلی کارشناسان و اهالی بازار می‌گویند تا زمانی که عوامل بنیادین از جمله مذاکرات ۵+۱ به نتیجه نرسد، احتمالا در بر همین پاشنه خواهد چرخید و خبری از گشایش در امور نخواهد بود. چون در حال حاضر هیچ دلیلی بر ادامه‌دار شدن رکود وجود ندارد، هیچ شرکتی اعلام ورشکستگی نکرده و حالت ویژه‌ای هم بر کشور حکم‌فرما نیست. هر چند که شرکت‌های صاحب نماد در بورس هم به دلیل شدت تحریم‌ها نمی‌توانند به ظرفیت اسمی و رسمی خود دست یابند

بازار سرمایه ایران از زمستان سال گذشته گویی سرمازده شده و نمی‌توان هم انتظار خروج فوری از این وضعیت را داشت. البته این به معنای آن نیست که بازار پتانسیل‌های خود را از دست داده است، ولی به نظر می‌رسد که تحت‌تاثیر فضای حاکم بر اقتصاد و مهندسی ناکارآمد اقتصاد در سال‌های گذشته، بازار سرمایه نوسان نامطلوبی را به رخ می‌کشد. داستان این نزول دامنه‌دار هم از زمانی شروع شد که مجلس تصمیم گرفت اول نرخ خوراک پتروشیمی‌ها را افزایش دهد و بعد بهره مالکانه معادن را بالا ببرد. تبعات این تصمیم‌ها هم دقیقا دامن گیر صنایعی می‌شد که چشم اسفندیار بورس به حساب می‌آیند. یعنی معدنی‌ها، فلزات اساسی و پتروشیمی‌ها. واکنش بازار هم به این وضعیت بدیهی بود؛ نزول شاخص و گریز سهام‌داران. به این ترتیب بازاری که گوی رقابت را از دیگر رقبا ربوده بود، در چشم

تهران در حال حاضر با کمبود شدید نقدینگی دست به گریبان است. به عبارت دیگر حجم و ارزش معاملات روزانه و هفتگی نشان می‌دهد که به‌طور معمول نقدینگی قابل توجهی در معاملات دست به دست نمی‌شود. با این اوصاف نمی‌توان انتظار داشت بازار سرمایه به‌سادگی بتواند وظیفه‌ای را که دولت در بسته خروج از رکود بر دوشش گذاشته، محقق کند.

این همه بدان معناست که اگر بازار سرمایه می‌خواهد به جایگاه مطلوبی که دولت تعریف کرده دست یابد، در ابتدا باید رونق ازدست‌رفته را به دست آورد و در ادامه اعتماد لطمه‌دیده سهام‌داران به بازار هم احیا شود. اما برای تحقق این هدف چه باید کرد و اصولاً چرا بورس تهران از مدار نزول خارج نمی‌شود؟

نقش مصوبات مجلس

متولیان بازار سرمایه، از جمله مدیرعامل شرکت بورس اوراق بهادار تهران، در این خصوص برخی مصوبات مجلس را علت اصلی می‌دانند و معتقد است نمودار فراز و فرود شاخص از زمستان سال گذشته نشان می‌دهد اولین شوک به بازار را مصوبات مجلس وارد کرد و این موضوع اعتماد سهام‌داران را عملاً تحت‌تاثیر قرار داده است.

فرهاد طالب‌زاده، کارشناس بازار سرمایه هم درخصوص دلایل اصلی ریزش شاخص بورس در بازار سرمایه طی ماه‌های گذشته به خبرنگار ما گفت: «دلایل فعلی بورس برای حرکت در مدار نزول با دلایل اولیه برای آغاز سقوط متفاوت است.» او معتقد است دلیل اولیه که موج نزول را به بازار آورد، تصمیم‌های ناگهانی مجلس بود، اما در حال حاضر شرایط اقتصادی کشور باعث تداوم کسادی بازار سرمایه می‌شود. او افزود: «مدتهاست که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی با مشکلات عدیده‌ای از جمله مباحث مربوط به مالیات و ثبت صورت‌جلسات مواجه هستند.» طالب‌زاده با اشاره به رکود اقتصادی تأکید کرد: «قوانین دست‌وپاگیر و سخت‌گیرانه باید هر چه زودتر حذف شوند، چون در شرایط رکودی وجود چنین قوانین سخت‌گیرانه‌ای منجر به تداوم رکود خواهد شد.» او با بیان این‌که به نظر می‌رسد مشکل دیگر بازار سرمایه در شرایط فعلی کمبود نقدینگی است، گفت: «بازار سهام به دلایل متعددی از جمله عدم ثبات در سیاست‌ها، اتخاذ تصمیمات یک‌باره و وجود ابهامات در بازار سرمایه دچار کمبود نقدینگی شده است.»

چیزی فراتر از آثار روانی

علی شاکری، کارشناس دیگر بازار سرمایه هم در تحلیل حال‌وروز فعلی بورس با اشاره به نوسان‌های شاخص در ماه‌های گذشته گفت: «شاخص بورس در بازه‌ای هفت ماهه از رقم ۴۷ هزار واحد به رقمی نزدیک به ۹۰ هزار واحد رسید. در این دوران شاخص‌های بورس در حال رشد بود و

در عین حال این موضوع، رکود را در بازارهای دیگر به همراه داشت. بعد از آن، یک دوره کوتاه بورس هر چه را کاشته بود، ازدست‌رفته دید.» شاکری درخصوص شرایطی که رونق را به بازار برمی‌گرداند، گفت: «بازار سهام فقط با آثار روانی از جمله مذاکرات مرحله به مرحله با غرب رشد نخواهد کرد و تنها اقدامات عملی و تأثیر واقعی بر بانک‌ها و شرکت‌ها محرک اصلی خواهند بود. رسیدن گزارش‌های فعالیت سه ماهه شرکت‌ها به شرط آن‌که رشد فروش و تولید را شاهد باشیم، بر بازار اثرگذار خواهد بود. به‌طوری که در روند فعالیت شرکت‌ها تغییرات محسوسی دیده شود. حمایت‌های عملی کل اعضای اقتصادی کابینه دولت هر کدام در بخش خودشان پیش‌شرط بعدی بازگشت نشاط و شادابی در روند معاملات است. یعنی تمام وزرای اقتصادی در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات، بازار سهام را مدنظر قرار دهند. به نظر می‌رسد دولت در کنترل تورم و خروج اقتصاد از رکود اولویت اصلی را کاهش تورم و سپس خروج اقتصاد از رکود قرار داده که این امر در تحولات بازارها مشهود است.» شاکری با بیان این‌که

به نظر می‌رسد دولت عزم خود را جزم کرده تا رونق ازدست‌رفته را به بازار سرمایه برگرداند و دست‌کم نقش این بازار را در تأمین مالی شرکت‌ها افزایش دهند تا شاید از بار سنگینی که بانک‌ها به دوش می‌کشند هم کمتر شود

سرمایه‌گذاران باید صبور باشند، گفت: «این یک اصل است که سرمایه‌گذاران نسبت به اتفاقات و فضای روانی ایجادشده صبور باشند؛ وقتی بازار در چنین شرایطی قرار می‌گیرد، برای هیچ‌کس خوشایند نیست.» او در ادامه در تحلیل دلایل بحرانی شدن بازار گفت: «کاهش تولید تأثیر شدیدی روی بورس دارد و موجب پایین آمدن تقاضا برای سرمایه‌گذاری در این بازار می‌شود. مشکلات بخش واقعی اقتصاد در کنار تحریم‌ها و کاهش ظرفیت تولید سبب شده تا بازار بورس شرایط کنونی را تجربه کند. برای گذر از وضعیت فعلی، تحریم‌ها باید رفع شود و جریان درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت افزایش یابد و در کنار آن‌ها نیز بنگاه‌های تولیدی رونق یافته و با افزایش ظرفیت تولید به سودآوری قبلی خود برسند. زمانی قیمت‌ها در بورس به شکل حبابی افزایش می‌یافت و طبیعی است این روند در جایی متوقف شده و کاهش یابد. بنابراین شاخص سهام نیز تحت

تأثیر این شرایط افت می‌کند. هم‌چنین تجربه نشان داده معمولاً دارایی‌های مالی جانشین‌های خوبی برای هم هستند، به‌طوری که سرمایه‌گذاری در بازار سهام، ارز، سکه، بانک، اوراق مشارکت معمولاً جانشین هم هستند و هرگاه سود نرخ مشارکت و سود سپرده‌ها افزایش می‌یابد، یا نرخ ارز و قیمت سکه و طلا بالا می‌رود. سرمایه‌گذاران بخشی از سرمایه خود را از بازار بورس به بازارهای جانشین رهسپار می‌کنند؛ علاوه بر این موارد دیده شده که با بالا رفتن قیمت مسکن بخشی از سرمایه‌ها به سوی این بازار رهسپار می‌شود. در این شرایط طبیعی است که بازار بورس دچار مشکل شود. پس لازم است دولت از این بازار حمایت کرده و منابع اعتباری را برای تحریک مجدد سرمایه‌گذاران به این بازار تزریق کند.» او درباره نحوه حمایت دولت از بورس هم تأکید کرد: «حمایت دولت می‌تواند به دو شکل صورت گیرد. اول حمایت از بنگاه‌های تولیدی و خط‌های تولید که دچار مشکل هستند که با پشتیبانی می‌توانند به جایگاه قبلی خود بازگردند. راهکار دیگر کمک دولت به نهادهای سرمایه‌گذاری در بورس است. به‌طوری که به آن‌ها اعتبار دهد تا سهم بنگاه‌های دیگر را خریداری کرده و در نتیجه تقاضا را در این بازار بالا ببرند. خوشبختانه شاخص سهام در ایران هنوز به مرحله بحرانی نرسیده است.»

تولید، دوی دردهای اقتصاد

به نظر می‌رسد پیش‌بینی بسیاری از کارشناسان در چند سال قبل این روزها به واقعیت نزدیک شده است. زمانی که دولت نهم سکان هدایت کشور را در دست گرفت، هنوز چند ماهی از فعالیت اقتصادی این دولت نمی‌گذشت که تعدادی از کارشناسان اقتصادی با نگرش نام‌های به دولت یادآور شدند که نتیجه ایده‌های اقتصادی دولت نهم چیزی جز تضعیف شدید تولید نیست. البته در دوره فعالیت دولت نهم و دهم بارها کارشناسان این نام‌ها را نوشتند و این هشدارها را امضا کردند. منتها نخستین نام‌ها که به‌عنوان نام‌های ۵۷ اقتصاددان مطرح شد، به‌خوبی نشان می‌داد که تولید در ایران به خاطر سیاست‌های پول‌محور نهاد دولت و ترویج مصرف بدون فعالیت مولد صنعت را زمین می‌زند. حالا به نظر می‌رسد آن پیش‌بینی‌ها به ظهور رسیده‌اند، چون فعالیت‌های اقتصادی دولت نهم و دهم در نفتی‌ترین روزگار اقتصاد ایران، بی‌کاری و تورم بالا به بار آورده است. امروز نیز که بیش از هر زمان دیگری به دلیل ضعف عملکرد سیستم بانکی به بورس نیاز است، جای خالی تولید و صنعت به‌وضوح خود را به رخ می‌کشد. شاید بتوان به جرئت گفت که به‌رغم تفاوت عمیق در نگاه کارشناسان اقتصادی، تنها یک چیز در سخنان آن‌ها مشترک است و همگی به آن اعتقاد دارند. اگر تولید تقویت شده بود، امروز ساده‌تر و روان‌تر می‌شد بازار سرمایه را بهسازی کرد و برای رونق اقتصاد کشور از آن کمک گرفت.

بورس ما می‌تواند به رونق واقعی برسد



بازار سرمایه جذابیت خاص خودش را دارد و در کشورهای توسعه‌یافته شاید بتوان گفت هم در نوک ایده‌های سرمایه‌گذاری قرار دارد و هم در محور تامین مالی ایستاده است. اما در ایران به دلیل سیاست‌های اقتصادی طی چند سال گذشته بورس نتوانسته است آن‌طور که باید و آن‌طور که پتانسیل اقتصادی دارد، در فعل و انفعالات توسعه حضور داشته باشد. البته این به معنای آن نیست که بورس خاصیت خود را در اقتصاد ایران از دست داده است، اما می‌توان مدعی شد که برنامه‌های اقتصادی به گونه‌ای بوده است که به اندازه مطلوب از پتانسیل‌ها و خاصیت‌های بورس در حوزه سرمایه‌گذاری‌ها استفاده نشده است. این مسئله این روزها بیشتر احساس می‌شود که وجود بورس قوی تا حد زیادی می‌تواند بار سرمایه‌گذاری را از روی دوش اقتصاد بردارد. منظور از این روزها، زمانی است که بانک‌ها به بنگاه‌داری متهم شده‌اند و معلوم شده است که سرمایه آن‌ها بیشتر از آن که بخواهد به درد تولید بخورد، به درد شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها خورده است. در گفت‌وگو با شاهین شایان آرانی، خاصیت بورس را ارزیابی کرده‌ایم و از او پرسیده‌ایم که سهام‌داران خرد چگونه می‌توانند در این بازار حضور مولد داشته باشند. این صاحب‌نظر بازار سرمایه معتقد است: «پتانسیل‌های بورس ما بالاست و اقدامات دولت باید در این مسیر جواب بدهد و بورس شاهد رونق واقعی شود.»

و باید بر مبنای آن‌ها حرکت کرد. باید مطالعه کرد و آماده بود؛ در نتیجه این که منابع نقدینگی را در دسترس نگه داشت. در کنار این باید بگویم حرفه‌ای‌های بازار که باید در بازار سرمایه حضور مداوم داشته باشند، در همین حالت هم سود می‌کنند. زیرا آن‌ها با پول زیاد فعالیت می‌کنند و از طریق تنوع در سبد سرمایه‌گذاری نسبت به شرکت‌هایی که به تحریم وابسته نیستند یا درآمدزایی و هزینه ارزی ندارند، عمل می‌کنند.

پیامد این اتفاقات خوب، یعنی کاهش تحریم‌ها و وقوع رشد اقتصادی در آینده چیست؟

بعد از رشد اقتصادی تقاضا برای محصولات بالا می‌رود و زمان مناسبی است که اکثر سهام‌داران اکنون در انتظار آن هستند. اما عمده بازیگران اصلی به‌ناچار در بازار هستند. البته پیشنهاد می‌شود تا آن زمان سرمایه‌های خود را در بازارهایی نظیر اوراق مشارکت یا سپرده‌های بانکی و حساب جاری سرمایه‌گذاری کنند. البته ناگفته نماند که برخی از افراد هم به‌نوعی از بورس ناامید شده‌اند و به سراغ ساخت‌وساز ملک و تجارت‌های این‌چنینی رفته‌اند.

ایا این رفتار سهام‌داران با اصول سرمایه‌گذاری مغایر نیست؟

خیر، این‌طور نیست، زیرا اصل سرمایه‌گذاری یعنی درگیر کردن پول یک تجارتی که در طول یک دوره میان‌مدت یا بلندمدت با وجود هزینه‌ها یا مخاطرات به سود برسد، یا در حالتی دیگر منجر به زیان شود. در سرمایه‌گذاری باید خود را به خطر انداخت و اصولا سرمایه‌گذاری کاری است که تضمین ندارد و با ریسک همراه است. اما در همین شرایط فرصت حضور در بانک با تضمین همراه است و خیال سرمایه‌گذاران راحت‌تر است. با این مفروضات

است که سرمایه‌گذاران چه زمانی وارد این فضا خواهند شد. البته بالاترکلیفی فعلی بورس از بالاترکلیفی مذاکرات و تحریم‌ها نشئت می‌گیرد.

توصیه‌تان به سرمایه‌گذاران خرد در این شرایط چیست؟

در کل همه بازیگران بازار باید هوشمندانه عمل کنند. البته تاکید می‌کنم من پتانسیل بازار را به‌رغم نوسانی که دارد، بسیار بالا می‌بینم. این علامت‌ها و نتایج رشد اقتصادی است که در حال شکل گرفتن است. اخبار مذاکرات فرصت خوبی را برای سرمایه‌گذاری در بورس فراهم کرده است. پیش‌بینی زمان راه افتادن بازار با هم بستگی به مسئولان سیاسی و عملکرد آنان دارد. توصیه‌ام به سرمایه‌گذاران این است که الان تنها سیگنال‌ها را بگیرند، زیرا شاخص‌های اقتصادی پیام دارند



پیش‌بینی زمان راه افتادن بازار هم بستگی به مسئولان سیاسی و عملکرد آنان دارد. توصیه‌ام به سرمایه‌گذاران این است که الان تنها سیگنال‌ها را بگیرند، زیرا شاخص‌های اقتصادی پیام دارند و باید بر مبنای آن‌ها حرکت کرد. باید مطالعه کرد و آماده بود

آقای شایان آرانی تحلیل شما از شرایط امروز بورس کشورمان چیست؟ آیا تاثیرات مذاکرات کشورمان با کشورهای غربی و سیر رشد اقتصادی بر این بازار تاثیرگذار بوده است؟

درخصوص سوال ابتدایی‌تان باید بگویم که اکنون هاله‌ای از ابهام در مورد وضعیت کلان اقتصادی و تعاملات ما با دنیا وجود دارد. برای مثال در مورد تحریم‌ها و مذاکرات یک دورنمای میان‌مدت و بلندمدتی فضای کسب‌وکار و فعالیت‌های اقتصادی را تحت الشعاع قرار داده است، که اگر قدری واقع‌بین باشیم، باید بگویم این دورنما خیلی شفاف نیست. با وجود این، دولت عزم کرده تا از طریق کابینه اقتصادی خود تورم را مهار کند و آن را کاهش دهد که البته در این حوزه موفق هم بوده است. در اقدامی دیگر به‌عنوان یک سیاست کلان، دولت توانسته ارز را از التهاب قبلی دور کرده و نوسانات آن را کنترل کند. افزون بر این دولت رشد اقتصادی را تحریک کرده که در این راستا علایم زیادی هم دیده می‌شود. اما به واقع این زمان می‌برد تا در پیکره اقتصاد متبلور شود. به عبارتی دیگر دولت با این سه رویکرد و موفقیت فضا را برای امیدواری سرمایه‌گذاران آماده کرده است.

فضای ابهام‌آلودی که به آن اشاره داشتید، در کدام حوزه‌ها محسوس‌تر است؟

درحقیقت مذاکرات و تاخیر در شفافیت نتایج آن قدری فضا را ابهام‌آلود کرده است. این در حالی است که پتانسیل‌های بورس ما بالاست و اقدامات دولت باید در این مسیر جواب بدهد و بورس شاهد رونق واقعی شود. به‌طبع این رونق با رونقی که در دو سه سال قبل رخ داد، خیلی متفاوت است. اگر این رونق در آینده با این مفروضات محقق شود، رونق واقعی است و پتانسیل بالایی را پدید خواهد آورد. اما بحث بر سر این

توصیه‌هایی به سهام‌داران خرد

افزایش داده است. سرمایه‌گذاران باید توجه داشته باشند که بازار سرمایه ایران نسبت به گذشته بزرگ‌تر شده و پیچیدگی‌های آن افزایش یافته است. بر همین اساس مهم‌ترین توصیه اکثر کارشناسان بازار سرمایه به سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای و تازه‌وارد این است که به‌طور مستقیم وارد بازار سهام نشوند. بهترین راهکار برای علاقه‌مندان به حضور در بازار سرمایه این است که سرمایه‌های خود را در اختیار صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تخصصی سپردن قرار دهند. علاوه بر این که سهام‌داران غیرحرفه‌ای نباید به‌طور مستقیم وارد بازار سرمایه شوند، سهام‌داران حرفه‌ای و قدیمی نیز باید در تصمیم‌های خود در روند معاملات تجدیدنظر کنند. سهام‌داران حرفه‌ای باید از اشتباهات رایج و متداول بازار درس بگیرند. داشتن آگاهی از وضعیت کلان بازار سهام، توجه به اطلاعات مالی شرکت‌ها، توجه به درجه پایداری سودآوری در شرکت‌ها، بررسی روند توزیع سود و دیدگاه‌های سهام‌داران عمده نسبت به سرمایه‌گذاری باید مدنظر این گروه قرار بگیرد. سرمایه‌گذاران فراموش نکنند که بازار سهام یک بازار بلندمدت است و برای این که سرمایه خود را از مخاطرات حفظ کنند، نباید به بازار سرمایه به‌عنوان یک بازار جذاب کوتاه‌مدت نگاه کنند.

بازار سهام تابعی از امیدها و انتظارات گروه‌های مختلف سرمایه‌گذاران است. بر همین اساس تنوع سلیقه‌ها و عقاید سبب می‌شود نوسان‌های بازار، قیمت‌ها را به رقص درآورد. شاخص‌های رفتاری قیمت و حجم معاملات و شاخص‌های اعتماد سرمایه‌گذاران از جمله شاخص‌هایی هستند که وضعیت روحی و روانی سرمایه‌گذاران را مورد بررسی قرار می‌دهند. احساسات تابعی از ارزیابی فرصت‌های کسب بازده و ریسک‌های موجود در بازار است. فرصت‌هایی که همواره شکل می‌گیرند، با توجه به متغیرهای کلان بازار برای سهام‌دار بلندمدت می‌تواند فرصت مناسبی باشد. بازار سرمایه یکی از اجزای نظام مالی است و زیرساخت‌های نظام مالی در حال توسعه است و این فرایند نیاز به یک دوره زمانی ساخت دارد. این دوران گذار در حال طی شدن است و با توسعه ابزارهای مالی، سازوکارهای کنترل ریسک، بازدهی بازار نیز افزایش خواهد یافت. در این شرایط قدرت تحلیل نقش اول را بازی می‌کند. تحلیل‌گری و وجود متخصصان حرفه‌ای در بازار سرمایه، عمق بازار را گسترش می‌دهد. افزایش تعداد صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری، صندوق‌های دارای درآمد ثابت، ابزارهای مشتق همانند قراردادهای آتی و اختیار معامله نیازهای تحلیل‌گری را

سرمایه‌گذاران خرد در یک بازار نظام‌مند و قانون‌مند و متنوع امکان سرمایه‌گذاری دارند. اولین کار آن‌ها این است که پولشان را حداقل دو سال در بازار نگه دارند، نه این که پیش از مجمع سهام را بخرند و پس از مجمع بفروشند. این کارها بسیار پرخطرتر است و به‌نوعی رفتار موج‌سواری نامیده می‌شود که کار پرخطر در بازار خطرناک بورس محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاران باید شرکت‌های بورسی را تحلیل‌های زیربنایی کنند و در همین راستا خود را به سود نزدیک کنند. بهترین مکان هم برای منفعت از این رشد اقتصادی که در بالا گفته شد، همین بورس است.

چرا حتما احتیاج است که سرمایه‌گذاران خرد تا دو سال در بورس بمانند؟

این رویکرد میان‌مدت و بلندمدت است که موفقیت را حاصل می‌کند. در این زمان آن‌ها باید شرایط شرکت‌ها را تحلیل و مطالعه کنند. بورس برای افرادی است که مسائل و عوامل محرک سود را شناخته‌اند و به آن علاقه‌مند هستند. صبر و تحمل از دیگر مسائلی است که سهام‌داران باید به آن توجه داشته باشند. آن‌ها نباید از سودها و ضررهای ناگهانی احساساتی شوند. به احتمال زیاد اگر این سه عامل را رعایت کنند، سود خوبی خواهند کرد. برای مثال، ۱۰ سال پیش در سال ۸۳ کسانی که بازار آمدند که با سرمایه‌های ۱۰۰ میلیون تومانی توانستند سودهای بالایی را نصیب خود کنند. این اطلاعاتی است که شاخص به ما می‌دهد، زیرا سیر شاخص از ۱۰ سال پیش تا امروز رشد بسیاری را نشان می‌دهد.

جایگاه کارگزاری‌های بورس و مشاوران مالی در تصمیم‌گیری سهام‌داران تازه‌وارد و سهام‌داران خرد چه جایگاهی است؟ آیا تایید می‌کنید که این افراد به جای سهام‌داران تصمیم‌گیری کنند؟

من معتقدم سرمایه‌گذار خرد تصمیم نهایی را باید خود بگیرد، که اگر ضرر کرد، از این ضرر درس بگیرد. البته آن‌ها باید از دیگران مشورت بگیرند، اما در نهایت با عقل خودشان تصمیم بگیرند و با ذهن خودشان شرایط را بسنجند. با مشاوران و کارگزاران باید بسیار صحبت و مشورت کرد، اما در آخر این اطلاعات را باید در سبد فکری قرار داد و تصمیم آخر را شخصا گرفت.

چه اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری در مورد خرید سهام ضروری است؟

باید گفت که اطلاعات صورت‌های مالی برای عملکرد یک ساله گذشته است. این اطلاعات لازم است، اما کافی نیست. اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها خوش‌بین هستند. اطلاعات دیگری نظیر وضعیت بازار و صحبت با متخصصان آن حوزه و فعالان آن صنعت بسیار مفید است. سهام‌داران باید وضعیت کلان اقتصاد را ببینند و تصمیم بگیرند. در نهایت اگر اطمینان خاطر نداشتند، بروند سراغ صنعتی دیگر. تاکید می‌کنم تخم‌مرغ‌هایتان را در یک سبد نگذارید.

محمود افتخاری، کارشناس بورس

بازار سرمایه و خروج از رکود

برای دسترسی به بازارهای محلی به گوش می‌رسد. ولی در مقابل، بورس اوراق بهادار تهران، به صورت جداگانه و مستقل از بازارهای جهانی، به فعالیت خود ادامه می‌دهد. این عامل، اگرچه بورس تهران را از بحران‌های مالی اخیر، دور نگه داشته، اما در عمل، مانع استفاده از منابع مالی خارجی، دانش مالی و تکنولوژی برتر مورد استفاده در بازارهای خارجی شده است که عامل اصلی رشد برخی از بورس‌های در حال توسعه محسوب می‌شوند. بنابراین ضروری است، تدوین مقررات و رویه‌های اجرایی مناسب برای اعطای مجوز فعالیت به نهادهای مالی خارجی (شامل شرکت‌های تامین سرمایه، کارگزاران و صندوق‌های سرمایه‌گذاری) و الزام نهادهای مالی داخلی برای مشارکت با آنان در دستور کار قرار بگیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشتر بورس‌های در حال توسعه، برنامه‌های توسعه خود را بر منابع مالی و دانش خارجی متمرکز کرده‌اند. به‌گونه‌ای که هم‌اکنون، بخش عمده‌ای از ارزش بازار و معاملات این بورس‌ها در اختیار سرمایه‌گذاران و نهادهای مالی خارجی قرار دارد. زیرا نرخ پایین پس‌انداز ملی در این کشورها و همچنین سطح دانش مالی موجود، امکان توسعه سریع بازار، بدون استفاده از منابع خارجی را تقریباً غیرممکن کرده است. اگرچه در جهت یکسان‌سازی مقررات برای سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی و تسهیل نقل و انتقال وجوه قدم‌های مهمی برداشته شده است و طی دو مرحله مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در بورس اصلاح شده است، اما باید توجه داشت که بر اساس استانداردهای WFE و IOSCO، بورس‌ها باید با سرمایه‌گذاران خارجی همانند سرمایه‌گذاران داخلی رفتار کنند و از وضع هرگونه محدودیت بر فعالیت آن‌ها خودداری کنند. در بسته خروج از رکود نیز این رفتار تجویز شده است. این بسته این روزها نقل محافل اقتصادی است و همه با نگاهی مثبت بر این باورند که اجرای آن می‌تواند اقتصاد ایران را از دایره رکود خارج کند.

برای آن که در فرایند توسعه بتوانیم از پتانسیل بازار سرمایه آن‌طور که مطلوب است، استفاده کنیم، باید حتما برنامه‌ریزان و مدیران اقتصادی نگاهی ویژه به بازسازی ساختار بازار سرمایه داشته باشند. به عبارتی اگر می‌خواهیم نظام مالی کشور را از جایگاهی که دارد ارتقا بدهیم، باید قبل از هر چیز این ایده و اندیشه را اجرایی کنیم که اصلاح کاستی‌های بورس و تقویت آن باید در اولویت قرار بگیرد. این مسئله این روزها اهمیت بیشتری هم پیدا کرده است، چون ظاهراً همه به این نتیجه رسیده‌اند که بورس‌ها باید بیشتر از بانک‌ها وظیفه تامین مالی و سرمایه را بر عهده داشته باشند. البته نباید فراموش کنیم که بورس تهران در لیست بورس‌های در حال توسعه، جزو بورس‌های کوچک محسوب می‌شود و برای همین اگر می‌خواهیم سازمان سرمایه بتواند نقش کلیدی در توسعه اقتصاد مولد ایفا کند، باید کاستی‌های آن را با راهبردی برنامه‌ریزی‌شده اصلاح کنیم. چون حتما پیش‌نیاز و زیربنای ارتقای نظام مالی کشور یک بورس نظام‌مند و توسعه‌یافته است و بدون وجود چنین بورسی نمی‌توان انتظار داشت که نظام مالی کشور اصلاح شود. و اگر نظام مالی اصلاح نشود، سیاست‌های توسعه‌ای نیز راه به جایی نمی‌برد.

از سوی دیگر، در برنامه‌های توسعه‌ای، مخصوصاً برنامه پنجم، همواره تامین منابع مالی از محل منابع خارجی مورد توجه قرار گرفته است. این امر بدون حضور یک بورس اوراق بهادار توسعه‌یافته میسر نخواهد بود. به همین دلیل در برنامه توسعه نظام مالی کشور، بهسازی و تقویت بازار سرمایه باید در اولویت قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حال حاضر علاوه بر نبودن برخی الزامات کلان، محدودیت‌هایی در برخی حوزه‌های عملیاتی بورس تهران وجود دارد که آن را از یک بورس توسعه‌یافته و کارآمد متمایز می‌کند و در ردیف بورس‌های در حال توسعه قرار می‌دهد. این در حالی است که هرروز، خبر ادغام بورس‌های جهانی، اتصال سامانه‌های معاملاتی بورس‌ها به یکدیگر یا اعطای مجوز به کارگزاران خارجی

بانکداری

کندوکاوی در فرایند بنگاهداری بانکها

بانکها می توانند به مسیر حمایت از تولید بازگردند



کامران صداقت، کارشناس اقتصادی و بانکی نیز در گفت‌وگو با همین خبرگزاری یادآور شد که چیزی حدود ۲,۲ هزار میلیارد تومان سهم بانکها در چند بازار سودده کشور است که این رقم قابل توجهی برای ۱۸ بانک محسوب می‌شود که همه البته بخش بزرگی از سرمایه و دارایی چند بانک است و بانکهای کوچک سهم کمتری از این رقم دارند.

او ادامه داد: «البته تمام این حجم از سرمایه‌گذاری بانکها در بازارهای مختلف به صورت نقد نیست و بلکه عمده این سرمایه‌گذاری‌ها، اعتباری هستند و در این عدد ارزش ملک و مستغلات هم محاسبه شده است.»

اگر این ارقام را واقعی بدانیم، می‌توان گفت که دولتی‌ها سرمایه بزرگی را از تولید دور کرده‌اند و برای سودآوری خود در بازارهای پرسود به کار گرفته‌اند. بدون شک ۲,۲ هزار میلیارد تومان آن قدر توانایی دارد که می‌تواند نقش بزرگی در برداشتن بار مشکلات از گردن تولید و فعالیت‌های مولد اقتصاد ایفا کند. اما این که چرا بانکها حاضر نیستند سرمایه خود را در بازاری واقعی مانند بورس تقویت کنند و آن را در نهایت به سمت تولید راهی سازند، پرسشی است که به نظر می‌رسد پاسخ آن را باید در ساختار معیوب اقتصاد ایران جست‌وجو کرد؛ ساختاری که در ۸ یا ۹ سال گذشته و در زمان دولت‌های نهم و دهم بیش از هر زمان دیگری در مسیر نادرست قرار گرفت. در سال‌های مورد نظر بدهی معوق سیستم بانکی کشور از ۵ هزار میلیارد تومان به بیش از ۸۵ هزار میلیارد تومان رسید. البته از

یاد نبریم که چند وقت پیش

از روی دوش تولید و فعالیت‌های مولد بردارند. به عبارتی بانکها ظاهراً در اقتصاد ایران آن قدر ظرفیت دارند که کارشناسان می‌توانند به جای آن که مشوق رفتارهای بانکی باشند، یک‌باره به سیستم و ارگانیسم اجرایی بانکها یورش ببرند. یعنی همین اتفاقی که در چند هفته گذشته رخ داد.

در این مدت بانکها به گونه‌ای خود را نشان دادند که حتی رهبر معظم انقلاب نیز از دولت‌خواست تا بانکها را به مدار کمک به تولید بازگرداند. رئیس جمهوری نیز به نوبه خود، اما با لحنی کاملاً متفاوت، از رفتار بانکها انتقاد کرد.

هنگامی که رئیس جمهور از برنامه‌های دولتش برای خروج از رکود سخن می‌گفت، گلی‌های هم از مقاومت بانکها برای فروش اموال و این که اکنون بنگاهدار شده‌اند داشت و تاکید

کرد که باید با فروش این اموال و املاک، نقدینگی خود را تقویت کرده و قدرت تسهیلات‌دهی آن‌ها به بخش‌های تولیدی افزایش یابد.

او با ابراز تاسف از بنگاهدار شدن بانکها این را هم یادآوری کرد که آن‌ها بر خلاف اصول بانکداری به کاری غیر از آن رو آورده‌اند و پول به‌دست‌آورده را برای بنگاه خود صرف می‌کنند، درحالی‌که باید از بنگاهداری خارج شده و به‌عنوان یک واسطه، پول‌های مردم را که جمع کرده‌اند، در قالب تسهیلات با نرخی عادلانه ارائه کنند نه با نرخ‌های بالا.

این گونه انتقادهای در نقطه مقابل انتقادهای موجود برخی از فعالان نظام بانکی و اقتصاددانان از نهاد دولت است که می‌گویند وقتی دولت‌ها نیازشان را از طریق بانکها برطرف می‌کنند، نباید از نتایج چنین سیاست‌هایی غلهمند باشند.

سرمایه‌های هنگفت خارج از دسترس تولید

چند روز پیش خبرگزاری رسمی دولت مدعی شد: گفته می‌شود برخی از بانکها با ۱۲۰ شرکت اقماری در بازارهایی مانند مسکن، ارز، طلا و طرح‌های عمرانی و راه‌سازی که از عمده‌ترین بازارهایی هستند که ردپای بانکها را می‌توان در آن‌ها دید، ورود پیدا کرده‌اند؛ به طوری که در عمل حضور این شرکت‌ها با پشتوانه قوی مالی جای چندانی برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خرد نگذاشته است و یکی از علل ایجاد رکود و تورم این بوده که سهم عمده از سرمایه‌گذاری‌های کلان بانکها در حوزه بازارهای غیرمولد به کار افتاده است.

«درحالی‌که باید سهم بانکها در بنگاهداری ۴۰ درصد باشد، اما این رقم در حال حاضر معادل ۵۱ درصد است.» این جمله را همین چند روز پیش حمید تهرانیفر، معاون نظارتی بانک مرکزی به خبرنگاران گفت و به مسئله بنگاهداری بانکها که طی چند هفته گذشته به بحثی جدی در اقتصاد ایران تبدیل شده است، رسمیت بخشید. ماجرای بنگاهداری بانکها اما این روزها از یک بحث اقتصادی و کارشناسی فراتر رفته است و ذهنیت عمومی جامعه را درگیر خود ساخته است. به عبارتی حتی ناآشنا‌ترین شهروندان با تئوری‌های اقتصادی و نقش بانکها در اقتصاد نیز از بنگاهداری بانکها سخن می‌گویند. البته در این میان کارشناسان و فعالان اقتصادی نیز وجود دارند که معتقدند درباره بنگاهداری بانکها نباید بزرگنمایی کرد، چون بانکها در ذات خود نوعی بنگاه اقتصادی محسوب می‌شوند و اگر در یک اقتصاد با ثبات قرار داشتیم، بانکها در صورت کارایی منضبط و با قاعده خود این حق را داشتند که بنگاهداری کنند و شرکت‌های سرمایه‌گذاری راه بیندازند. نکته کلیدی بحث بنگاهداری بانکها نیز درست در دل این ادعا شکل گرفته است و طیف گسترده منتقد و مخالف بنگاهداری بانکها در ایران بر این باورند که چون بانکها نمی‌توانند به وظایف ذاتی خود عمل کنند، پا در میدان بنگاهداری گذاشته‌اند. به نظر می‌رسد در یک نگاه کلی می‌توان به این منتقدان تاحدودی حق داد. به‌تازگی قرار بود بانکها برای حمایت از بورس پنج‌هزار میلیارد تومان سهام خریداری کنند، که این اتفاق رخ نداد و همین امر نقدهای منتقدان را تندتر کرد. تازه این در حالی است که به شکل تاریخی بانکها در ایران همیشه مواجه با این پرسش بوده‌اند که چرا نمی‌توانند آن‌گونه که می‌باید، باری





طیبنیا، وزیر اقتصاد، در گفت‌وگویی با خبرنگاران این بدهی معوق را ۱۵۰ هزار میلیارد تومان عنوان کرد. در چنین شرایطی خیلی دور از ذهن نیست که بانک‌ها نیز به‌عنوان یک فعال اقتصادی وارد بازار شوند و برای حفظ موجودیت خود به بنگاهداری مبادرت ورزند. در این میان اما مدیران بانکی نظرات دیگری دارند. آن‌ها می‌گویند همواره در مواقع حساس به داد اقتصاد کشور رسیده‌اند.

دفاع از بانک‌ها

در همین رابطه، محمد خوش‌بین، قائم مقام بانک ملت، با بیان این‌که قانون شورای پول و اعتبار برای واگذاری دارایی بانک‌ها، حدودی تعریف کرده است و البته بانک‌ها هم تابع قوانین بانک مرکزی هستند، به خبرگزاری رسمی دولت می‌گوید: «سوال بانکداران از بانک مرکزی این است که چرا زمانی که بازار به‌شدت ضعیف شده بود و نیاز به تزریق سرمایه داشت، با ورود بانک‌ها به بازارهای مختلف مخالفت نشد؟ دولت باید توجه داشته باشد این بانک‌ها بودند که در شرایط بد اقتصادی به داد بازار رسیدند.»

درواقع بخشی از فعالان اقتصادی معتقدند اگر بخواهیم منصفانه به سیستم اقتصادی کشور نگاه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که باید در بعضی مواقع به بانک‌ها هم حق داد. به عبارتی همان‌طور که گفته شد، اتفاقاتی در سیستم مدیریت اقتصادی کشور رخ داد که بانک‌ها را نیز مانند هر نهاد اقتصادی دیگری در ۸ یا ۹ سال گذشته با شوک مواجه کرد. شاید این از بدقالبی دولت یازدهم است که باید به جای دولت نهم و دهم جواب‌گوی گلایه‌های مدیران سیستم بانکی باشد. مدیران و برنامه‌ریزان سیستم بانکی بر این باورند که در یک روند دولتی از آن‌ها بهره‌گیری شده است و این می‌تواند تا حد زیادی درست باشد. اما دولت یازدهم به‌عنوان وارث رکود اقتصادی چاره‌ای ندارد تا بانک‌ها را به آرامی به مسیر واقعی خود بازگرداند.

۵۱ هزار میلیارد تومان در پایان آذرماه سال ۹۲ رسیده است. همین روند مواجهه دولت قبل با سیستم بانکی باعث شده است که امروز بانک‌ها برای دفاع از خود در برابر انتقادهای مبنی بر بنگاهداری، تلویحا نهاددولت را به رفتار متناقض با بانک‌ها متهم می‌کنند. به نظر می‌رسد این فرایند نیز اثر دیگری است که از دولت دهم به دولت یازدهم رسیده است.

نقدها ادامه دارد

ابراهیم نکو، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، در پاسخ به ادعای بانک‌ها مبنی بر این‌که با حضور خود در بازار و تزریق سرمایه، آن‌ها در شرایط بد و نامناسب اقتصادی، به اقتصاد و تجارت ضعیف کشور جان بخشیدند، می‌گوید: «این ادعای بانک‌ها درست نیست. بانک‌ها نبض بازار را در دست گرفته‌اند و همیشه هم سودآوری خوبی از ورود به بازارهایی که طبق قانون اجازه فعالیت‌های گسترده در آن را ندارند، داشته‌اند. بانک‌ها می‌توانند با امکانات قوی وارد بازار شوند و شرایطی را به وجود آورند که باعث سرخوردگی سرمایه‌گذاران و خروج سرمایه‌ها شود و بعد از آن با به دست گرفتن نبض بازار طوری وانمود می‌کنند که عامل رضایت‌مندی‌هایی هستند که اکنون در بازار وجود دارد. اما اگر به پیشینه ورود بانک‌ها به بازار و فعالیت‌های تجاری نگاه کنیم، می‌بینیم که دقیقاً رکود و تورم از زمانی آغاز شد که بانک‌ها وارد بازار شدند و سرمایه‌گذاری‌های کلانی را که تنها منافع خودشان را تامین می‌کرد، انجام دادند که البته به سوددهی خوبی هم رسیدند. در زمان حاضر بانک‌ها با سرمایه نقدی که دارند و مطابق با ساختار خودشان بازار را تنظیم می‌کنند که این می‌تواند خطرناک باشد. گاهی به‌طور انحصاری روی بازار خاصی کار می‌کنند و اجازه ورود به سرمایه‌گذاران خرد نمی‌دهند.»

انحصارگرایی بانک‌ها به تعطیلی بسیاری از حوزه‌ها و صنایع مولد و در نتیجه به افزایش رکود و تورم در کشور ختم شد و رقابت‌پذیری سالم را تضعیف کرد. بخش مولد و سودده بازار باید دست بخش خصوصی واقعی و متعهد باشد که تمام اقشار از سودآوری آن منتفع شوند، نه این‌که تنها بر ثروت عده‌ای اضافه شود.»

نقد کارشناسان از سیستم بانکی

فارغ از همه این حرف‌ها اما به نظر می‌رسد بخشی از صاحب‌نظران اقتصاد نیز این روزها در مقابل بنگاهداری بانک‌ها ایستاده‌اند. با این اتفاق به نظر می‌رسد بانک‌ها نیز باید بیش از هر زمان دیگری نسبت به تغییر مشی و بهینه‌سازی

بر اساس گزارش جدید بانک مرکزی، بدهی دولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری در پایان آذرماه سال ۱۳۹۱ به ۵۰ هزار و ۹۴۳ میلیارد تومان رسید که نسبت به سال‌های قبل رشد عجیبی نشان می‌دهد. بدهی دولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری در آذرماه سال ۹۲، نسبت به ابتدای اجرای هدفمندی یارانه‌ها بیش از صد درصد افزایش یافته است. در پایان آذرماه ۱۳۸۹ بدهی دولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری ۲۴ هزار و ۷۳۳ میلیارد تومان بود

دولت یازدهم، وارث دشواری‌ها

بر اساس گزارش جدید بانک مرکزی، بدهی دولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری در پایان آذرماه سال ۱۳۹۱ به ۵۰ هزار و ۹۴۳ میلیارد تومان رسید که نسبت به سال‌های قبل رشد عجیبی نشان می‌دهد. بدهی دولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری در آذرماه سال ۹۲، نسبت به ابتدای اجرای هدفمندی یارانه‌ها بیش از صد درصد افزایش یافته است. در پایان آذرماه ۱۳۸۹ بدهی دولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری ۲۴ هزار و ۷۳۳ میلیارد تومان بود. افزایش حدود ۲۵ هزار میلیارد تومانی بدهی دولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری طی دو سال نخست اجرای هدفمندی یارانه‌ها، این گمانه را که دولت وقت با استقراض از سایر منابع اقدام به پرداخت یارانه نقدی کرده است یا پرداخت بدهی‌های خود به سیستم بانکی را به تعویق انداخته، تقویت می‌کند.

اگرچه بدهی نهاددولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری در دوره اجرای هدفمندی یارانه‌ها به‌طور نگران‌کننده‌ای افزایش یافته، اما رشد بدهی دولت فقط مربوط به دوره اجرای هدفمندی یارانه‌ها نیست، بلکه از زمان روی کار آمدن دولت نهم شاهد رشد جدی بدهی دولت به سیستم بانکی بوده‌ایم.

در ابتدای دولت نهم در مرداد سال ۱۳۸۴، بدهی دولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری فقط ۳ هزار و ۱۷۴ میلیارد تومان بود که این رقم طی هفت سال با افزایش ۱۶ برابری به حدود





بانک‌ها مقصرند یا ساختار اقتصادی؟

موسی غنی‌نژاد*

به اعتقاد من بحث تازه‌ای نمی‌توان برای بانک‌ها ارائه داد، یا به تعبیر دیگر نمی‌توان نگاه تازه‌ای به نتیجه اعمال قدرت و تمرکز دولت بر بانک‌ها داشت. این تمرکز چیز جدیدی نیست و دولت در اقتصاد ایران همواره نوع برخورد و توقع مشخص و دیکنه‌شده‌ای از بانک‌ها داشته است. برای همین این روزها هم که موج انتقاد به بانک‌ها شدت گرفته است، از این منظر حرف تازه‌ای وجود ندارد. منتها به نظر می‌رسد باید سعی کرد تا یک نکته در اقتصاد ایران بهتر درک شود. به نظر می‌رسد دولتی‌ها توقع دارند که با بانک‌ها به گونه‌ای رفتار کنند که رضایت آن‌ها بیشتر و بهتر جلب شود. این هم البته چیز تازه‌ای نیست. اما نکته‌ای که باید بهتر درک شود این است که این فرایند رضایت میان بانک‌ها و دولت باید دو طرفه باشد. نمی‌شود یک طرف دولت بایستد و از بانک‌ها بخواهد رضایت او را جلب کنند. بانک‌ها به‌عنوان بنگاه‌های اقتصادی در چند سال گذشته به دلیل شرایطی که بر اقتصاد کشور حاکم بوده است (مانند تحریم و شرایط رکود تورمی) برای آن که بتوانند حیات اقتصادی خود را حفظ کنند، مجبور بودند به سمت بنگاه‌داری حرکت کنند. اگر این کار را نمی‌کردند، در شرایط حاکم بر اقتصاد دچار زیان و آسیب می‌شدند. روش این بنگاه‌داری نیز این‌گونه بوده است که سرمایه خود را به شکل وام در اختیار شرکت‌های زیرمجموعه خود قرار می‌دادند تا در یک پروژه اقتصادی درآمدی کسب کنند و سودی به دست بیاورند. اما حالا نهاددولت و بسیاری از مدعیان اقتصاد با فراموش کردن شرایط حاکم بر اقتصاد بانک‌ها را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهند. به نظر من قبل از هر گونه تحلیلی باید به این پرسش پاسخ داد که اگر جلب رضایت دولت و نهادهای دولتی مهم است، در مقابل به این هم اندیشه کنیم که دولت در سال‌های گذشته چه فعالیتی داشته است تا باعث شود بانک‌ها به سمت بنگاه‌داری کشیده نشوند؟ این یک پرسش اساسی است که به نظر می‌رسد در برابر آن نه تنها دولت سکوت کرده است، بلکه خود سیستم بانکی نیز برای آن پاسخ روشنی ندارد که نهاددولت چه کرده است که این فرایند بنگاه‌داری شکل بگیرد. به نظر من مشکل اصلی در نحوه عملکرد نهاددولت در اقتصاد است. در اقتصاد ایران بازار بانکی مسدود است و دولت به‌سادگی در جریان بانکی کشور مداخله می‌کند. نهادهای دولتی وظیفه نرخ‌گذاری



برای بانک‌ها را برای خود ترسیم کرده‌اند، در صورتی که این روش دولتی‌سازی و تزریق دولت در بدنه بانکی جواب نمی‌دهد و تجربه‌ای شکست‌خورده در تجربه جهانی اقتصاد محسوب می‌شود. به نرخ سپرده‌هایی که دولت برای بانک‌ها تعیین می‌کند، توجه کنید. این نرخ از نرخ بازار بسیار پایین‌تر است. به همین خاطر در رفتاری طبیعی به لحاظ تعاریف اقتصادی، بانک‌ها به سمت فعالیت‌هایی متمایل می‌شوند که ربطی به محدوده تعریف‌شده کارآمدی و فعالیت کاری مشخص بانک‌ها ندارد. نتیجه این مناسبات دولتی به گونه‌ای بوده است که رانت در ارائه تسهیلات بانکی جا افتاده و به روندی عادی تبدیل شده است. درواقع این ذهنیت وجود دارد که هر فرد یا افرادی که وام می‌گیرند، حتماً به منبع رانته متصل بوده‌اند. بانک‌ها بدون پرده‌پوشی به زیرمجموعه‌های خود تسهیلات می‌دهند و هیچ واهمه‌ای هم ندارند. ریشه این رفتار بانکی در همان مواجهه دولت با سیستم بانکی نهفته است. دولت اگر می‌خواهد این رفتار تغییر کند و بانک‌ها به سیستم طبیعی بانک‌داری برگردند، یا به عبارتی بانک‌ها بنگاه‌داری نکنند، باید به این درک برسد که خواسته‌های خود از نظام بانکی را در فراگردی دو طرفه قرار بدهد. اگر در سال‌های گذشته دولت‌های قبلی با برنامه‌های خود باعث تقویت بنگاه‌داری توسط بانک‌ها شده‌اند، اکنون مدیران و برنامه‌ریزان اقتصاد باید شرایط حاکم بر اقتصاد را درک کنند و نتیجه مداخله دولت در سیستم بانکی را نیز تخمین بزنند و بر اساس آن‌ها خواست خود را از بانک‌ها تدوین و طراحی کنند. بدون شک دخالت دولت در نرخ‌گذاری‌های بانکی و خواست یک‌طرفه از بانک‌ها نمی‌تواند موجب کاهش بنگاه‌داری بانک‌ها شود. باید پیش از هر چیز ساختار اندیشه دولتی را در اقتصاد ایران ترمیم کنیم.

*استاد دانشگاه

سیاست‌های خود اهتمام ورزند.

مهدی تقوی، کارشناس اقتصادی، می‌گوید: «بانک‌ها اگر بخواهند به بنگاه‌داری خود ادامه دهند، باید در انتظار ورشکستگی باشند و این احتمال را دور از ذهن ندانند، چون وقتی بازار در یک دید کلی گرفتار رکود می‌شود، هیچ بعید نیست که رکود فوق‌گریبان همه پدیده‌های اقتصادی را بگیرد و آن وقت ورشکستگی در کمین بانک‌ها خواهد بود».

او در گفت‌وگو با وخارزم می‌گوید: «بر اساس سنت صحیح اقتصادی و همچنین بر اساس قانون، بانک‌ها باید سرمایه سرگردان مردم را جذب کنند و در اختیار صنعت و تولید قرار دهند تا از این طریق مولدگرایی در اقتصاد تقویت شود. به عبارتی بانک‌ها ایستگاه تجمیع پول هستند و هزینه‌های جاری آن‌ها نیز از محل اختلاف قیمت بین سود سپرده و وام تأمین می‌شود. ولی در شرایط فعلی اقتصاد کشور گویی مولدگرایی و کمک به تولید کم‌رنگ شده است. بانک‌ها پول تجمیع‌شده را به جای آن که خرج تولید کنند، نباید به شرکت‌های سرمایه‌گذاری خود تزریق کنند. اقتصاد ایران اکنون بیش از هر زمان دیگری به تولید نیاز دارد. ما باید به این درک برسیم که تولید اصل است و برای رسیدن به سطح مطلوبی از مولدگرایی، زمان اندکی در قیاس با بسیاری از کشورهای در حال توسعه در اختیار داریم».

مهدی تقوی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، همچنین در گفت‌وگویی دیگر می‌گوید بحران بزرگ بانکی دنیا در سال ۱۹۰۹ به دنبال بحران مالی در یک بانک کوچک اتریش ایجاد شد. به دلیل ارتباط بانک‌ها در سطح بین‌الملل این بانک نتوانست بدهی‌های خود را به بانک‌های آلمانی بپردازد و در نهایت زنجیروار این بحران ادامه پیدا کرد. او با هشدار نسبت به این که ممکن است با توسعه فعالیت بنگاه‌داری بانک‌ها، مشابه چنین بحرانی در ایران ایجاد شود، تأکید می‌کند که بانک مرکزی باید نظارت خود بر فعالیت بانک‌ها را افزایش دهد.

او با یادآوری وظیفه بانک‌ها در زمینه جمع‌آوری سپرده مردم و وام دادن به متقاضیان می‌گوید که فعالیت‌های بنگاه‌داری با سود و زیان همراه است و اگر پروژه‌ها زیان‌ده شود، بانک قادر به پرداخت پول مردم نخواهد بود.

غلامحسین شافعی، رئیس اتاق بازرگانی ایران، نیز چند وقت پیش در یک نشست خبری گفت: «اگر بانک‌ها به بهانه جلوگیری از ورشکسته شدن و درآمدزایی به بنگاه‌داری ورود پیدا کنند، کاملاً اشتباه است و به‌عنوان نمایندگان بخش خصوصی اعتقاد نداریم که بانک‌ها مشکلات اقتصادی و مالی دارند».

احمد میرمطهری، کارشناس باسابقه اقتصادی و دبیر کل اسبق بورس، نیز از منتقدان بنگاه‌داری بانک‌هاست. او به وخارزم می‌گوید: «یکی از دلایلی که در سال‌های گذشته باعث شده تا بانک‌ها به سمت بنگاه‌داری آمده‌اند، این است که در این سال‌ها افزایش سرمایه در سیستم بانکی بر اساس کفایت سرمایه نبوده است. بانک‌ها با روند افزایش سرمایه می‌توانند جریان جذب مشتری را برای خود بازتر کنند، یا به عبارتی میزان مشتری بیشتری برای خود جذب کنند. بر همین اساس می‌گویند که افزایش سرمایه درواقع یک پتانسیل و مزیت در اختیار بانک‌ها محسوب می‌شود. با این اتفاق میزان تعهدات بانک افزایش می‌یابد. این فرایند حتماً باید با تکیه بر «کفایت سرمایه» رخ دهد. در غیر این صورت بانک‌ها به‌سادگی وارد بنگاه‌داری می‌شوند و این منش اقتصادی می‌تواند به زیان اقتصاد و فعالیت‌های مولد باشد. افزایش سرمایه باید از مکانیسم اقتصادی تبعیت کند. چون این امکان اگر خارج از مکانیسم محاسباتی اقتصاد باشد، باعث می‌شود بانک‌ها به اندازه حجم فعالیت خود افزایش سرمایه نداشته باشند. این لغزندگی یک آسیب اقتصادی است. برای بر طرف کردن بنگاه‌داری بانک‌ها که به آن مبتلا شدیم، باید مکانیسم افزایش سرمایه را رعایت کنیم».

به این پرسش پاسخ دهید

بدون شک این روزها بنگاه‌داری بانک‌ها یک مسئله برای اقتصاد ایران ارزیابی می‌شود. البته اگر دایره اقتصاد در ایران مانند کشورهای توسعه‌یافته بود و آزادی اقتصادی نیز در ایران روایتی مانند کشورهای توسعه‌یافته داشت، این بنگاه‌داری نیز به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌شد، اما از یاد نبریم که در فضای اقتصادی ایران بسیاری از شاخص‌های اقتصادی با کشورهای توسعه‌یافته فاصله زیادی دارد. در این جایی ۸ و ۹ سال گذشته بسیاری از موقعیت‌ها و حتی داشته‌های اقتصادی از دست رفت و در این موج منفی بانک‌ها نیز توان خود را پرداخت کرده‌اند. اما اگر بخواهیم امروز از گردونه این موج خارج شویم، بنابر اذعان همه آگاهان اقتصادی-اجتماعی چاره‌ای نداریم جز این که به تولید بیش از هر زمان دیگری بال و پر دهیم. در این چشم‌انداز نهادهایی که صاحب سرمایه هستند، اگر تجمیع سرمایه‌های کشور به جای رونق در تولید عمدتاً در مسیر افزایش سود بانک‌ها به کار گرفته شود، چه اتفاقی برای اقتصاد مولد در ایران رخ می‌دهد؟ به این پرسش باید پاسخی واقع‌بینانه داد.

بانک‌ها، نباید در سیطره دولت باشند

سعید لیلان*



در اقتصاد ایران به شکل تاریخی یک اتفاق نامطلوب افتاده است و آن هم چیزی نیست جز حکمرانی دولت‌ها یا اعمال قدرت سیاسی دولت‌ها بر اقتصاد که این مسئله همه‌ارکان توسعه و اقتصاد را تحت تاثیر قرار داده است. در آسیب‌شناسی اقتصاد ایران خیلی از نهادها و بنگاه‌های اقتصاد اگر ناکارآمدی داشته باشند، درواقع توان این اعمال قدرت دولت‌ها را

پس می‌دهند. بانک‌ها نیز از این ماجرا مستثنا نیستند. می‌توان به جرئت گفت که منش نهاد دولت در مواجهه با اقتصاد ایران، کارایی در سیستم بانکی را طی سالیان طولانی متلاشی کرده است. بانک‌ها در هر کشور و در هر نظام اقتصادی نقش بسیار مهمی در مناسبات توسعه ایفا می‌کنند و در واقع نقش‌گرفته از ساختار و نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن کشور هستند. اما در ایران هژمونی دولت در اقتصاد باعث شده است که بانک‌ها قبل از هر چیز توان رقابت خود را در محیط اقتصاد از دست بدهند، یا به عبارتی فاقد توان رقابت باشند. فقدان توان رقابتی نیز باعث می‌شود تاجر نهادهی در اقتصاد گرفتار ناکارآمدی شود. اگر بخواهیم در تحلیل رفتار بانک‌ها گرفتار بحث‌های دمدستی و شعارگونه و جوژه روزمره شویم، قبل از شناخت هر معضلی در بانک‌ها، باید به‌طور خلاصه به این نکته اندیشه کنیم که این نهادهای اقتصادی نمی‌توانند یا یکدیگر رقابت کنند و این بزرگ‌ترین گیر آن‌هاست که ریشه در ساختار معیوب اقتصاد ایران دارد. گسترده شدن کمی شبکه بانکی نیز نمی‌تواند و نتوانسته است بانک‌ها را از این پیچ کارآمدی نجات دهد. به‌عنوان مثال در حال حاضر بانک‌های خصوصی در اقتصاد کشور شکل گرفته‌اند، اما هیچ‌کدام از آن‌ها خصوصی محسوب نمی‌شوند، چون هر کدام به‌نوعی وابسته هستند. بنابراین نمی‌توانیم بر اساس تعاریف و استانداردهای اقتصادی آن‌ها را به صورت رسمی و واقعی خصوصی بدانیم. خصوصی بودن یا بانک خصوصی در تعاریف اقتصادی مشخصه‌های خاصی دارد که اکثر آگاهان اقتصادی می‌گویند این مشخصه‌ها ربطی به بانک‌های خصوصی ایران ندارد. در این جا بانک‌های خصوصی نیز مانند سایر بانک‌ها در سیطره دخالت دولت قرار دارند. باز تاکید می‌کنم که نوع مواجهه دولت در اقتصاد اتفاقی ناگوار است. کارشناسان اقتصادی همواره از تصدی‌گری در اقتصاد گله می‌کنند، اما به نظر می‌رسد این تصدی‌گری بیان‌گر همه حضور دولت نیست. زمانی که مالکیت بانک‌ها خصوصی می‌شود، به احتمال زیاد تصدی‌گری دولت در اقتصاد کاهش می‌یابد، اما آیا این کاهش تصدی‌گری کاهش دخالت را نیز به وجود می‌آورد؟ به نظر می‌رسد این‌جا می‌توان نوع دولتی بودن اقتصاد ایران را بهتر درک کرد. ما در هر شرایطی دخالت را داریم و این باعث می‌شود بانک‌های خصوصی نتوانند آن‌طور که باید و شایسته است، خصوصی باشند.

زمانی که قیمت تمام‌شده پول بانک‌ها، میزان فروش پول، مدیران عامل بانک‌های خصوصی و اعضای هیئت مدیره را دولت تعیین می‌کند و حتی اجازه تأسیس بانک‌های خصوصی و این که چه کسانی می‌توانند سهام‌دار این بانک‌ها باشند نیز در اختیار این نهاد است، معلوم است اگر ۲۰۰ بانک خصوصی هم داشته باشیم، مشکلی از مشکلات نظام بانکی حل نمی‌شود. به اعتقاد من، آزادسازی مقدم بر خصوصی‌سازی است. اگر خصوصی‌سازی صورت بگیرد اما آزادسازی در کار نباشد، معلوم است که این کار فایده‌ای ندارد و بهره‌وری و کارایی افزایش نیافته و شاهد رقابت در اقتصاد نخواهیم بود. نکته دیگری که در مورد سیستم بانکی وجود دارد، نقش بانک مرکزی است که از تاثیر آن بر ناکارآمدی بانک‌ها نباید به‌راحتی گذشت. قوانین و مقرراتی که بانک مرکزی برای بانک‌ها تدوین می‌کند، بانک‌ها را به شکلی لای‌منگنه و گیره قرار می‌دهد که امکان هر گونه پویایی و تحرک مولد را از آن‌ها می‌گیرد. یکی دیگر از مشکلاتی که نظام بانک‌داری همواره از وجود آن رنج می‌برد، تصمیم‌گیری‌های مربوط به این نظام خارج از بانک‌هاست. بیشتر مسائلی که به بانک مربوط است، در خارج از بانک تصمیم‌گیری می‌شود. به‌عنوان مثال تعیین نرخ بهره تابع روشنی است از دخالت دولت در امور بانک‌ها. تا زمانی که بانک‌ها در این گردونه قرار دارند، نمی‌توانیم شاهد شبکه بانکی پویا باشیم که قدرت خود را در اختیار اقتصاد مولد قرار می‌دهد. ما در ساختار با گرهای بزرگی مواجه هستیم که این گرهای دست و پای شبکه بانکی را نیز قفل کرده است. اعمال قدرت سیاسی نهاد دولت در اقتصاد بن‌بست اصلی ساختار اقتصادی ماست. این را نباید فراموش کرد.

* کارشناس اقتصادی



راه برون‌رفت از مشکلات بانکی

جعفر قادری*



کاری که امروز بانک‌ها انجام می‌دهند، فاصله بسیار زیادی دارد با کاری که بانک‌ها باید بر اساس وظیفه ذاتی خود انجام دهند. بانک‌های به‌عنوان یک نهاد قدرتمند در حوزه اقتصاد می‌توانند بار بزرگی از روی دوش اقتصاد مولد بردارند و حضور تولید و صنعت را در اقتصاد کشور تضمین کنند. آن‌ها می‌توانند بین مردم و تولید بایستند، اما این حضور بین مردم و تولید باید نقش برقراری ارتباط را ایفا کند و در نهایت به تقویت اقتصاد مولد منجر شود. به عبارتی بانک‌ها بهتر از هر نهاد دیگری می‌توانند سرمایه در اختیار مردم را بگیرند و آن را در اختیار تولید بگذارند. در این حالت چرخ تولید نیز روان می‌شود و به تبع آن بازار سرمایه قدرتمند می‌شود و سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصاد نیز نقش واقعی خود را پیدا می‌کنند. البته در حال حاضر شاهد چنین چیزی نیستیم و در نقطه مقابل حتی می‌بینیم که بانک‌ها نه تنها آن‌طور که باید دردی از تولید دوا نمی‌کنند، بلکه به سمت بنگاه‌داری رفته‌اند و کارکرد واقعی خود را در اقتصاد ما از دست داده‌اند. البته این اتفاق تا حد زیادی به خاطر سیاست‌های اقتصادی نامطلوب در کشور رقم خورده است. به خاطر این سیاست‌ها در سال‌های گذشته مطالبات بانکی به‌شدت رشد کرده‌اند و از سوی دیگر هزینه پول نیز افزایش یافته است. برای همین بانک‌ها به سمت بنگاه‌داری سوق پیدا کرده‌اند. نتیجه نامطلوب این اتفاق نیز در تولید و صنعت قابل رویت است. به عبارت دیگر دود بنگاه‌داری بانک‌ها به چشم تولید می‌رود. به خاطر این بنگاه‌داری بسیاری از واحدهای مولد با مشکل نقدینگی و سرمایه در گردش مواجه شده‌اند و به همین خاطر نتوانسته‌اند به فعالیت خود ادامه دهند. اگر خوب اقتصاد کشور را بررسی کنیم، به تعداد زیادی از این بنگاه‌های تولیدی برمی‌خوریم که یا به صورت نیمه‌تعطیل درآمده‌اند، یا در کل تعطیل شده‌اند. در مقابل این تعطیلی بانک‌ها در فراگردی درون‌گروهی به رقابت با یکدیگر برخاسته‌اند تا پول بیشتری برای بنگاه‌داری خود جمع کنند. بدون شک یکی از دلایل رشد هزینه پول به خاطر همین رقابت شکل گرفته است. باید به گونه‌ای رفتار می‌شد که قدرت رقابت در تولید و بازار سرمایه شکل بگیرد. رشد تولید، رشد سرمایه‌گذاری و رشد اشتغال را به همراه می‌آورد. ظاهراً بیرون از دایره مشکلات تولید سودآوری در سیستم بانکی و پولی آن‌قدر جذاب بوده است که می‌بینیم موسسات و شعب بانکی به‌طور بی‌رویه‌ای رشد کرده‌اند. همه این‌ها به خاطر رقابت در جذب پول شکل گرفته‌اند و اراده‌ای برای تولید نداشته‌اند. رشد بی‌ضابطه بازارهای مالی نشان می‌دهد که هیچ نظام کنترلی از سوی بانک مرکزی ظاهراً وجود نداشته است، یا اگر هم بوده، کارآمدی لازم را نداشته است. به همین خاطر ما از مسیر واقعی و صحیح بانک‌داری فاصله گرفته‌ایم. اکنون نیز اگر می‌خواهیم به مسیر بازگردیم، باید به یک نظام کنترلی و مطلوب دست یابیم. بدون تعارف، نظارت دقیق تنها راه بازگشت بانک‌ها از مسیر انحرافی است. بانک مرکزی باید برش لازم را داشته باشد و بانک‌ها از دستورهای بانک مرکزی تبعیت کنند. اگر غیر از این باشد، خیلی نمی‌توان امید داشت که بانک‌ها دور بنگاه‌داری را خط بکشند و سایه حمایت خود را روی سر تولید پهن کنند. حتماً باید بانک مرکزی مکانیسم تازه‌ای برای کنترل بازار مالی کشور طراحی، تدوین و اجرا کند تا از این طریق بانک‌ها بتوانند پل واسط میان سرمایه‌های مردم و تولید شوند. ما به اقتصاد مولد و بازار سرمایه کارآمد نیاز داریم که این نیاز با بنگاه‌داری بانک‌ها برطرف نمی‌شود. به خاطر بنگاه‌داری بانک‌ها تولید در ایران با گرهای و هزینه‌های زیادی مواجه شده است. بدون شک زمان اندک است و باید هر چه سریع‌تر مدیران بانک مرکزی سیستم نظارتی خود را تقویت کنند. هر چه زودتر به داد تولید برسیم، زودتر مسیر برون‌رفت از بن‌بست‌های اقتصادی را پیدا کرده‌ایم. به همین خاطر باید قدر سرمایه‌هایی را که در سیستم بانکی وجود دارند، بدانیم و به جای آن که آن‌ها را در درون فراگرد بانک‌ها صرف بنگاه‌های بانکی بکنیم، باید برای روان شدن گردش چرخ‌دنده‌های اقتصاد مولد به کار بگیریم.

* عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس

پاسخ دکتر حجت‌اله صیدی به یک پرسش کلیدی:

تسهیلات بانکی برای بنگاه‌ها کدام مهم‌تر است؛ نرخ ارزان یا دسترسی آسان؟



روزنامه دنیای اقتصاد در شماره چهارشنبه ۲۹ مردادماه ۹۳ در بخش «باشگاه اقتصاددانان» پرسشی کلیدی را با صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی در میان گذاشت. متن این پرسش و پاسخ دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و نایب رئیس هیئت مدیره شرکت ایران خودرو، را در زیر می‌خوانید.

سوال کلیدی باشگاه اقتصاددانان:

نظر به این‌که بنگاه‌ها با مشکل تامین نقدینگی، به‌ویژه با مشکل سرمایه در گردش مواجه‌اند و بسیاری از بانک‌های کشور قادر به تامین منابع مالی بنگاه‌ها نیستند، به نظر شما آیا هم‌چنان بایستی بانک‌ها با نرخ بهره ارزان که منجر به ایجاد صف و عدم دسترسی بسیاری از متقاضیان به تسهیلات بانکی می‌شود، به متقاضیان وام داده و به سیاست‌های خود ادامه دهند، یا باید با افزایش نرخ سود، فقط بنگاه‌هایی تمایل به دریافت تسهیلات داشته باشند که از سودآوری کافی برای پرداخت اقساط بانکی برخوردارند؟ به عبارتی دیگر، در شرایط فعلی کدام‌یک، نرخ ارزان تسهیلات یا دسترسی آسان‌تر به تسهیلات بانکی، در اولویت بنگاه‌های اقتصادی قرار دارد؟

دکتر صیدی: با توجه به پیچیدگی

فضای کسب‌وکار و شرایط خاص اقتصاد ایران، پاسخ به پرسش فوق قطعاً نمی‌تواند به صورت انتخاب یکی از دو گزینه مطرح‌شده باشد. زیرا اساساً مشکل اصلی سرمایه در گردش بنگاه‌ها در حال حاضر تنها تسهیلات بانکی نیست، بلکه به نظر اینجانب دو عامل مهم‌تر در این مسئله نقش دارند که عبارت‌اند

از رکود و بهره‌وری که باید نسخه دقیق، کامل و جامعی را برای آن تدوین کرد. این نسخه بدون تردید ماهیت بلندمدت و میان‌مدتی خواهد داشت که پرداختن به مفاد آن خود فرصتی موسع می‌طلبد و در این مقال نمی‌گنجد. اما بی‌شک یکی از راهکارهایی که در آن قابل پیش‌بینی است، موضوع اعطای تسهیلات بانکی به بنگاه‌هاست تا



در نخستین روزهای مهرماه برگزار می‌شود سومین همایش مدیران گروه خوارزمی در تبریز

سومین همایش مدیران گروه خوارزمی در نخستین روزهای مهرماه سال جاری در شهر تبریز برگزار خواهد شد. بر پایه این خبر، اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل شرکت‌های زیرمجموعه گروه خوارزمی به همراه مدیران ستادی و مشاوران مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (سهامی عام) - بالغ بر ۸۰ نفر - در روزهای اول تا سوم مهرماه گردهم می‌آیند تا در راستای جهت‌گیری‌های برنامه هفت ساله گروه خوارزمی در حوزه‌های تخصصی و علمی به تبادل آرا بپردازند.

ازجمله سخنرانان این همایش دکتر حجت‌الله صیدی مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، دکتر فضل‌الله ریاحی رئیس هیئت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان، دکتر مهدی برکجیان مشاور مدیرعامل گروه خوارزمی، دکتر عیسی شهسوار خجسته رئیس کل اسبق سازمان امور مالیاتی کشور، دکتر ابن‌الرسول مدیر طرح و برنامه گروه خوارزمی، پرهام سیدین مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان، دکتر حامد شادکام عضو هیات علمی موسسه عالی بانک‌داری ایران، منوچهر زمانی مدیرعامل صرافی سپهر و مهندس محمدشهاب رضوانی رئیس دفتر طرح و برنامه گروه خوارزمی هستند.

نخستین همایش مدیران گروه خوارزمی در روزهای ۳۰ بهمن تا اول اسفند ماه ۱۳۹۲ در شهر شیراز برگزار شد. در آن همایش، برای نخستین بار بطور رسمی از برنامه هفت ساله گروه خوارزمی رونمایی و مقرر شد تا شرکت‌های وابسته به گروه خوارزمی در چهارچوب این برنامه راهبردی و متناسب با حوزه فعالیت خود، برای شرکت متبوع برنامه‌های متناسب تدوین کنند. از این رو، مدیران گروه خوارزمی در همایش‌های دورهای خود تلاش دارند با تبادل آرا، هم افزایی و تبادل نظر دقیق‌تر و بهتر به سوی تحقق کامل اهداف مندرج در برنامه هفت ساله خوارزمی گام بردارند.

دومین همایش مدیران گروه خوارزمی نیز با هدف پایش برنامه هفت ساله این گروه در روزهای ۲۸ و ۲۹ خرداد سال جاری در شهر مشهد برگزار شد. مشروح گزارش ما از این همایش در شماره آینده منتشر خواهد شد.

هرگونه سوگیری و فشار تعیین شوند که اصطلاحاً از آن‌ها به عنوان بخش‌های پیشران یاد می‌شود. پس از این اولویت‌بندی - که باز هم تاکید می‌شود که باید با دقت انجام شده و از تکرار اشتباهات، شتاب‌زدگی‌ها و سوگیری‌های گذشته اجتناب شود - می‌توان شرایط دسترسی به تسهیلات بخش‌های پیشران را آسان‌تر کرد. این آسان‌سازی صرفاً در دو جنبه وثایق و مدت بازپرداخت قابل توصیه است و اتفاقاً در زمینه‌هایی مانند بررسی اقتصادی تقاضاها، دقت و سخت‌گیری ویژه‌ای را که ضرورت انضباط مالی و پولی است، ایجاب می‌کند. در زمینه وثایق، نظام بانکی می‌تواند با وسعت نظر، دارایی‌های مالی، فیزیکی و ابزارهای نوین را نیز به خدمت بگیرد که در این زمینه نظام بیمه‌گری نیز می‌تواند به کمک بیاید. درخصوص شرایط بازپرداخت نیز با توجه به رکود حاکم و شرایط بنگاه‌ها، لحاظ کردن دوره تنفس معقولی ضرورت تام دارد و سپس طولانی کردن دوره بازپرداخت کمک شایانی را به بنگاه‌ها خواهد کرد.

باید دقت کرد که هرگونه سوءمدیریت یا اهمال در اعمال این دو مشوق به عمیق‌تر شدن زخم‌ها و مشکلات منجر می‌شود و نه در کوتاه‌مدت و نه در بلندمدت آثار مثبتی نخواهد داشت. آن‌چه کارآمدی این سیاست را می‌تواند تضمین کند، تقویت بانک مرکزی است. واقعیت این است که در اثر رفتارهای نادرست سال‌های گذشته، بانک مرکزی دچار میزان قابل توجهی از ضعف اجرایی است. اگرچه در یک سال گذشته، تلاش بی‌وقفه برای بازگرداندن انضباط پولی و تعیین و رعایت خط قرمزهای لازم اقدام درخور تقدیری از سوی بانک مرکزی بوده، اما هنوز این بانک به جایگاه واقعی خود در اقتصاد کشور، آن‌گونه که مثلاً در اواخر دوران مرحوم نوربخش بود، نرسیده است. اگر این ضعف برطرف نشود، ممکن است دستاوردهای یک ساله اخیر نیز ماندگار نباشد.

به‌عنوان نتیجه‌گیری چنان‌چه بخواهیم پاسخ پرسش مطرح‌شده را جمع‌بندی کنیم، علاوه بر اقدام‌های بلندمدت اساسی که ذکر شد، راهکار مناسب پیشنهادی در کوتاه‌مدت برای اعطای تسهیلات جهت حل مشکل سرمایه در گردش بنگاه‌ها، آسان‌سازی شرایط اخذ وام برای آن دسته از بنگاه‌های بخش پیشران اقتصاد است که دلایل توجیهی و علمی متقنی را برای نیاز خود داشته باشند و در این رابطه تخصیص رقمی حداقل در حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان در ماه‌های آینده ضرورت دارد.

هم مشکل نقدینگی آن‌ها رفع گردد و هم سرمایه در گردش آنان با کارآمدی بیشتر و سرعت مناسب‌تری در گردش باشد. در این صورت می‌توان به موضوع تسهیلات بانکی به‌عنوان یک راهکار فوری و کوتاه‌مدت و ارزیابی سیاست‌ها و روش‌های اعطای آن پرداخت.

اعطای تسهیلات با نرخ ارزان اگر به معنی اعمال نرخ پایین‌تر از نرخ تورم به‌علاوه حاشیه مناسب آن باشد، به نحوی که با نرخ تورمیک بازده بدون ریسک تناسب نداشته باشد، از دیدگاه اینجانب کاملاً مردود است. و استناد به شرایطی مانند رکود تورمی، بحران اقتصادی و غیره نمی‌تواند توجیه‌گر آن باشد. زمانی که منابع محدود است - به‌ویژه اکنون که محدودتر است - اعطای تسهیلات با نرخ پایین‌تر از نرخ نظری پیش‌گفته، معنی صریح «رانت» را دارد، زیرا با تشکیل صف‌های طولانی، وام به یک‌سری از بنگاه‌ها می‌رسد و به یک‌سری دیگر نه، و سیاست دولت محترم تدبیر و امید هم این نیست که رانت داده شود. از طرف دیگر یکی از آثار برخورداری از تسهیلات با نرخ پایین‌تر از تورم، تشدید تنزل بهره‌وری است و لذا در بلندمدت هم مشکلاتی را برای اقتصاد ایجاد می‌کند و ما با عدم تعادل بیشتری روبه‌رو خواهیم شد. اما اگر مراد از نرخ ارزان، نرخ رقابتی و تعیین‌شده بر اساس سازوکار عرضه و تقاضا باشد، حتماً مفید است و موجب آزادسازی بیشتر در اقتصاد می‌گردد، هرچند گمان نمی‌رود که مطالبه‌کنندگان و مدافعان سود بانکی پایین، چنین تعبیری را منظور نظر داشته باشند.

به نظر می‌رسد که راهکار مفید و مناسب برای حل مسئله سرمایه در گردش بنگاه‌ها و خروج آن‌ها از رکود، اتخاذ رویکرد تامین مالی آسان برای بخش پیشران اقتصاد باشد که قدری به گزینه دوم سوال نزدیک‌تر است. در این زمینه باید قبل از هر چیز توجه داشت که در حال حاضر امکان تامین مالی تمام بنگاه‌های ریز و درشت کشور به دلیل محدودیت منابع وجود ندارد. حداکثر رقمی که به‌عنوان توان بالقوه اعطای تسهیلات برآورد می‌شود، در خوش‌بینانه‌ترین حالت چیزی در حدود ۲۴۰ تا ۲۵۰ هزار میلیارد تومان است و اگر مانده بالغ بر ۵۷۰ هزار میلیارد تومانی تسهیلات را نیز در نظر بگیریم، تحقق رقم پیش‌گفته هم می‌تواند با تردید روبه‌رو شود. از این رو گام اول پیشنهادی آن است که بخش‌ها و بنگاه‌های اقتصادی اولویت‌دار باید با دقت تمام و بدون

چگونه بانک‌های ما بنگاه‌دار شدند؟

هزار میلیارد تومان رسیده و در واقع ۶۸ هزار میلیارد تومان رشد کرده است.

البته بدهی شرکت‌های دولتی به بانک‌ها از ۶۶۷۸ به ۳۳۱۴ میلیارد تومان رسیده و ۳۳۰۰ میلیارد تومان کاهش داشته که تنها رقم کاهش بدهی دولت در بخش شرکت‌های دولتی بوده است.

بدهی بخش دولتی به بانک‌های تجاری نیز از ۹۵۶۷ میلیارد به ۲۱۸۱۷ میلیارد تومان رسیده و ۱۱ هزار میلیارد تومان بیشتر شده است.

بدهی بخش دولتی به بانک‌های تخصصی مانند بانک مسکن در طرح مسکن مهر و... نیز از رقم ۶۴۶ به ۱۹۵۴۳ میلیارد تومان رسیده و موجب افزایش بدهی دولت، رشد پایه پولی و تورم شده است.

حتی بدهی بخش دولتی به بانک‌های خصوصی نیز افزایش زیادی داشته و از ۱۴۴ میلیارد تومان در دولت خاتمی که فعالیت بانک‌های خصوصی محدود بوده است، به ۳۳۲۰۲ میلیارد تومان رسیده و بیش از ۳۳ هزار میلیارد تومان افزایش نشان می‌دهد.

این ارقام نشان می‌دهد که به دلیل سیاست‌های انبساطی و اعتبارات بانک‌ها و فشار دولت به بانک‌ها برای پرداخت وام و تسهیلات و همچنین بی‌انضباطی پولی در دولت گذشته، شاهد افزایش ۸۴ هزار میلیارد تومانی بدهی بخش دولتی به بانک‌ها و بانک مرکزی بوده‌ایم و دولت کنونی وارث مجموعه‌ای از بدهی‌های سرسام‌آور به بانک‌هاست که بانک‌ها را در شرایط محدودیت اعتبارات و منابع، قفل شدن منابع و مشکلات عدیده ناشی از کمبود منابع و در نهایت فشار به اقتصاد و مردم برای دریافت تسهیلات بانکی مواجه کرده است.

این ارقام نشان می‌دهد که در سال‌های مورد نظر سیستم بانکی در جنبه دولت قرار داشته است، البته در نگاه کلی وزیر اقتصاد دولت یازدهم، بدهی کل دولت در ۸ سال دولت نهم و دهم را ۲۵۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است که نشان می‌دهد برنامه‌ریزان اقتصادی دولت در سال‌های دولت نهم و دهم بدهی دولتی را محدود به سیستم بانکی نکرده و به کلیت اقتصاد دهکار شده‌اند. همه این‌ها در حالی است که در سال‌های فعالیت دولت نهم و دهم اقتصاد ایران بیشترین درآمدهای تاریخی نفت را نیز تجربه کرده است. در چنین شرایطی که بدهی دولت فقط به سیستم بانکی ۱۰۸ هزار میلیارد تومان شده است، آیا عجیب است که بانک‌ها بنگاه‌داری می‌کنند و فقط به سود خود اهمیت می‌دهند؟

این روزها بحث انتقاد از بنگاه‌داری بانک‌ها آن قدر گرم شده است که فضای اقتصاد ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است. البته بدون شک بنگاه‌داری بانک‌ها قابل دفاع نیست، اما بدهی دولت به سیستم بانکی در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که رفتارهای دولت قیل در ایجاد بدهی به بانک‌ها نقش اصلی را در شیوع پدیده بنگاه‌داری ایفا کرده است. در بررسی بدهی بخش دولتی شامل دولت و شرکت‌های دولتی به سیستم بانکی، آمارها نشان می‌دهد که رقم کل بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی شامل بانک‌ها و بانک مرکزی از رقم ۲۳۵۹۴ میلیارد تومان از سال ۸۳ به ۱۰۸ هزار میلیارد تومان در سال ۹۲ رسیده و در این مدت



۳۵۷ درصد رشد کرده است و ۴۰۶ برابر شده است. یعنی در دولت سابق ۸۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی در این دوره ۸ ساله از ۱۳ هزار به ۳۳ هزار میلیارد تومان رسیده و ۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. همچنین بدهی بخش دولتی به بانک‌ها از ۱۰ هزار میلیارد تومان به ۷۴ هزار میلیارد تومان رسیده و ۶۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. بدهی دولت به بانک‌ها نیز از ۳۶۷۹ میلیارد تومان به ۷۱۲۴۹

اقتصاد ایران در چند سال گذشته پر شده است از خبرهای نامطلوبی که هر کدام می‌توانند چشم‌انداز اقتصاد ایران را تیره و تار جلوه دهند. البته در یک سال گذشته برنامه‌ریزان اقتصادی سعی کرده‌اند تا حد زیادی مسیر اقتصاد ایران در ۸ یا ۹ سال گذشته را ترمیم کنند. بازگشت تورم از نقطه اوج، حرکت مثبت رشد اقتصادی و باز شدن آرام گره رکود نتیجه عملکرد مدیران اقتصادی در یک سال گذشته است، اما برای آن‌که بدانییم شکل گرفتن دوباره امید در اقتصاد ایران از دل چه بن‌بست‌های اقتصادی بیرون آمده است، بد نیست که هر از گاهی به شاخص‌های اقتصادی که طی سال‌های گذشته شکل گرفته‌اند، نگاه کنیم. این بررسی باعث می‌شود که بدانییم چرا برخی از مشکلات موجود نیز به‌سادگی بر طرف نمی‌شوند و ریشه تلنبار شدن آن‌ها در زمان حاضر چیست. بدهی دولت در کل و بدهی دولت به بانک‌ها در جزء یکی از مولفه‌هایی است که به‌خوبی دلیل سخت بودن عبور از روی بسیاری از مشکلات به ارث‌رسیده اقتصادی را نشان می‌دهد. چند ماه پیش احمد میدری، استاد دانشگاه و معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد که از سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۱ هزینه‌های جاری دولت از ۴۴ هزار میلیارد تومان به ۱۰۱ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. بدین ترتیب در دوره فوق هزینه‌های جاری دولت سالانه ۱۸ درصد رشد کرده است. بدون آن‌که دولت بتواند مولدگرایی را درون خود و در کل اقتصاد افزایش دهد، این روند، بدهی‌سازی درون دولت را تقویت کرده است.

براساس آمار منتشرشده بانک مرکزی بدهی دولت به نظام بانکی از ۲۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۴ به ۵۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۸۹ رسیده است. به‌تازگی نیز روزنامه تعادل با استفاده از اطلاعات موجود نشان داده است که رقم کل بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی شامل بانک‌ها و بانک مرکزی از رقم ۲۳۵۹۴ میلیارد تومان از سال ۸۳ به ۱۰۸ هزار میلیارد تومان در سال ۹۲ رسیده و در این مدت ۳۵۷ درصد رشد کرده و ۴۰۶ برابر شده است. یعنی در دولت گذشته این بدهی‌ها ۸۴ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است. از سوی دیگر در طول ۱۸ ماه اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها (۱۳۸۹/۹/۲۸ تا ۱۳۹۱/۳/۳۱) ۶۲ هزار میلیارد تومان پرداخت شده است، درحالی‌که به قول احمد میدری منابع حاصل از اجرای این قانون تنها ۳۰ هزار میلیارد تومان بوده است. اظهارات طلبکاران مانند سازمان تامین اجتماعی، سازمان بازنشستگی کشور، شهرداری‌ها، پیمان‌کاران طرح‌های عمرانی مانند برق و راه و نفت و صادرکنندگان حکایت از آن دارد که بدهی دولت حداقل ۳۰ و حداکثر ۶۰ هزار میلیارد تومان است. این ارقام تا حدی ریشه مشکلات اقتصادی در حال حاضر و ریشه وابستگی‌های اقتصادی دولت قیل به بدهی‌های مختلف را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد در حال حاضر به یک غده در اقتصاد ایران تبدیل شده است. باز کردن پرونده این بدهی‌ها بیشتر به این خاطر است که نگاهی به بدهی‌های دولت به سیستم بانکی در چند سال گذشته بیندازیم، آن هم به خاطر این‌که

روند بدهی بخش دولتی در سال‌های ۹۲ - ۱۳۸۳

شاخص	بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی	بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی	بدهی بخش دولتی به بانک‌ها	بدهی بخش دولتی به شرکت‌های دولتی به بانک‌ها	بدهی بخش دولتی به شرکت‌های دولتی به بانک‌ها	بدهی بخش دولتی به شرکت‌های دولتی به بانک‌ها	بدهی بخش دولتی به شرکت‌های دولتی به بانک‌ها
۱۳۸۳	۲۳۵۹۴	۱۲۳۲۶	۱۰۳۵۷	۳۶۷۹	۶۶۷۸	۹۵۶۷	۱۴۴
۱۳۹۱	۹۱۰۳۵	۳۱۴۲۷	۵۹۶۰۸	۵۶۷۳۷	۲۸۷۰	۱۸۸۰۰	۲۷۴۶۸
۱۳۹۲	۱۰۰۷۹۲۴	۳۳۳۶۰	۷۴۵۶۴	۷۱۲۴۹	۳۳۱۴	۲۱۸۱۷	۳۳۲۰۲
افزایش از ۸۳ تا ۹۲	۸۴۳۳۰	۲۰۱۲۴	۶۴۲۰۷	۶۷۵۷۰	۳۳۶۴۰	۱۲۲۵۰	۲۳۰۵۸
درصد رشد	۳۵۷	۱۵۲	۶۲۰	۱۸۳۶	۵۰۰	۱۲۸	۲۲۹۵۷

ارقام به میلیارد تومان و درصد

اهمیت سرمایه گذاری در صنعت نفت و گاز ایران

ملیکا حسن پور (کارشناس ارشد مهندسی شیمی)



ایران به عنوان یکی از بزرگترین دارندگان ذخایر نفتی و گازی در دنیا شناخته شده است. براساس طبقه‌بندی انجام‌شده توسط Oil & Gas Journal در ژانویه ۲۰۱۴، ایران از نظر ذخایر نفتی با ذخیره ۱۵۷ میلیارد بشکه نفت خام بعد از ونزوئلا، عربستان و کانادا در رتبه چهارم و از نظر ذخایر گازی با ذخیره حدود ۱,۱۹۳ تریلیون فوت مکعب (۳۳,۷ تریلیون متر مکعب) گاز بعد از روسیه در مقام دوم دنیا قرار دارد. در حال حاضر، بخش قابل ملاحظه‌ای از مجموع انرژی‌های مصرفی جهان توسط منابع هیدروکربوری تامین می‌شود که گاز به عنوان پاک‌ترین سوخت حرارتی با قابلیت تبدیل شدن به انواع سوخت مایع و خوراک واحدهای پتروشیمی در تولید محصولات با ارزش افزوده بالا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در بخش نفت، حدود ۱۰ درصد از ذخایر دنیا و ۱۳ درصد از ذخایر اوپک در ایران قرار دارد که از این میان، ۷۰ درصد در خشکی در مناطق مرکزی و زاگرس و ۳۰ درصد نیز در حوزه دریای خزر و خلیج فارس واقع شده است. حداقل ۱۵ مخزن نفتی مشترک بین ایران و کشورهای عراق، عربستان، قطر، کویت، امارات و عمان وجود دارد که در این بین، مخازن مشترک واقع در خشکی در هم‌جواری کشور عراق و سایر مخازن مشترک نیز در خلیج فارس و دریای عمان واقع‌اند. همچنین میزان ذخیره نفت ایران در دریای خزر حدود ۵۰۰ میلیون بشکه برآورد شده است که متأسفانه تاکنون به دلیل وجود اختلافاتی با کشورهای همسایه شمالی عملیات بهره‌برداری و توسعه آن انجام نشده است. وجود پالایشگاه‌های نفت بزرگی نظیر آبادان، اصفهان، بندرعباس، تهران، اراک، تبریز، شیراز و کرمانشاه با مجموع ظرفیت پالایشی حدود ۲ میلیون بشکه نفت خام در روز معادل ۲,۱ درصد کل ظرفیت پالایش نفت جهان در سال ۲۰۱۳، ایران را در رتبه یازدهم در دنیا قرار داده است. این در حالی است که در همین سال، آمریکا با ظرفیت ۱۷,۸ میلیون بشکه در روز، چین با ظرفیت ۱۲,۵ میلیون بشکه در روز و روسیه با ظرفیت ۶ میلیون بشکه در روز پالایش نفت خام به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم از این حیث قرار گرفته‌اند. لازم به ذکر است، از میادین نفتی علاوه بر برداشت نفت، گازهای همراه و محلول در نفت نیز بعد از جمع‌آوری و جداسازی به عنوان محصولات با ارزش قابل استفاده هستند.

در بخش گاز نیز ایران با ذخیره حدود ۱,۱۹۳ میلیارد فوت مکعب گاز و ۱۷ میلیون بشکه میعانات گازی بعد از روسیه در مقام دوم قرار دارد. بر اساس گزارش‌های موجود، ایران دارای ۱۷ درصد از ذخایر گازی دنیا و یک‌سوم ذخایر گازی ایک است. از میان میادین گازی، میدان گازی پارس جنوبی یکی از بزرگ‌ترین منابع گازی مستقل جهان است که روی خط مرزی مشترک ایران و کشور قطر در خلیج فارس و به فاصله ۱۰۰ کیلومتری ساحل جنوبی ایران قرار گرفته است. درحال حاضر با بهره‌برداری کامل ۱۰ فاز از ۲۴ فاز اجرایی‌شده میدان گازی پارس جنوبی، ظرفیت تولید روزانه به حدود ۲۸۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی، ۴۳۶ هزار بشکه میعانات گازی و ۱۴۰۰ تن گوگرد رسیده است. بقیه فازهای این میدان گازی نیز در

حال توسعه است که با تکمیل آن‌ها ظرفیت روزانه تولید گاز طبیعی به حدود ۸۰۰ میلیون متر مکعب، ۱,۲ میلیون بشکه میعانات گازی و ۵۰۰ تن گوگرد خواهد رسید. در میادین گازی از گاز استخراج‌شده، علاوه بر تولید گاز طبیعی قابل انتقال به خطوط لوله شبکه سراسری گاز شهری و تزریق در میادین نفتی جهت ازدیاد برداشت، می‌توان فرآورده‌هایی نظیر گاز مایع‌شده، گاز فشرده‌شده با هدف سهولت در انتقال گاز، انواع سوخت طی فرایند جی‌تی‌ال و انواع سوخت از میعانات گازی همراه گاز استخراجی در پالایشگاه‌های میعانات گازی را تولید کرد.

با توجه به مطالب ارائه‌شده، باوجود سهم قابل توجه ایران در چندین میدان مستقل و مشترک از ۳۵ میدان هیدروکربوری خلیج فارس با مزیت نزدیکی مراکز تولید نفت و گاز ایران به آب‌های بین‌المللی، متأسفانه در چند سال اخیر به دلیل اعمال تحریم‌های بین‌المللی و به دنبال آن کاهش تجارت در زمینه نفت و گاز، عدم حضور سرمایه‌گذاران خارجی، عدم دسترسی به دانش فنی و تجهیزات مورد نیاز، روند تولید نفت خام با سیر نزولی (کاهش ۶۰ درصد در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۱۲) و تولید گاز طبیعی با شیب بسیار ملایم صعودی و پایین‌تر از حد مورد انتظار (رشد ۰,۸ درصد در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۱۲) بوده است. مبتنی بودن اقتصاد ایران بر درآمدهای نفتی و تأثیرات آن بر شاخص‌های اقتصادی کشور، اهمیت توجه به درآمدهای حاصل از این صنعت را دو چندان کرده است. از سویی تأثیر در میزان تولید ناخالص داخلی کشور، سهم درآمد در بودجه دولت و تامین منابع ارزی کشور و از طرف دیگر افزایش سرمایه گذاری ملی بر اساس افزایش درآمدهای نفتی نشان‌دهنده لزوم افزایش سرمایه‌گذاری در این صنعت جهت رسیدن به رشد اقتصادی مطلوب در کشور است تا علاوه بر تامین خوراک صنایع پایین‌دستی و رونق تولید، موجب افزایش اشتغال‌زایی در کشور شود. به

دلیل اهمیت جایگاه صنعت نفت و گاز در اقتصاد ایران، در بسته اقتصادی دولت با عنوان «سیاست‌های اقتصادی دولت برای خروج غیرتورمی از رکود» توجه به سرمایه‌گذاری در این صنعت در یکی از بخش‌های این بسته مطرح و در آن بر افزایش ظرفیت تولید و پالایش نفت و گاز و فرآورده‌های آن‌ها با اولویت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب جهت بهره‌برداری از میادین مشترک، به خصوص میدان نفتی غرب کارون و میدان گازی پارس جنوبی، تأکید شده است. زیرا با بهره‌برداری یک‌جانبه کشورهای همسایه از میدان‌های مشترک، کاهش افت فشار در بخش بهره‌برداری‌شده موجب می‌شود تا درصد ذخایر بیشتری به محل برداشت کشور همسایه هدایت شود و به این ترتیب تا تأخیر در بهره‌برداری از میادین مشترک، علاوه بر کاهش سهم ایران، نیازمند صرف هزینه بالاتری جهت استخراج نیز خواهد بود.

بنابراین با توجه به وجود ذخایر عظیم نفت و گاز کشور، قرارگیری در محل تلاقی سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و دسترسی به آب‌های بین‌المللی، ایران می‌تواند به یکی از قطب‌های قدرت انرژی در جهان تبدیل شود، که این امر با سرمایه‌گذاری مناسب در تولید و استخراج منابع نفتی و گازی مقدور است و گام نهادن در این صنعت استراتژیک علاوه بر مزیت‌هایی همچون ایجاد درآمدهای ارزی، توسعه صنایع تکمیلی مرتبط و تکمیل زنجیره ارزش محصولات صنایع پتروشیمی در اشتغال و کارآفرینی و حل بسیاری از مشکلات کشور نقش اساسی دارد.

منابع:

U.S. Energy Information Administration (www.eia.gov) - ۱

Statistical Review of World Energy ۲۰۱۴ (www.bp.com) - ۲

۳- سایت ویکی پدیا، منابع نفتی و گازی ایران

۴- سایت‌های اینترنتی مرتبط با نفت و گاز

قصه‌های فصل برگ‌ریزان

شرمین نادری

مهر که می‌آید، یاد باز شدن مدرسه می‌افتیم؛ کلاس‌های دانشگاه، روزهای ابری خوب و برگ‌های پاییزی. اصلاً انگار جهان از نو زنده می‌شود، نه درختان خواب‌آلودش که مردمش، داستان‌هایش که همه از رخوت تابستانی می‌گریزند و به چنگ خزان خوش‌رنگ می‌افتند. داستان‌های آشناست، همان مبحث گذر زمان، همان تکرار اتفاقات قدیمی تاریخ، همان روزهای تکراری، از پس که تاریخ ما همیشه زنده و قصه‌هایش ماندگارند. حال چه بهتر که این قصه‌ها قصه مردم حقیقی باشند و تاثیرگذار مثل قصه باز شدن دانشگاه فنی به دست دکتر حسابدی در مهر ۱۳۱۳ یا حتی قصه پخش اولین برنامه تلویزیون ملی ایران، ۵۶ سال پیش، رأس ساعت پنج عصر یک روز پاییزی خوب. پس از میان این همه قصه، چند قصه را انتخاب کردیم برای گفتن، تا شاید خوب بشنویم و روزگار تازه‌مان رنگ دیگری بخورد، نه از سنگینی پندشان که از حیرت دیدن چرخه جهانمان که هی دور خودش می‌چرخد و هی می‌رسد به نقطه اول، به پاییز.

بر تخت نشستن ناصرالدین شاه و اعطای لقب اتابک اعظم به امیر کبیر

۲۸ مهر ۱۲۲۷ خورشیدی ناصرالدین شاه ۱۶ ساله به تخت می‌نشیند و رسماً تاج‌گذاری می‌کند و بعد هم به کوری چشم مادری که ۴۵ روز حکومت کرده و غریبه و آشنا را سرجا نشانده تا پسرش سر برسد، معلمی متبرع و مردی بزرگوار را که به گردنش حق پدری دارد، اتابک اعظم می‌کند. بقیه داستان آشناست. مهدعلیا که ۴۵ روزی برای خودش روی تخت نشسته تا پسر نوجوانش با کاروان ولایت‌دهی از تبریز برسد و برای خودش وزیری هم دست و پا کرده، نمی‌تواند محبت پسرش را به عاقله‌مردی که می‌خواهد مدرسه بسازد و روزنامه راه بیندازد و آبله‌کوبی کند و دست خانواده قاجار را از ثروت کوتاه کند، طاقت بیاورد. شروع می‌کند به موش‌دوانی و چوب لای چرخ گذاشتن. هفته‌ای یک بار خواب می‌بیند که امیرکبیر تاج از سر پسرش برداشته هفته‌ای دوبار خودش را به مریضی می‌زند و خلاصه کاری می‌کند که شاه توی خانه حبسش می‌کند و سعی می‌کند چشم روی این همه کینه ببندد، گرچه نمی‌تواند. چون این وسط میرزا آقاخان نوری هم هست که به نوعی هم دست‌پرورده مهدعلیاست و هم چرب‌زبان و مخلص‌فرنگی‌ها و به قول سفیر انگلیس همان کسی که در زمان محمد شاه، شوهر همین مهدعلیا، به خاطر اختلاس و دستبرد چوب خورده و تبعید شده و با وساطت مهدعلیا برگشته و تعلق‌خاطری دارد به مادر شاه. پس چرخه تقدیر می‌گردد و می‌گردد و قرعه به نام آقاخان نوری می‌افتد، و امیرکبیری که شاه جوان خالصانه دوستش دارد و حتی خواهرش را به همسری‌اش می‌دهد شاید که دل مادر را نرم کند، از چشم می‌افتد. ۲۸ مهر آغاز ۵۰ سال سلطنت است. سعد قران که به نحس قران منتهی می‌شود و شاهی که در ۱۶ سالگی با چشم پرمحبت خلعت وزارت به وزیرش می‌دهد تا به جایی پیش می‌رود که حکم مرگ همین وزیر را می‌دهد و خواهرش را بیوه می‌کند و خواهرزاده‌هایش را بی‌پدر. بعد هم ۵۰ سال دیگر پادشاهی است و هزارویک آدم و لقب و داستان و دست‌آخر هم طوماری که به دست وزیری دیگر پیچیده می‌شود. هر چه باشد، دنیا دار مکافات است و این را فرشتگان روز ۲۸ مهر خوب می‌دانند.

«جناب امیرنظام

به خدا قسم امروز خیلی شرمنده بودم که شما را ببینم، من چه کنم؟ به خدا ای کاش هرگز پادشاه نبودم و قدرت

نداشتم چنین کاری بکنم. به خدا قسم حالا که مشغول نوشتن این کاغذ هستم، گریه می‌کنم. به خدا قلب من شما را آرزو می‌کند. اگر باور نمی‌کنید و بی‌انصاف نیستید، من شما را دوست دارم. بیگلر بیگی آمد و از حرف‌های او فهمیدم شما بیم دارید که این اوضاع به کجا خواهد انجامید؟ چه کسی می‌تواند یک لحظه حرفی علیه شما بزند؟ به خدا قسم اگر کسی در حضور من و چه پیش اشخاص دیگر یک کلمه بی‌احترامی درباره شما بکند - پدر سوخته‌ام - اگر او را جلوی توپ نگذارم و به حق خدا هیچ نیستی جز این ندارم که من و شما یکی باشیم و باهم به کارها برسیم. به سر خودم اگر شما غمگین باشید، به خدا نمی‌توانم تحمل غمگینی شما را بکنم و تا وقتی که شما هستید و من زنده‌ام، دست برنخواهم داشت.»

سوگند محمدعلی شاه به وفاداری به مشروطیت

۱۹ مهر سال ۱۲۸۶ شمسی محمدعلی میرزا که دیگر محمدعلی شاه شده بود، در صحن علنی مجلس قسم به



۲۸ مهر ۱۲۲۷ خورشیدی ناصرالدین شاه به تخت می‌نشیند

وفاداری به مشروطیت خورد؛ آن هم چه قسمی، قولی که چند ماه هم نتوانست بر آن بماند، هرچند در تمام مدت ولایت‌دهی ۳۵ ساله‌اش، حساسی قیافه مشروطه‌خواهی و مردم‌دوستی گرفته بود و تصویری برای خودش ساخته بود قشنگ‌تر از خود حقیقی‌اش، حالا چه نماینده‌های مجلس مشروطه بی‌سواد و متعصب به مشروطه بودند، آن‌طور که محمدعلی شاه گفت، چه محمدعلی شاه از تکمیل علوم و کمالات منحرف بود، آن‌طور که ناظم‌الاسلام کرمانی نویسنده تاریخ مشروطه گفته بود، فرقی نمی‌کند، زیرا درست یک سال بعد از روزی که نماینده‌های مجلس مشروطه به استقبال شاه تازه رفتند، همان شاه مجلس را به توپ بست و از همان مجلس اولین تیر به سمت سربازان شاه شلیک شد.

تاریخ می‌گوید نماینده‌ها پیش از این باید می‌دانستند این قول قول نیست، زیرا پادشاهی که حتی نماینده‌های مجلس را به مراسم تاج‌گذاری‌اش دعوت نکرده بود، کسی را شریک سلطنتش نمی‌کرد. البته بعضی از اهالی تاریخ حرف جالب دیگری در این باره می‌زنند؛ این که مسئولیت دعوت نکردن نمایندگان مستقیم بر گردن مشیرالدوله بود و روح محمدعلی شاه از این ماجرا خبر نداشت. حالا کدام آدم عاقلی باور می‌کند که بزرگان مملکت دست به کاری بزنند که جناب شاه قجرش بی‌خبر باشد؟

خلاصه بگویم که داستان جشن تاج‌گذاری محمدعلی، دعوت نکردن نماینده‌ها، پول‌هایی که قرض می‌گرفت و نمی‌داد و مخالفت پنهان و آشکارش با مشروطه و آن کلنل لیاخوف روسی که با افسرهای قزاقش مجلس را به توپ بست، داستانی پر از آب چشم است و اگر خوب فکر کنیم، این داستان از همان مهری شروع شد که شاه به مجلس رفت و قسم وفاداری خورد. به قول ناظم‌الاسلام کرمانی همان شاهی که «از مجالست اخبار و ابرار منصرف و از تکمیل علوم و کمالات منحرف. با اشخاص رذل جلیس با ناکسان انیس. مردمان پست و شریر و اوباش و الواط را طرف وثوق و اعتماد خویش قرار داد. به کارهای زشت عادی شد...»

گشایش نخستین نشریه زنان به دست دکتر کحال

اولین مجله زنانه ایران در چهارم مهر ۱۲۸۸ شمسی توسط خانم دکتر کحال که از اولین زنان پزشک ایرانی هم بوده، منتشر شد؛ مجله‌ای که به قول مدیرش قرار نبود از پلتیک

و مملکت‌داری سخنی براند، فقط همان دانش بود و مسئله «حفظ الصحة» خانه و اطفال و بعد هم روش‌های مبارزه با انواع وبا، توضیح درباره انواع وبا، بهداشت دندان، بهداشت چشم و گوش و دهان، اسهال، جوع، سوختگی، برنشیت و... دانش به انتقاد از طب سنتی ایران می‌پرداخت و در مذمت استفاده از شکسته‌بندها برای درمان می‌نوشت: «این را بدانید اطمینانی که به واسطه علم تمام اسباب و آلات بدن انسان مثل آینه در جلو چشمشان است، همه ایشان شکسته‌بستی را به‌خوبی نمی‌دانند. قصاب و حمامی و بعضی شکسته‌بست‌های اسمی بی‌علم چگونه می‌توانند عضوی را جابیندازند، البته بدتر خواهند کرد.»

جالب‌ترین بخش این جریده هم البته مدیریت زنانه‌اش بود زیر نظر خانم دکتر کحال که به قول خودش مجله را به ارباب ذوق تقدیم می‌کرد. «این کمینه خانم دکتر صبیحه مرحوم میرزا محمد حکیم باشی جدیدالاسلام این جریده موسوم به دانش را علی‌الحساب هفته‌ای یک نمره تقدیم ارباب ذوق و دانش می‌سازم.»

این نشریه به صورت هفتگی از ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ هـ تا ۲۷ رجب ۱۳۲۹ هـ در ۳۰ شماره ۸ صفحهای انتشار یافت و دروازه‌ای شد برای ورود خانم‌ها به عرصه روزنامه‌نگاری.

پایان قیام کلنل پسیان

روز پانزدهم مهر ۱۳۰۰، در مراسم تدفین کلنل، در شلوغی تجمع ژاندارم‌های هواخواه و مردمی که اشک می‌ریختند، شعری از عارف قزوینی شنیده شد، که بعدها در مقبره نادری مشهد، سنگ مقبره کلنل محمدتقی خان پسیان می‌شود؛ جوانی که مرگش در ۳۰ سالگی، نابودی خیلی از استعدادها و توانایی‌های مردی را به همراه داشت که ذاتا رهبر بود. او با کمی مدارا و گفت‌وگو می‌توانست زنده بماند و در پیشرفت ایران سهمی بیشتر داشته باشد، نه این‌که به‌عنوان یاغی به حکومت قاجار به خاک سپرده شود و در حکومت پهلوی نامش از فرهنگ دهخدا حذف شود و عزاداری‌اش ممنوع اعلام شود و گفتن اسمش جرم باشد برای آدم‌هایی مثل عارف قزوینی که شوریده‌سر کلنل و آرزوهای انقلابی‌اش بود و بعدها ترانه «گریه کن» را در کنسرتی پرورد با رهبری ارکستر شکرالله قهرمانی در تئاتر باقراوف تهران اجرا کرد.

«گریه کن که گر سیل خون گریه ثمر ندارد/ ناله‌ای که ناید ز نای دل اثر ندارد/ هرکسی که نیست اهل دل زدل خبر ندارد/ دل ز دست غم مفر ندارد/ دیده غیر اشک تر ندارد/ این محرم و صفر ندارد.» تاریخ می‌گوید اما پسیان را در ۱۰ مهر ۱۳۰۰ به نامردی کشتند؛ مردی که افکار آزادی‌خواهانه داشت، حتی خودش تبریزی بود و از اهالی مشروطه و مدرسه نظام رفته بود و در همدان با روس‌ها تا سر حد مرگ جنگیده بود و با هر جریانی که دست قاجار را از ایران کوتاه می‌کرد، همراه بود. برای همین هم بود که وقتی سید ضیاءالدین طباطبایی به کمک انگلیس‌ها و سرکردگی رضا خان میرپنج کودتا کرد، بلافاصله با دولت مستعجل او همراه شد و قوام را که سید ضیا را آقای مدیر مسئول روزنامه خوانده بود، نه وزیرالوزرا، دستگیر کرد. اما خودمانیم وقتی پسیان فرنگ‌رفته و دوره‌دیده با عنوان اولین خلبان ایران و قهرمان جنگ جهانی اول، رئیس ژاندارمری خراسان شد و بریز بیاش قوام والی خراسان را دید، ترش کرد و این‌جا و آن‌جا از لزوم کوتاه کردن دست فلان‌السلطنه‌ها و سخت‌گیری با کارپردازان شکم‌پر دستگاه جناب والی حرف زد و قوام را رنجاند.

این وسط سید ضیا نخست وزیر قدرتمندی نبود و والی‌های مقتدری مثل مصدق‌السلطنه یا همان مصدق سال‌های بعد به رسمیت نمی‌شناختندش و والی‌هایی مثل قوام دشمنش بودند.



کلنل پسیان

برای همین هم بود که کل مجاری این دولت سه ماهی طول کشید و بالاخره اول احمد شاه، سید ضیا را عزل کرد و راهی فرنگ کرد و وزیر دربار را به زندان عسرت‌آباد فرستاد به خدمت قوام که بیا و نخست وزیر ما بشو. جناب قوام هم قبول کرد و حکم خودش را بعد از چهار ساعت مذاکره در هشتم خرداد ۱۳۰۰، با خط خوش نوشت و تقدیم احمد شاهی کرد که دیگر نمی‌دانست با این وضع وارونه ایران چه کار کند که جان سالم به در ببرد. حالا دیگر قوام مانده بود و کینه شتری که از مرد جوان داشت. برای همین هم بود که کارهایی که پسیان در خراسان کرده بود، از گرفتن مالیات از شازده قجری‌ها و رسیدگی به بدبختی‌های مردم و مدرسه ساختن و سیلو ساختن و بانک ساختن و کنسرت و تئاتر در آوردن به نفع حکومت خراسان و مردم، بغیر تا تشکیل کمیته عدالت و قضاوت منظم قانون‌مند، همه و همه وقتی اسم تجزیه‌طلبی و خودسری رویش آمد، کم‌رنگ شد. کردهای قوچان و عشایر وطن‌پرست که از جریانات پشت پرده و داستان‌های واقعی بی‌خبر بودند و حرف حکومتی‌های خائن را باور می‌کردند، علیه او و به نفع دولت قوام و رضا خان سردار سپه‌اش قیام کردند. این وسط ۱۰۰۰ تفنگدار قوام در سبزوار خلع سلاح شدند و مصمص بختیاری حاکم انتصابی دولت و سیاست‌بازی‌هایش برای کنترل اوضاع به درد نخورد و باز هم کلنل و ژاندارم‌های وفادارش خاری بودند توی چشم قاجار که یک‌باره با چند شورش آزادی‌خواهی روبه‌رو شده بودند؛ بابا اردبیلی در زنجان، میرزا کوچک خان و خالو قربان و احسان‌الله خان در رشت و انزلی و لاهیجان و لنگرود.



۲۴ مهر ۱۳۳۱ دکتر مصدق در مجلس پایان روابط دو کشور ایران و بریتانیای کبیر را اعلام کرد

می‌گویند حتی دولت قوام به پسیان پیشنهاد مذاکره هم داد. گفتند حتی کلنل حقوق دو سالش را برادرار و با یار غارش مازور اسمعیل خان راهی فرنگ شود و امور ایالت را به تولیت آستان امام هشتم (ع) واگذار کند، به همه افسران ژاندارم و دولتی‌ها تامین داده شود و ایلانی‌ها کلنل را تا مرز همراهی کنند. اما پسیان نپذیرفت، هرچند شاید می‌دانست به این مذاکره هم امیدی نیست.

این وسط اما سردار معزز خان بجنوردی، والی بجنورد، همان کسی بود که به درد قوام خورد، چون شجاع‌الملک رئیس ایل هزاره، شوکت‌الملک والی قائنات و سید حیدر، روسای طوایف سریری و سالار خان بلوچ را دور هم جمع کرد و درست در زمانی که با پادرمیانی شوکت‌الملک همه چیز داشت به‌خوبی پیش می‌رفت و پسیان حاضر به مذاکره شده بود، با فرمان مستقیم قوام طومار پسیان و قیامش در هم پیچید.

چون کردهای قوچانی پاسگاه قوچان را گرفتند و کلنل به قصد سرکوب از گنابادی که برای مذاکره رفته بود، به قوچان رفت و در نزدیکی شهر در جایی به نام جعفرآباد با سیل جمعیت ایل‌های مخالف روبه‌رو شد، با تفنگ و شصت‌تیرش تا آخرین نفس جنگید و مرگ هم‌قطارهایش را دید و دست‌آخر مهماتش تمام شد و کشته شد. سران قبیله قوچانی که در اصل به عشق ایران و به نام ایران با برادری ایرانی جنگیده بودند، سرش را جدا کردند و به نماینده‌های سردار سپه تحویل دادند. در روز نهم مهر ۱۳۰۰، درست مثل پایان داستان میرزا کوچک جنگلی، برادری کور شد و به جان برادر افتاد.

اعلام قطع روابط ایران و انگلیس توسط دکتر مصدق در صحن علنی مجلس

۲۴ مهر ۱۳۳۱ همان روزی است که دکتر مصدق در مجلس پایان روابط دو کشور ایران و بریتانیای کبیر را اعلام کرد و چند روز بعد هم به همت وزیر خارجه‌اش بساط معاهدات نفتی و حتی اهالی سفارت انگلیس را از ایران برچید. تاریخ می‌گوید که خود مصدق بارها در مصاحبه‌ها و نوشته‌هایش گفته بود که ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی بود که پیشنهاد آن را حسین فاطمی داده. قدم‌های اولش هم لابد در بستن سفارت انگلیس و بیرون راندن انگلیسی‌ها بود از پایتخت که البته بعدها به‌عنوان گناه به گردن فاطمی گذاشتند و پرونده‌اش را بستند. اما فاطمی در درجه اول یک روزنامه‌نگار بود و خیلی خیلی بی‌باک و خیلی خیلی یک‌دنده و از هیچ چیز نمی‌ترسید؛ نه از زندان و نه اعدام. و همین شد که در هشتم مهر ۱۳۳۲ مستقیماً دستور خاموش کردنش را دادند. سندی به شماره «fo ۳۷۱/۱۰۴۵۸۴» در اینتلجنت سرویس انگلستان هست، آن هم به تاریخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۳ که این قصه تلخ را افشا می‌کند؛ سندی که سال‌ها بعد به خواست خود کشور انگلیس عمومی شد.

«تا آن جایی که از مطالب روزنامه‌ها استنباط کردم، اوضاع آن‌قدرها هم بد پیش نمی‌رود... مصدق مشکل ایجاد خواهد کرد، با توجه به این که در حمام خون کشته نشد، به نظر من بهترین راه‌حل برای او تبعید است، اما در مورد فاطمی اگر دستگیر شود، بهترین راه‌حل اعدام است.»

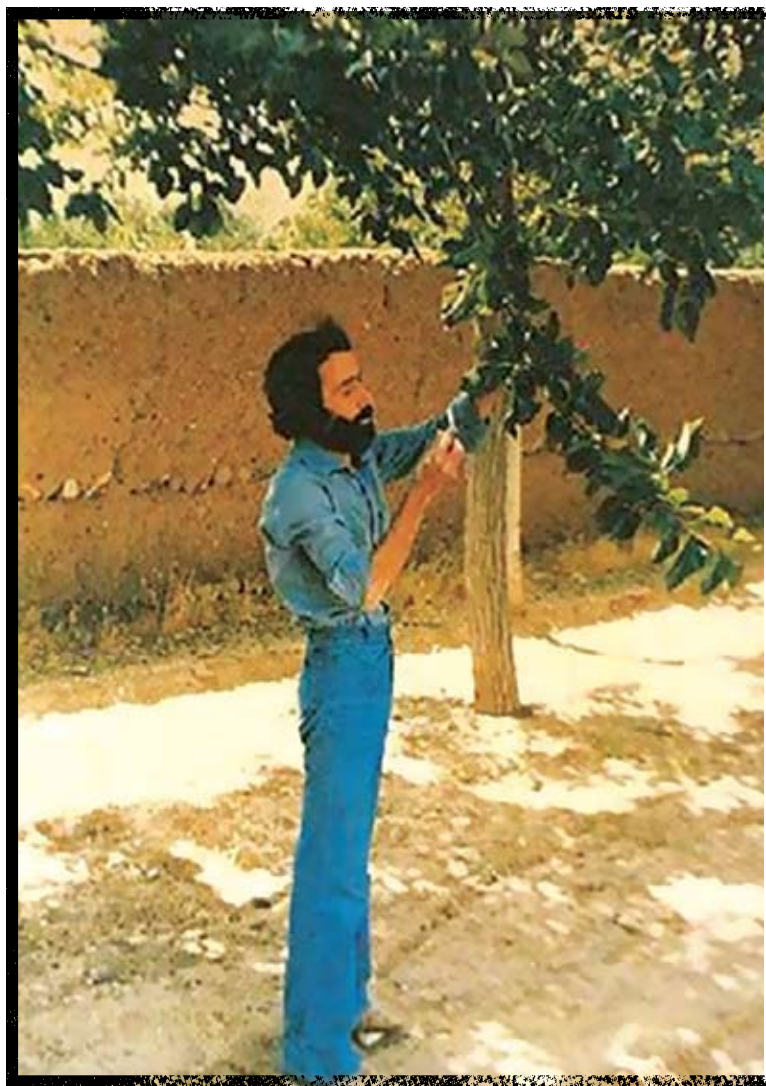
تاریخ می‌گوید همین سند که بعضی‌ها می‌گویند ادبیات شخص چرچیل را دارد، پرونده پسر بااستعداد خانواده فاطمی را که به قول برادرش دکتر سیف‌الله پورفاطمی یک‌دنده و بی‌باک بود، پیچید.

هرچند در مهر آن سال تلخ، درست در زمانی که حکم اعدامش به‌طور غیابی توسط اعضای سرویس مخفی انگلیسی صادر می‌شد، در خانه طرفدارانش در محله امام‌زاده قاسم شمیران پنهان بود. اما چند ماهی نگذشت که با پایان تلخ داستان روبه‌رو شد و نامی سرخ بر تارک تاریخ ما بر جای گذاشت.

به بهانه سالروز تولد سهراب سپهری

آدم چه دیر می فهمد...

زمان که می گذرد، بعضی چیزها عوض می شوند؛ یک عادت و رفتار بسیار معمول و ساده، تبدیل می شود به یک حرکت ناخوشایند و حتی غیراخلاقی، یا کاری عجیب و غیرقابل باور تبدیل می شود به حرکتی زیبا. گذر زمان می تواند نگاه و دیدگاه انسان ها را تغییر دهد. در دهه ۴۰، با وجود تمام اتفاق های تاریخی اش در ایران و جهان، کسی آمد و حرف از شقایق و دوستی زد. حرف های او برای بسیاری از شاعران و نویسندگانی که در آن دوران زندگی می کردند، انگار چیز عجیبی بود؛ فکر می کردند کسی خلاف حرف های آن ها را می گوید، یا از حادثه های پیش آمده در دنیا بی خبر است! او کار خودش را کرد و کم پیش آمد که با مخالفانش بر سر این موضوع بحث کند. حالا بیش از سه دهه از آن زمان می گذرد و شعرهایش را نوجوانان می خوانند و بعضی را از بر می کنند. معرفی کردنش کار سختی است، وقتی او خودش را بهتر از هر کسی به دیگران معرفی می کند. سالروز تولدش ۱۵ مهر است، و این بهانه ای شد تا باز هم از عشق و زندگی و سهراب سپهری حرف بزنیم.



را با هم دشمن/ رایگان می بخشد نارون شاخه خود را به کلاغ». بسیاری عقیده دارند که مجموعه شعر «حجم سبز» و به ویژه شعر «نشانی» نقطه اوج کارهای سپهری است.

حمله منتقدان به سهراب!

وقتی صحبت از منتقدان و مخالفان شعر و نوع نگاه سهراب می شود، تمام نگاه ها به احمد شاملو برمی گردد! شاملو حرفی زد که بارها و بارها توسط افراد دیگری تکرار شد و هنوز هم تکرار می شود. او درباره سهراب گفت: «سر آدم های بی گناهی را لب جوب می برند و من دو قدم پایین تر بایستم و توصیه کنم که: «آب را گل نکنید!» تصور این بود که یکی مان از مرحله پرت بودیم! شاید بیشترین نقدی که به او می شد، همین موضوع بود؛ دور بودن سهراب و شعرش از اتفاق ها و حادثه هایی که در کشور و در دنیا می گذشت. سهراب تا حدودی از حضور در گردهمایی ها و جمع های هنری دوری می کرد و شعرش بیشتر از خود او

سبکی که به نظر می رسد تحت تاثیر سفرهای او به کشورهای دیگر بوده. او از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ به کشورهای فرانسه، ایتالیا، ژاپن، هند، پاکستان، افغانستان، اسپانیا، هلند و اتریش سفر کرد که از بین تمامی این ها، سفر به ژاپن و آشنایی با فرهنگ و هنر این سرزمین از اهمیت بیشتری برخوردار بوده، تا جایی که هنر حکاکی را در آن جا یاد می گیرد. سهراب در آثارش و به ویژه در مجموعه شعر «صدای پای آب» که بسیار هم مورد استقبال مردم قرار گرفت، افکار و اندیشه های خودش را به سادگی بیان می کند که در جست و جوی شهری آرمانی است؛ به دور از هر زشتی و نگاه های منفی و با انسان دوستی و عشق به تمام موجودات هستی. می توان گفت شعرهای هر شاعری به شخصیت خالقش برمی گردد؛ این موضوع درباره سهراب کاملاً صدق می کند و از آثار او می توان روحیه و حال و احوال شاعر را فهمید. برای مثال ارتباط او با طبیعت در شعر او لبریز است: «من ندیدم بیدی سایه اش را بفروشد به زمین/ من ندیدم دو صنوبر

در جست و جوی شهری آرمانی

سهراب سپهری در سال ۱۳۰۷ در کاشان به دنیا آمد و در خانواده ای بزرگ شد که زمینه پرورش و رشد علاقه و استعدادش را در شعر و هنر فراهم کرد. او در امتحان های ششم ادبی شرکت کرد و دیپلم دوره دبیرستان را گرفت و پس از آن راهی دانشکده هنرهای زیبا شد. همه ما او را با شعرهای نو و نیمایی اش می شناسیم، اما او اولین مجموعه شعرش به نام «در کنار چمن یا آرامگاه عشق» را در قالب کلاسیک نوشت که با این بیت شروع می شود: «فصل بهار است و شب ماهتاب/ ریخته بر دشت و چمن سیم ناب». او اشعار دیگری هم در این قالب نوشت، اما با شروع فصل جدید شعر (شعر نیمایی) تمامی آن نوشته ها را سوزاند. سهراب پیش از مرگش سال شمار زندگی اش را می نویسد و نکته جالب این است که در آن به اولین مجموعه شعرش اشاره نکرده و اسمی از آن نبرده! پس از آن، او به سرودن شعر نیمایی می پردازد، اما بعد از مدتی سبک و روش خودش را ادامه می دهد؛

شدند. حرف‌های ناگفته درباره او بسیار است و فرصت ما کم. در پایان خلاصه‌ای از نامه‌ای را که سهراب از نیویورک برای احمدرضا احمدی، شاعر معاصر، نوشته، با هم می‌خوانیم:

«احمدرضای عزیز، تنبلی هم حدی دارد. این را می‌دانم. ولی باور کن فکر تو هستم و سپاسگزار نامه‌هایت. من به‌شدت در این شهر تنها ماندم. آن هم در این شهر بی‌پرنده و نادرخت. هنوز صدای پرنده نشنیده‌ام (چون پرنده‌ای نیست صدایش هم نیست). در همان امیرآباد خودمان توی هر درخت نارون یک خروار جیک جیک بود. نیویورک و جیک جیک، توقعی ندارم. من فقط هستم و گاهی در این شهر گولاش می‌خورم. مثل این‌که تو دوست داشتی و برایت جانشین قورمه‌سبزی بود...»

من نقاشی می‌کنم. شعر می‌خوانم و گاه در خانه غذا می‌پزم و ظرف می‌شویم و انگشت خودم را می‌برم و چند روز از نقاشی باز می‌مانم. غذایی که می‌پزم، خوش‌مزه می‌شود به شرطی که چاشنی آن نمک باشد و یک قاشق اغماض. غذاهای مادرم چه خوب بود. تازه من به او ایراد هم می‌گرفتم که رنگ سبز خورش اسفناج چرا متمایل به کبودی است.

آدم چه دیر می‌فهمد...

من چه دیر فهمیدم که انسان یعنی عجلتا ... ایران، مادرهای خوب دارد و غذاهای خوش‌مزه و روشن‌فکران بد و دشت‌های دل‌پذیر... و همین ...»



از جریان‌ات روز دور بود! موافقان سهراب در پاسخ به این نقد می‌گویند که هر کسی از زاویه دید خودش به هر اتفاق نگاه می‌کند؛ بدون شک کسی که نگران گل شدن آب و تشنگی کبوتر است، نمی‌تواند موافق جنگ و خون‌ریزی باشد! خود سهراب که کمتر به نقدها جواب می‌داد، در جمعی دوستانه گفت: «دوست عزیز، ریشه قضیه همین‌جاست. برای مردمی که از شعرها نمی‌آموزند که نگران آب خوردن یک کبوتر باشند، آدم‌کشی در ویتنام یا هر جای دیگر امری بدیهی است. در تاریکی آن‌قدر مانده‌ام که از روشنی حرف بزنم... ولی نخواهید که این آگاهی خودش را عریان نشان دهد... من هزارها گرسنه در خاک هند دیده‌ام و هیچ‌وقت از گرسنگی حرف نزده‌ام، نه هیچ‌وقت.» به هر حال این نگاه‌های مختلف است که هنر می‌آفریند؛ اگر تمام شاعران، نقاشان، مجسمه‌سازان مانند همدیگر به یک موضوع نگاه کنند، شاید اثر خلاقانه‌ای در بین آن‌ها نبینیم. از طرفی، شعرهای سهراب آرامش‌بخش هستند و نگاه لطیف و زیبایی او تصویری زیبا به ما می‌دهد و ما را به دنیای دیگری می‌برد. محمدعلی سپانلو سال‌ها قبل در مصاحبه‌ای گفت: «انسان در میان این چهل‌ها، جنگ‌ها و آدم‌کشی‌ها گاهی

دوست دارد که صدایی نوازش‌گرانه و خردمندانه را بشنود. این صدای سهراب است. اگر او نبود، ما می‌بایست دوباره برای بعضی از لحظات خلوت خود به مولوی و نظایر آن بازمی‌گشتیم.» نکته جالب درباره منتقدان و حتی سرسخت‌ترینشان این است که بعد از آن دوران (دهه ۴۰ و اواسط دهه ۵۰)، نظرشان درباره آثار سهراب تا حدودی تغییر می‌کند! رضا براهنی در سال ۱۳۷۳ در رابطه با شعرهای سهراب و نظری که او قبلاً درباره‌اش داشت، گفت: «من در گذشته با عارف بودن در عصر ما مخالفت کرده‌ام. در آن وقت‌ها من شدیداً یک شاعر اجتماعی بودم و اعتقاد بر این بود که در چنین دورانی شاعر باید همیشه در سنگر زندگی کند و در چنین مکانی نمی‌شد شعر سهراب را تایید کرد. طبیعی است که من امروز آن‌گونه نمی‌اندیشم.»

سهرابی دیگر!

سهراب در کنار شعر، نقاشی هم می‌کرد و اتفاقاً بعضی‌ها عقیده داشتند که نقاشی‌های سهراب از شعرهایش بهتر هستند! طبع لطیف و نگاه او به طبیعت و دید شاعرانه‌اش در نقاشی‌های او به‌خوبی مشخص است. هنوز هم آثار او در حراجی‌های معتبر با قیمت‌های بالایی فروخته می‌شود. سهراب به جز شعرهایش، نوشته‌هایی هم به نثر دارد؛ این متن‌ها که حجم کمی هم دارند، در مجموعه‌ای با عنوان «اتاق آبی» منتشر

دنگ...

دنگ... دنگ...

ساعت گنج زمان در شب عمر
می‌زند پی در پی زنگ.
زهر این فکر که این دم گذر است
می‌شود نقش به دیوار رگ هستی من...
لحظه‌ها می‌گذرد
آنچه بگذشت، نمی‌آید باز
قصه‌ای هست که هرگز دیگر
نتواند شد آغاز...

زندگی

زندگی رسم خوشایندی است
زندگی بال و پری دارد با وسعت مرگ
پرسشی دارد اندازه‌ی عشق
زندگی چیزی نیست که لب طاقچه‌ی عادت از
یاد من و تو برود
زندگی حس غریبی است که یک مرغ مهاجر
دارد
زندگی سوت قطاری است که در خواب پلی
می‌پیچد
زندگی مجذور آیینی است
زندگی کل به توان ابدیت
زندگی ضرب زمین در ضربان دل ماست
زندگی هندسه‌ی ساده و یکسان نفس‌هست

ایده‌های ارزان و شیک

المیرا حصارکی

همیشه ایده‌های جذاب، نباید ایده‌های گران‌قیمتی باشند تا زیبا به نظر برسند. خیلی وقت‌ها می‌توان از چیزهای به‌دردنخور، وسایلی را درست کرد که حتی فکرش را هم نمی‌کنیم. منوال این صفحه همین‌طور است. هر بار ایده‌های بازیافتی و دکوری ساده و ارزان را با شما در میان می‌گذاریم تا شما هم بتوانید از آن بهره ببرید. کار خیلی سختی نیست و نبوغ چندانی هم لازم ندارد. تنها کاری که باید انجام داد، به خرج دادن کمی سلیقه است.



میخ‌های نجات‌بخش

خیلی وقت‌ها شده که شما از شدت شلوغی نمی‌دانید که با خرده‌ریزهای آشپزخانه چه کار کنید. برای حل این مشکل یک راهکار خوب برای شما در نظر گرفته‌ایم و به‌سادگی با استفاده از این راهکار تمام وسایل شما جمع‌وجور می‌شود. تنها چیزی که شما برای این کار احتیاج دارید، تعدادی شیشهٔ مربا و ترشی، میخ، چکش و چند پیچ است که تمام این وسایل به‌سادگی در هر خانه‌ای پیدا می‌شود. می‌توانید با این راهکار یک سروسامان حسابی به انباری و کابینت‌های آشپزخانه‌تان بدهید. با کمک میخ و چکش روی درهای ترشی و مربا سوراخ ایجاد کنید و پیچ‌ها را محکم کنید. به همین سادگی هم فضای بیشتری را ایجاد کرده‌اید و هم این‌که از شر خرده‌ریزهای اضافی راحت شده‌اید.

کنسروهای روشن

باز هم یک ایدهٔ بازیافتی، باز هم با قوطی‌های کمپوت و کنسرو. این قوطی‌ها را دور نریزید؛ می‌توانید به‌سادگی از آن‌ها وسایل جدیدی تولید کنید. چیزی مانند همین فانوس‌ها. خانه‌های امروزی یک تراس کوچک دارند؛ تراس‌هایی که با یک میز و صندلی ساده می‌تواند مکان مناسبی برای گپ زدن و معاشرت کردن باشد. اما چه چیزی می‌تواند تراس خانهٔ شما را خاص کند. این‌جاست که ایدهٔ فانوس‌های کنسروی به داد شما می‌رسد. برای ساخت این فانوس‌ها به وسایل زیادی احتیاج ندارید؛ چند میخ و چکش و چند قوطی کنسرو و رنگ. قوطی‌های کنسرو را خوب تمیز کنید، با میخ سوراخ‌های منظم در آن ایجاد کنید و زمانی که از تعداد سوراخ‌ها مطمئن شدید، آن را رنگ کنید. طرح‌های ابتکاری‌تان را پیاده کنید و بعد از تمام شدن، شمع‌ها را درون آن روشن کنید و از نور و فضای خاصی که برای خودتان ایجاد کرده‌اید، لذت ببرید.

نکتهٔ ویژه: قوطی‌ها را بعد از این‌که خوب شسته و برچسب روی آن‌ها را جدا کردید، با آب پُر کنید و داخل جایی بگذارید تا یخ بزند. با این کار وقتی دارید با میخ و چکش روی آن سوراخ ایجاد می‌کنید، دیگر قوطی شما نافرمان نخواهد شد و تغییر شکل نمی‌دهد!



سبدهای پارچه‌ای

ایده دیگری که می‌تواند شما را در جمع‌وجور کردن وسایل اضافی کمک کند، استفاده از کیسه‌های پارچه‌ای است. از این حلقه‌های چوبی گل‌دوزی در خانه پیدا می‌شود و اگر هم ندارید، تهیه کردن آن هزینه زیادی ندارد. به کمک این حلقه‌ها و چند تکه پارچه به‌سادگی می‌توانید سبدهای پارچه‌ای کارآمد درست کنید. به این ترتیب وسیله‌های کاربردی خانه در یک جا جمع می‌شود و دسترسی به آن‌ها ساده‌تر است. برای این کار چند تکه پارچه، حلقه گل‌دوزی، قیچی و نخ و سوزن احتیاج دارید. به خاطر داشته باشید که اندازه مورد نیاز پارچه به حلقه‌ای بستگی دارد که از آن استفاده می‌کنید. پارچه را دور حلقه نگه دارید و بعد از آن قیچی کنید و کیسه پارچه‌ای دست‌ساز درست کنید.



چاپ روی شلوار

شلوار نو یا قدیمی هیچ فرقی ندارد. حتی شما روی تی‌شرت و پیراهن هم می‌توانید این ایده را اجرا کنید. با تهیه رنگ‌های مخصوص پارچه که در فروشگاه‌های لوازم‌التحریر و لوازم هنری موجود است و کمی تمرین قبل از اجرای اصلی، طرح‌های اختصاصی خودتان را روی لباس‌ها و پارچه‌ها چاپ کنید. بارها شده که شلواری را سال‌ها می‌پوشید، اما ظاهر خوشش هم‌چنان حفظ شده است. با این ایده می‌توانید به‌سادگی ظاهر متفاوتی برای شلوار خود طراحی کنید، بدون این‌که مجبور به صرف هزینه زیادی شوید. نکته‌ای که باید حتما در نظر بگیرید، این است که نحوه استفاده از هر رنگ را که پشت بسته‌بندی آن چاپ شده است، به‌دقت بخوانید و دنبال کنید. سعی کنید از راه‌های ابتکاری دوری کنید!



رایحه‌درمانی

رایحه‌درمانی یا آروماتراپی یکی از شیوه‌های طب سنتی است که در آن با استفاده از عطر و بویی که از قسمت‌های مختلف گیاهان به دست می‌آورند، به درمان جسمی و روحی اشخاص می‌پردازند و در نتیجه باعث ایجاد آرامش و تامین انرژی در افراد می‌شود. در روش رایحه‌درمانی به دو شیوه از گیاهان معطر بهره می‌گیرند؛ اول، مستقیم، یعنی استنشاق عطر گیاهان خشک‌شده و دوم، روغن‌های معطر، که از عصاره همان گیاهان تهیه شده است. با توجه به این توضیحات باید حدس زده باشید که این ایده مربوط به رایحه‌درمانی است. البته با استفاده از روش اول یعنی استفاده مستقیم از گیاهان معطر. فقط باید یک بالشتک متناسب به اندازه صورت خودتان بدوزید و داخل آن را با گیاهانی معطر پر کنید. ما برای شما سه گیاه جادویی توصیه می‌کنیم که در ادامه خواص آن‌ها را خواهید خواند: اسطوخودوس: تسکین‌دهنده، آرامش‌بخش و مسکن سردرد.

بابونه: آرامش‌بخش، تقویت‌کننده اعصاب و مناسب برای خوابی راحت و آرام. بادرنجبویه: نشاط‌آور، مسکن استرس و اضطراب، موثر در درمان بی‌خوابی و بهبود سردرد.

با این روش هزینه‌های سرسام‌آور برای به دست آوردن آرامش جسم و روان در مراکز لوکس از بودجه شما به راحتی خط می‌خورد، در عین این‌که با این روش خانگی آن را به دست می‌آورید.





دستان بی پناه

شهرزاد همتی

همیشه شلوغ، کتابفروشی‌های همیشه خلوت و یک دانشگاه تک و تنها و بزرگ که آرزوی همه بچه‌های این روزهاست...

روی پله‌های سینما نشست‌ام و نگاه‌شان می‌کنم. پول‌های مچاله را روی هم ریخته‌اند و می‌شمارند. پسر کوچولوی همراه‌شان را به اسم نمی‌شناسم، هر چند دقیقه نوک دماغش را با سر آستینش پاک می‌کند و از دیدن پول‌ها لبخند پیروزمندانه‌ای می‌زند. در گوشش می‌گویم: «چه کارتونی رو از همه بیشتر دوست داری؟» همانطور که حواسش به پول‌های روی پله است، می‌گوید: «کارتون جنگی، بزن بزن.» بعد هم می‌چسبد به یکی از عابرهای بی‌حال و حوصله و دستش را در هوا تکان می‌دهد. پسر بی‌هوا تنهای به جثه نحیفش می‌زند و رد می‌شود. او که اصلاً ناراحت نیست، دمپایی‌هایش را در پایش جابه‌جا می‌کند و می‌دود وسط پیاده رو و می‌گوید: «یه فال ازم نمی‌خرین؟» دیگه می‌خوام برم خونه‌ها... می‌دانم که حالا حالاها وقت خانه رفتن نیست، هنوز مشتری‌های ثابت «کافه گودو» پیدایشان نشده.

دولت‌آباد و هزار جای دیگر به هوای یک لقمه نان و گاهی یک جامدادی جدید تا پشت در کافه‌ها کشیده می‌شوند و خریدن یک پاکت قرمز، آبی یا سبز از همین تفال‌های از سر سیری دلشان را خوشحال می‌کند.

احتمالاً نه جواد و نه فرهاد و نه خیلی‌های دیگر از آن‌ها نمی‌دانند که این روزها چقدر همه چیز برای کودکان ویژه است، چون مهر ماه مدرسه و جشن سال تحصیلی به راه است. ما در همین روزهای نه‌چندان خلوت که خیابان‌های تهران پر است از بچه‌های دانش‌آموز که با شوق و ذوق میان خیابان‌ها می‌دوند، همراه با بچه‌های فال‌فروش خیابان انقلاب، میان ماشین‌ها چرخیدیم و فال فروختنشان را تماشا کردیم. بچه‌هایی که هر از چند بار کله‌شان را کج می‌کردند و با قیافه بیخیال و صورت کثیف و خنده نخودی می‌گفتند: «یه فال دیگه هم بخر خسیس!» و تو ته دلت آب می‌شد برای بچه‌های فال‌فروش این خیابان که انگار قشنگ‌ترین خیابان دنیاست. همین خیابان انقلاب شلوغ و پلوغ را می‌گویم که پر است از کافه‌های

اگر اهل سرک کشیدن به کافه‌های حوالی خیابان انقلاب و چهارراه ولیعصر باشی، حتماً فال‌فروش‌های کوچک خیابان را به اسم می‌شناسی. جواد و فرهاد و رضا و چند تا بچه‌قد و نیم‌قد دیگر، که این روزها، همین اوایل مهر، آستین مانتو یا کت را می‌کشند و تو را می‌برند پشت مغازه لوازم التحریرفروشی کنار سینما سپیده تا برای مدرسه‌شان، که مثل همه چیز دیگرشان نصفه و نیمه است، جامدادی و دفتر فانتزی سیمی و خودکار خوشرنگ بخری. فرهاد و جواد و چند تا بچه‌قد و نیم‌قد که هر روز با همان لباس‌های تکراری اما یک لبخند تازه، صورتشان را به پشت شیشه کافه می‌چسبانند تا تو را از بین مشتریهای خسته و دل‌گیر و گاهی هم شاد پیدا کنند و تو یک ۲۰۰ تومانی تانخورده کف دستشان بگذاری و فالت را بخوانی. حالا فرقی نمی‌کند مشتری کدام کافه این حوالی باشی. چه «گودو»، چه «هنر»، چه «تمدن»، چه «گرامافون» و چه «سپاه و سفید». اما می‌دانی کافه بدون این بچه‌ها چیزی کم دارد. بدون نگاه تخس و بی‌شیله‌وپيله و گاهی خسته‌شان که از میدان شوش، کرج،

دنبال جواد از بین ماشین‌ها رد می‌شوم. جواد جلوی ماشین‌ها توقف می‌کند و فال می‌فروشد. «آقا یه دونه برای این خانمت بخر که انقد ناراحته، یکی هم برای خودت که انقد تو فکری. ببین حافظ چی می‌گه بهت...»

کاسبی بد نیست. این را می‌شود از نگاه راضیشان فهمید. از شان پرسیده‌ام که پول‌ها را چه می‌کنند. خیلی جواب درست و درمانی از این سوالم نگرفته‌ام. می‌دانم هر بسته صدتایی فال، شش‌هزار تومان قیمت دارد. یکی از بچه‌ها می‌گوید که روزی ۴۰ هزار تومان کاسب است و از این پول نهایتاً ۲۰۰۰ تومان برای خودش می‌ماند و مابقی سهم خانواده‌ای است که او نان‌آورشان است. با صدای بچگانه و لحنی مردانه و جدی در گوشم می‌گوید: «بالاخره زندگی خرج داره. مامان و آقام دستشون تنگه دیگه...»

رسیده‌ایم جلوی در کافه. بچه‌ها با همه دست می‌دهند و در کافه را باز می‌کنند و میان هیاهوی دوستانشان گم می‌شوند. سر هر می‌زی یک فال می‌گذارند و سرک می‌کشند، با همه رفیق‌اند انگار. چند روزی می‌شود که خبری از فرهاد نیست. چند باری سراغش را گرفته‌ام، می‌گویند حتماً امروز پیدایش می‌شود. جواد از کافه بیرون می‌زند و همان پسر کوچک هم به دنبالش. تمام راه را می‌دوند و مدام دمپایی پسر کوچک از پایش می‌افتد. هر بار با خنده دمپایی‌اش را به پا می‌کند و هر بار با آب‌وتاب می‌گوید: «رفتم کلاس اول؛ فک کن...» بعد با همان ذوق می‌دود داخل مغازه شیرینی‌فروشی آن طرف خیابان و میان هیاهو گم می‌شود. از پشت شیشه‌ها تماشايش می‌کنم، نان خامه‌ای در دست از کنار آدم‌های عجول می‌گذرد و به وی‌ترین شیرینی‌فروشی چشم می‌دوزد. با خنده به چند نفری فال می‌فروشد. یک نان‌خامه‌ای دیگر هم توی مشتش قایم می‌کند و دوان‌دوان آن را به دستم می‌دهد...

ساعت نزدیکی‌های هشت شب است. جواد و رفقا باید تا قبل از آن که مترو تعطیل شود، فال‌هایشان را تمام کرده باشند. می‌پرسم: «و اگر تمام نکرده باشی؟» جواد همانطور که حواسش به مشتری‌های جدیدش است، می‌گوید: «نه دیگه، اگر نداره. قرار گذاشتم با بابام و صاحب‌کارم. باید تمومش کنم.» نمی‌دانم چه می‌شود اگر فال‌های جواد تا شب تمام نشود. دسته فال‌هایش را نگاه می‌کنم. سعی می‌کنم با چشمانم تخمین بزنم. هنوز ۳۰-۴۰ تا از فال‌هایش باقی مانده. خبری نشد از فرهاد؟

«تا به حال برای خودت هم فال گرفتی؟» این را من از اول کار صد بار از جواد پرسیده‌ام. جواب نمی‌دهد. این بار می‌پرسم: «بچه جان تو خودت اصلاً حافظ رو دوست داری؟ به فالش اعتقاد داری یا نه؟» چپ‌چپ نگاهم می‌کند و می‌گوید: «خب معلومه که دارم! مگه می‌شه نداشت؟ من از فال‌های خودم فقط یکی دو بار که مشکل گنده داشتم، برداشتم و پولش رو هم گذاشتم. اما همیشه وقتی یکی فال می‌خره و می‌خونه و

ساعت نزدیکی‌های هشت شب است. جواد و رفقا باید تا قبل از آن که مترو تعطیل شود، فال‌هایشان را تمام کرده باشند. می‌پرسم: «و اگر تمام نکرده باشی؟» جواد همانطور که حواسش به مشتری‌های جدیدش است، می‌گوید: نه دیگه، اگر نداره. قرار گذاشتم با بابام و صاحب‌کارم. باید تمومش کنم

بعد می‌ذاره روی می‌ز، من برش می‌دارم و نیت می‌کنم. بعدش همیشه هم نیتم راست در میاد به جون آقام!»

جواد حالا خیلی از غزلیات حافظ را حفظ کرده. می‌پرسم بزرگ که شدی، چه کاره می‌شوی؟ همان وقتی که مشغول شمردن پول‌های آخر شب است، می‌گوید: «اگر تونستم درس بخونم، مهندس می‌شم. مهندس چی، فرق نمی‌کنه، دوس دارم پول‌دار شم. اگر درس نخونم، عمراً دست‌فروشی کنم، می‌خوام کاسب شم. مثل همین صاحب کافه‌ها که الان باهاشون رفیقم.»

تا متروی فردوسی همراهشان می‌روم و برادر کوچک جواد را که میان خواب و بیداری است، می‌بوسم و آخرین فال را به نیت شما خواننده‌های مجله برمی‌دارم. نیت کنید و برای این بچه‌ها دعا کنید.

راستی! فرهاد امشب هم نیامد...

دوش با من گفت پنهان‌کاری تیزهوش و از شما پنهان‌نشان کرد سر می‌فروش گفت آسان گیر بر خود کارها کز روی طبع



سخت می‌گردد جهان بر مردمان سختکوش
وان گهم درداد جامی کز فروغش بر فلک
زهره در رقص آمد و بربط‌زنان می‌گفت نوش
با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام
نی گرت زخمی رسد آبی چو چنگ اندر خروش
تا نگردي آشنا زین پرده رمزی نشنوی
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سروش
گوش کن پندای پسر و از بهر دنیا غم مخور
گفتمت چون در حدیثی گر توانی داشت هوش
در حریم عشق نتوان زد دم از گفت و شنید
زان که آن‌جا جمله اعضا چشم باید بود و گوش
بر بساط نکته‌دانان خودفروشی شرط نیست
یا سخن دانسته گویای مرد عاقل یا خموش
ساقیا می‌ده که رندی‌های حافظ فهم کرد
آصف صاحب قران جرم‌بخش عیب‌پوش





درس‌های از آموزگار بشریت

اعرابی: می‌خواهم همواره مورد احترام مردم قرار گیرم. پیامبر اکرم «ص»: هیچ‌گاه دست‌نیز به‌سوی مردم‌دراز مکن. اعرابی: می‌خواهم شرافتمندانه زندگی کنم. پیامبر اکرم «ص»: هیچ‌گاه شخصی را توهین و تمسخر مکن و دیگران را به دیدهٔ حقارت منظر. اعرابی: نمی‌خواهم قبر مرا در خود بفشارد. پیامبر اکرم «ص»: بر تلاوت سورهٔ مبارکهٔ «ملک» مداومت کن. اعرابی: می‌خواهم ثروتم افزون گردد. پیامبر اکرم «ص»: بر تلاوت سورهٔ مبارکهٔ «واقع» در شب مداومت کن. اعرابی: می‌خواهم در روز رستاخیز در سایهٔ رحمت خداوند بوده و ایمن باشم. پیامبر اکرم «ص»: ذکر خداوند یکتا را در شبانگاه فراموش مکن. اعرابی: می‌خواهم در نماز کاملاً با خشوع و خضوع باشم. پیامبر اکرم «ص»: همیشه در وضو گرفتن توجه و دقت داشته باش.

اعرابی: می‌خواهم همواره در سایهٔ رحمت خداوند باشم. پیامبر اکرم «ص»: با خلق خدا به نیکویی رفتار کن ... اعرابی: می‌خواهم از گزند دشمنانم در امان باشم. پیامبر اکرم «ص»: همیشه به خداوند توکل کن ... اعرابی: نمی‌خواهم دیگران تحقیرم کنند. پیامبر اکرم «ص»: مراقب رفتار با دیگران باش. اعرابی: می‌خواهم زندگی طولانی داشته باشم. پیامبر اکرم «ص»: هرگز صلهٔ رحم را قطع مکن. اعرابی: می‌خواهم رزقم فراخ گردد. پیامبر اکرم «ص»: همیشه با وضو باش. اعرابی: می‌خواهم عذاب قبر از من دور گردد. پیامبر اکرم «ص»: همواره لباس خود را پاک نگه دار. اعرابی: می‌خواهم از عذاب دوزخ در امان باشم. پیامبر اکرم «ص»: چشم و زبانت را نگه دار. اعرابی: چه کنم تا گناهانم بخشیده شود؟ پیامبر اکرم «ص»: همیشه از خداوند بر گناهانت مغفرت بخواه و در برابرش متواضع و خاشع باش.

یک مسافر خسته وارد مسجد نبوی «ص» شد و مستقیماً به نزد رسول اکرم (ص) رفت و نزدش نشست. از او پرسیده شد که از کجا آمده و مقصدش چیست؟ در جواب گفت که از راه دوری آمده و سوال‌هایی دارد. و این است پرسش‌های آن اعرابی و پاسخ‌های پیامبرگرامی اسلام (ص): اعرابی: نمی‌خواهم در نامهٔ اعمالم چیزی از عذاب نوشته شود. پیامبر اکرم «ص»: به پدر و مادرت نیکی کن. اعرابی: می‌خواهم نزد مردم به‌عنوان یک شخص امین شناخته شوم. پیامبر اکرم «ص»: همواره از خداوند بترس. اعرابی: می‌خواهم از محبان درگاه خداوند بی‌همتا باشم. پیامبر اکرم «ص»: تلاوت قرآن پاک را هر صبح و شام فراموش مکن ... اعرابی: می‌خواهم قلمم همواره روشن و منور باشد. پیامبر اکرم «ص»: هرگز مرگ را فراموش مکن ...

مولای فصل دریاها

سروده زنده یاد سید حسن حسینی

تیغ یادش ریشه‌ی اندوه و غم را می‌زند
آفتاب هستی‌اش چشم عدم را می‌زند
اینک از اعجاز او آینه‌ی من صیقلی است
طالع از آفاق جانم آفتاب یا علی است
یا علی می‌تابد و عالم منور می‌شود
باغ دریا غرق گل‌های معطر می‌شود
چشم هستی آب‌ها را جز علی مولا ندید
جز علی مولا برای نسل دریاها ندید
موج نام نامی‌اش پهلوی به مطلق می‌زند
تا ابد در سینه‌ها کوس انال‌الحق می‌زند
قلب من با قلب دریا همسرایی می‌کند
یاد از آن دریای زرف ماورایی می‌کند
اینک این قلب منو ذکر رسای یا علی
غرش بی وقفه‌ی امواج، در دریا علی
موج‌ها را ذکر حق این سو و آن سو می‌کشد
پیر دریا کف به لب آورده، یاهو می‌کشد
مثل مرغان رها در اوج می‌چرخد دلم
شادمان در خانقاه موج می‌چرخد دلم
موج چون درویش از خود رفته‌ای کف می‌زند
صوفی گرداب‌ها می‌چرخد و دف می‌زند
...

فصلی از منظومه‌ی مرداب‌ها و آب‌ها

جوانه‌های امید پیچیدند



لبریز از نور شد.

جشنی است اصلاً آن روزی که بی‌ترس از سوختن قدم بر سنگ‌فرشی از آتش می‌گذاریم و هر آن‌چه دوست داشتیم و داریم پشت سر می‌گذاریم و بی‌حس سرچرخاندنی می‌رویم، راه می‌رویم و از سوزان‌ترین روزهای عمرمان رد می‌شویم.

و می‌رسیم با امیدی آب‌گون و روشن و گرم در دل بی‌هیچ تن‌سوختنی و بی‌هیچ وابستگی و پیوستگی به چیزی و کسی جز خودش، خدایمان که انگار همیشه جایی همین دوروبر منتظر است تا هر آن‌چه عاشقانه دوست داشتیم از ما بگیرد و دوباره هدیه‌مان دهد، وقتی که فراموش کردیم تنها به عشق اوست که می‌شود از هر آتشی گذشت.

ابراهیم (ع) پسرش را به قربانگاه برد؛ پسری که وصلهٔ جاننش بود، پارهٔ تنش بود.

اسماعیل را بر تخته‌سنگی گذاشت و پیراهنش را پاره کرد تا گردن فرزندش را برای خدایی زخم‌بزند که با تمام وجود به کلامش ایمان داشت.

ابراهیم (ع) فرزندش را بر سنگ قربانگاه گذاشت، چاقو به گردن باریکش کشید و زارزار گریست، اما ته دلش، آن‌جا که جوانه‌های عشق و امید هست، نوری بود، همان اطمینانی که به لطف و بخشش پروردگارش داشت.

پس جوانه‌های امید پیچیدند و چرخیدند و تازه شدند و شکوفه زدند و خدایی که آن بالا، همین‌جا و همین دوروبر ناظر بود بر آزمون ابراهیم، خرسند شد از استواری جان و سربلندی روح پیامبرش و گذاشت که بازهم موجودی را به عشقی دیوانه‌وار دوست بدارد، اگر که مانع عشق و ایمانش به پروردگارش نیست.

پس جوانه‌های امید پر از گل‌های زیبای صحرا شدند و زمین سخت قربانگاه شکاف خورد و از ته دل سخت دشت‌ها نور روشن عشق تابیدن گرفت و زمین و آسمان سرودخوان شدند و فرشته‌های بهشتی این‌قدر بال زدند که همهٔ دنیا

چه بد رفتی و چه خوب برگشتی!

چیا فوادی

لیگ برتر جزیره مهم‌ترین و پربیننده‌ترین و جذاب‌ترین لیگ فوتبال جهان معرفی شده است. در هر حال اخبار این لیگ همیشه مورد توجه بوده و به همین دلیل رفت‌وآمد بازیکنان و نقل و انتقالات برای کسانی که این لیگ را پی‌گیری می‌کنند، خیلی مهم است. در هر حال در روزهایی که هواداران چلسی هر لحظه با یکی از بخش‌های مهم خاطراتشان خداحافظی می‌کردند، بازگشت دروگبا به این تیم برایشان شیرین بود. در این گزارش ۵ بازگشت ستاره‌های لیگ جزیره را به تیم‌های سابقشان مرور می‌کنیم.

مارک هیوز (منچستر یونایتد)

مارک هیوز با افراد دیگر حاضر در لیست کمی متفاوت است. از این جهت که در زمان بازگشت به منچستر یونایتد، هنوز لیگ برتر به وجود نیامده بود. هیوز پس از دو ماجراجویی خارجی ناامیدکننده در بارسلونا و بایرن مونیخ، در آغاز فصل ۸۹/۱۹۸۸ جذب منچستر یونایتد شد. عملکرد او در اولین فصل، خارق‌العاده بود و با وجود نهم شدن یونایتد در دسته برتر، او به‌عنوان بازیکن سال انگلیس انتخاب شد. عنوانی که طی ۷ فصل حضور دوباره در یونایتد یک بار دیگر در ۱۹۹۲ هم تکرار شد. هیوز عضو باتجربه فاتح دو لیگ برتر متوالی در ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ بود و با گل تاریخی مقابل اولدهام (در شرایط کاملاً نامتعادل که از دید بسیاری بهترین گل تاریخ یونایتد است)، به فتح جام حذفی در همین سال هم کمک کرد. او در فینال جام برندگان اروپا ۱۹۹۱، مقابل تیم سابقش بارسلونا هم گلی به قیمت قهرمانی یونایتد زد. او در نهایت پس از جذب اندی کول در ۱۹۹۵ و فروخته نشدن کانتونا به اینتر، منچستر یونایتد را ترک کرد. هیوز با این کار آخرین عضو یونایتد شد که پیش از دوران فرگوسن هم پیراهن این تیم را به تن کرده بود.



یک

دیوید بتی (لیدز یونایتد)

کمی به عقب برمی‌گردیم. دیوید بتی در زمان پیوستن دوباره به لیدز یونایتد در ۱۹۹۸، وارد چهارمین دهه از عمرش شده بود و پس از از دست دادن پنالتهی آخر انگلستان مقابل آرژانتین در جام جهانی، تنها به دلیل نقش پررنگ‌تر بکام، مورد غضب انگلیسی‌ها واقع نشده بود. دیوید آلوری او را به عنوان اولین خرید جذب کرد و تجربه حضورش در این باشگاه و قهرمانی در لیگ برتر با دو تیم متفاوت را انگیزه خوبی برای جوانان لیدز عنوان کرده بود. با وجود مصدومیت در ابتدای حضور مجدد لاند رود، بتی در پایان فصل ۱۹۹۹، عضو ثابتی از لیدز بود. مشکلات قلبی به دلیل استفاده از دارو پس از مصدومیت، او را از رسیدن به یورو ۲۰۰۰ و بازی در دور گروهی لیگ قهرمانان دور کرد. اما درخشش در بازگشت به میداین از مهم‌ترین عوامل نیل تاریخی یونایتد به نیمه‌نهایی این مسابقات بود. او در سال ۲۰۰۴ هم‌زمان با سقوط لیدز یونایتد به دسته پایین از فوتبال خداحافظی کرد.



۹۷

یورگن کلینزمن (تاتنهام)

سرمربی کنونی تیم ملی آمریکا و سرمربی سابق تیم ملی آلمان، در اولین دور حضور در تاتنهام، آن‌قدر خوب بود که از دید فوتبال‌نویسان انگلیسی به‌عنوان بازیکن سال لیگ برتر انتخاب شد. دومین حضور او در اسپرزه، کمی پیش از آغاز جام جهانی ۱۹۹۸ بود. کاپیتان آلمان بعد از یک نیم فصل بد در سامپدوریا، به صورت قرضی به اسپرزه در حال سقوط بازگشت. دو بازی اول برای کلینزمن مقابل آرسنال و یونایتد چندان خوب نبود، اما در سومین بازی، تک گل ۳ امتیازی تیمش را مقابل وست‌هم زد. او در ادامه با زدن ۸ گل دیگر، تاتنهام را از سقوط نجات داد. اوج درخشش کلینزمن در زمین ویملدون شکل گرفت. جایی که تاتنهام تا اواخر نیمه اول ۱-۲ عقب بود، اما به لطف ۳ گل با پای راست، یک گل با پای چپ و یک پاس گل با پشت پا از کلینزمن، توانست مسابقه را ۲-۶ ببرد. کلینزمن دو هفته پس از این مسابقه، مقابل ساوت‌همپتون در هفته آخر لیگ برتر به میدان رفت و پس از زدن گل مساوی تیمش برای همیشه با فوتبال باشگاهی در سطوح بالا خداحافظی کرد.



مجاهد

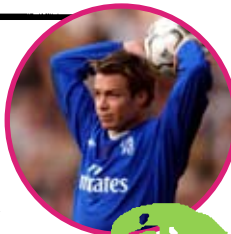
جونینو پائولیستا (میدلزبورو)

اولین حضور برزیلی کوتاه‌قامت در میدلزبورو، دو فصل بی‌نظیر و کامل بود، اما موضوعی که او را به ترک این تیم ترغیب کرد، قرار گرفتن در ترکیب برزیل برای جام جهانی ۱۹۹۸ بود. که البته اتفاق نیفتاد و جونینو برای اولین بار در سال ۱۹۹۹ قرضی به میدلزبورو بازگشت و برای یک فصل، بازی‌های خویش را تکرار کرد. او دومین بار در سال ۲۰۰۲ و این بار با پرداخت ۶ میلیون پوند به اتلتیکو مادرید، به ریور ساید بازگشت. تی (لقب جونینو به معنی میخ کوتاه زیر توپ گلف) در فصل اول خیلی زود مصدوم شد و فرصت چندانی برای درخشش پیدا نکرد، اما در فصل ۰۴/۲۰۰۳ کمک شایانی به قهرمانی میدلزبورو در جام اتحادیه کرد. هر چند او به وعده خودش مبنی بر پایان دادن دوران بازیگری در این باشگاه وفا نکرد و در همین زمان به سلتیک رفت و در بهترین روزهای بازگشتش هم بازیکن سال ۱۹۹۷ شد، اما هواداران این باشگاه در یک نظرسنجی در سال ۲۰۰۷، جونینو پائولیستا را به‌عنوان بهترین بازیکن تاریخشان انتخاب کردند. در هر حال این‌که برزیلی باشی و در یک باشگاه انگلیسی محبوب شوی، چیز کمی نیست.



له سوکس (چلسی)

له سوکس، پیستون چپ مطمئن چلسی در سال‌های پیش از آغاز لیگ برتر بود و پس از چندین فصل موفق با بلکبرن (شامل یک قهرمانی و یک نایب قهرمانی لیگ برتر) در سال ۱۹۹۷ به این باشگاه بازگشت. مبلغ ۶ میلیون پوندی پرداختی چلسی به بلکبرن، له سوکس را تا قبل از پیوستن کمپبل به آرسنال، تبدیل به گران‌قیمت‌ترین مدافع انگلیسی تاریخ کرد. له سوکس به مدت ۶ فصل در چلسی بود که تنها دو فصل ابتدایی را به صورت ثابت بازی کرد. با بازی‌های خوب او، چلسی جام حذفی، جام اتحادیه، جام برندگان اروپا و سوپر کاپ باشگاه‌های اروپا را بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ برد. هر چند بعضاً له سوکس به دلیل مصدومیت، فینال‌ها را از دست می‌داد. درخشش او در سال‌های ابتدایی تا جایی جلو رفت که تبدیل به دفاع چپ فیکس تیم ملی انگلیس در جام جهانی ۱۹۹۸ شد. له سوکس در نهایت در سال ۲۰۰۳ برای همیشه از چلسی رفت.



سبز

سما

درست است که با یک کلیک ساده می‌توان در دنیای مجازی سفر کرد، بلیت خرید و سرگرمی‌های خوبی مهیا کرد. اما فراموش نکنید که هنوز هم که هنوز، حس کاغذ و روزنامه از بین نرفته و خیلی‌ها حس بهتری به جوهر و کاغذ دارند. نشانی این شماره را دنبال کنید که یک پیشنهاد ویژه است: «شهر موش‌ها ۲» از ۲۹ مردادماه به‌طور گسترده اکران شد. می‌توانید بروید و حسابی خاطره‌بازی کنید.

سینما

5054



خیلی‌ها با شنیدن خبر ساخت «شهر موش‌ها ۲» ترسیدند! ترس از این که مبدا این اسم تبدیل شود به یک برند تجاری برای فروش بیشتر! ترسیدند از این که خاطرات خوب کودکی‌شان از بین برود و یک سری تصاویر جدید جای عروسک‌های دوست‌داشتنی و خاطرات شیرین را اشغال کند. تنها فیلمی که از بین شیشه‌های ضربه‌زده می‌گذشت و خاطره شیرینی را از دوران جنگ و خستگی برای آن‌ها رقم زده بود. عده‌ای از همان ابتدا بی‌خیال خبرهای تکمیلی شدند. سعی کردند این خبر را نشنیده بگیرند و ترجیح

دادند تا همان تصاویر رنگی در پس ذهن آن‌ها باقی بماند. اما عده‌ای دیگر خودشان را دلداری می‌دادند. اسم مرضیه برومند، در دنیای فیلم و سریال کودک نام کم‌وزنی نیست! آن‌ها تمام خبرها را دنبال کردند. مراحل ساخت شهر واقعی موش‌ها را در بوستان ولایت دنبال می‌کردند و به دنبال ردی از خاطراتشان می‌گشتند. به محض این که فهمیدند بچه‌موش‌های کوچک با آن‌ها بزرگ شده‌اند و درست مانند آن‌ها خانه و زندگی برای خودشان تشکیل داده‌اند، خوشحال شدند و منتظر نشستند تا فیلم اکران عمومی شود. وقتی که خبر اکران منتشر شد و با بالا رفتن بلبوردهای تبلیغاتی، تپش قلب‌ها بیشتر شد. بیست‌وهفتم مردادماه، روز خوبی برای خبرنگاران دهه شصتی بود. آن‌ها از اولین نفراتی بودند که به مهمانی «نون و پنیر و گردو» و نمایش فیلم دعوت شده بودند و قرار بود که از دیدن فیلم لذت ببرند. مجتمع سینمایی کوروش با نمایش این فیلم برای اهالی رسانه افتتاح شد و ساعتی به‌یادماندنی را برای آن‌ها ایجاد کرد. در بین اهالی

رسانه تعدادی از همان دهه شصتی‌های بدبین هم حضور داشتند. کنجکاوی به آن‌ها مجال صبر کردن نداده بود و آمده بودند ببینند نتیجه چطور از آب در آمده است. همان سکانس اول، تمام دیوارهای شک و تردید را شکست. فیلم با یک برنامه موسیقی شروع می‌شود؛ برنامه‌ای که بچه موش‌های قدیمی آمده بودند تا هنرنمایی بچه‌هایشان را تماشا کنند. همه بودند؛ کیل، نارنجی، دم‌باریک، سرمایی، عینکی، گوش‌دراز و حتی آقای معلم. آقای معلم

پیر و فروتن شده بود و در همان جلسه آمده بود تا کار را به دست معلم جدید دبستان بسپارد. آشپزباشی از دنیا رفته بود و تمام بچه‌ها برای خودشان زندگی تشکیل داده بودند. «شهر موش‌ها» به‌روز شده بود، موش‌ها بزرگ شده بودند و مخاطبان قدیم با آن‌ها احساس غریبی نداشتند. آن‌ها با این موش‌ها بزرگ شده‌اند و دغدغه‌هایشان با آن‌ها یکی است. این که می‌دیدند کیل هنوز هم از آقای معلم اجازه می‌گیرد، برایشان دل‌نشین بود. از این که می‌دیدند سرمایی پزشک شده، اشک در چشمانشان حلقه می‌بست. با دیدن آقای معلم به همان روزها پرتاب شدند و دوباره حس کردند همان بچه‌های قدیمی شده‌اند. آوازا همان بود و فضای فیلم به‌شدت رنگی. فیلمی که نه یک بار، بلکه باید چندین بار آن را تماشا کرد و حس خوبی بعد از دیدن آن داشت.

پ.ن: سه‌گانه (یا همان اسمشو نبر) به داستان اضافه شده‌اند و درست مانند همان ورژن قدیمی ترسناک به نظر می‌رسند!

جدول کلمات متقاطع

طراح: علیرضا صفری

- بر حسب درجه
- ۶- مزه‌ای میان تلخ و شیرین - علم دست‌کاری کنترل شده، جاگیری دقیق و تولید مواد در مقیاس - از نام‌های دخترانه
 - ۷- از لوازم ورزشی معروف - اندازه فرنگی
 - ۸- دانشجوی هنرستان عالی - بخشی از زمین پیرامون ملک - قلعه
 - ۹- آلوده به سم - واحد پول روسیه - ورزش مطرح آبی
 - ۱۰- گاه از آن کوه می‌سازند - تهی - رسم و رسوم
 - ۱۱- آب منجمد - ساختار - برای اموات خیر می‌کنند
 - ۱۲- آفریننده - چهارمین حرف الفبای یونانی
 - ۱۳- نوشتن واژه‌های یک زبان با حروف دیگر - خیاط

عمودی:

- ۱- جای اقامت - واحد پول میانمار
- ۲- تازه رسیده - نسخه بردار
- ۳- گیاهی که دانه آن خوراکی و بیضی شکل است - بخش نرم گوش - آغ وارونه شده
- ۴- جاده‌ای برای رفتن به شمال - نجات دهنده - بازدید نظامی
- ۵- بدی - لباس شنا - دایی
- ۶- نور اندک - ماشین نظامی - درخچه‌ای که از اسانس برگ‌های آن برای معطر کردن جای استفاده می‌شود
- ۷- میله‌ای در ماشین بافندگی که ماسوره بر روی آن قرار می‌گیرد - وسیله دست و رو خشک‌کردن
- ۸- برنامه ساز و آواز که در حضور بینندگان اجرا می‌شود - ساخته شده از سرب - ماه سرد زمستانی
- ۹- افترا - پرونده - نیمه دیوانه
- ۱۰- نظرات - تغییر چهره برای هنرپیشه برای اجرای نقش - بخشش
- ۱۱- کجاست - منجمد کردن - شهری در استان فارس
- ۱۲- دوست خاموش - جهان
- ۱۳- خبرگزاری ایتالیا - کشوری که به سرزمین نقره مشهور است

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
												۱
												۲
												۳
												۴
												۵
												۶
												۷
												۸
												۹
												۱۰
												۱۱
												۱۲
												۱۳

افقی:

- ۱- واحد شمارش درخت - والیبال با پا
- ۲- پایتخت استان - هم‌رمز گاندی
- ۳- محل نگهداری کالا - خوراکی با گوشت و بادنجان یا کدوی سرخ شده - شخص
- ۴- کشمش سیاه درشت - نوعی شیرینی یا خمیر شیرینی و میوه تازه - پلیس سایبری
- ۵- دیوار قلعه - نمونه دست‌ساز چیزی در ابعاد کوچک - مقدار انحراف از شمال مغناطیسی